



KJAR

کمیته تحقیقاتی کژار



www.kjar.online.com



[@kjar_2014](https://t.me/@kjar_2014)



[@kjaar2014](https://www.facebook.com/@kjaar2014)



kjardiplomasi@gmail.com



[kjarOnline](https://twitter.com/kjarOnline)



[kjar_2014_official](https://www.instagram.com/kjar_2014_official)

ماندگاران انقلاب ژن ژیان نازادی

همه‌نگام با انقلاب «ژن، ژیان، نازادی» این پرسش‌ها نیز مطرح شدند که خواست خیزش‌گران (که با گسترش اعتراض‌ها و اعتصابات و خیزش‌ها تبدیل به انقلابیون شدند) چه بوده و جایگزین و آلترناتیو مدنظر آنان چیست. اینک در کتابچه ماندگاران انقلاب ژن ژیان نازادی تلاش نمودیم که پاسخ گوی این پرسش‌ها باشیم

همچنین فهرستی از اسامی شهدای چهار ماه انقلاب خلق‌ها با پیشاهنگی زنان ارائه گردیده است.

تدوین و گردآوری: کمیته تحقیقاتی کژار

با تشکر از همه دوستانی که ما را در این زمینه یاری نمودند.



چهار ماه از انقلاب «ژن، ژیان، ئازادی» می‌گذرد و خلق شرق کوردستان و ایران، مصمم است در بر ساخت جامعه‌ای آزاد و دموکراتیک. همین موضوع موجب گشته است که همه‌ی خلق‌های مبارز و آزادیخواه جهان به حمایت از زنان و کل آحاد جامعه بپردازند. انقلاب صورت گرفته بار دیگر به جهانیان نشان داد که همزیستی مسالمت آمیز خلق‌ها چگونه ممکن خواهد بود. زیرا جغرافیای ایران در طول تاریخش شاهد همزیستی خلق‌ها در کنار هم بوده و امروزه نیز بر همین مبناست که فریاد پشتیبانی و اتحاد از هر سوی ایران شنیده می‌شود. در فایل نوشتاری قبل که تحت نام «جاودانگان یک انقلاب» منتشر گردید. علاوه بر ذکر نام شهدای ۶۰ روز اول قیام، به بعد تاریخی مسئله‌ی مقاومت تاریخی تمام خلق‌ها پرداخته شد. بدون شک بدون در نظر گرفتن مسئله‌ی تاریخی و کسب آگاهی و شناخت در آن، تحلیل‌های صورت گرفته از انقلاب در جریان، ناقص خواهد بود. همچنین از شهادت زنان و مردانی سخن به میان آمد که پیشاهنگ این پروسه‌ی انقلاب گشتند و نامیرانند. زنان و مردانی که موجب شدند، این انقلاب ادامه یابد. در همین راستا سعی بر آن شد که کتابچه‌ی «ماندگاران انقلاب ژن ژیان ئازادی» به نگارش درآید. در این کتابچه علاوه بر ارائه‌ی لیست شهدای انقلاب، به چرایی ماندگاری این انقلاب، چشم انداز و سیانت از آن می‌پردازد. بی شک انقلاب کنونی به منظور بر ساخت حیات‌ی آزاد و دموکراتیک، صورت گرفته است، در این جلد، از مدرنیته‌ی دموکراتیک در ایران نیز گفته می‌شود که بعنوان رهیافت بنیادین و جایگزین مناسب، آینده‌ای آزاد را مژده می‌دهد. نگارش کتابچه‌ی «جاودانگان یک انقلاب» و هم انتشار این فایل نوشتاری، گام بسیار کوچکی است برای ارج نهادن به یاد و خاطره‌ی شهدای این چهار ماه. امید که توانسته باشیم، در این راه گامی هر چند کوچک برداریم.

قریب به چهار ماه است که گوش خیابان مالمال از صدای انقلاب است و چشم خانه‌های ایران، مانند فلق سرخ. قریب به چهار ماه است که جوانان، مدارس و دانشگاه را به مکان جستجوی حقیقت مبدل ساخته اند و تمام جامعه را به این راه دعوت نمودند. هرچند که در طول این مدت، تحلیلات بسیاری در این مورد صورت گرفت، اما پس از گذشت چهار ماه و تداوم این پروسه، یادآوری و ذکر این

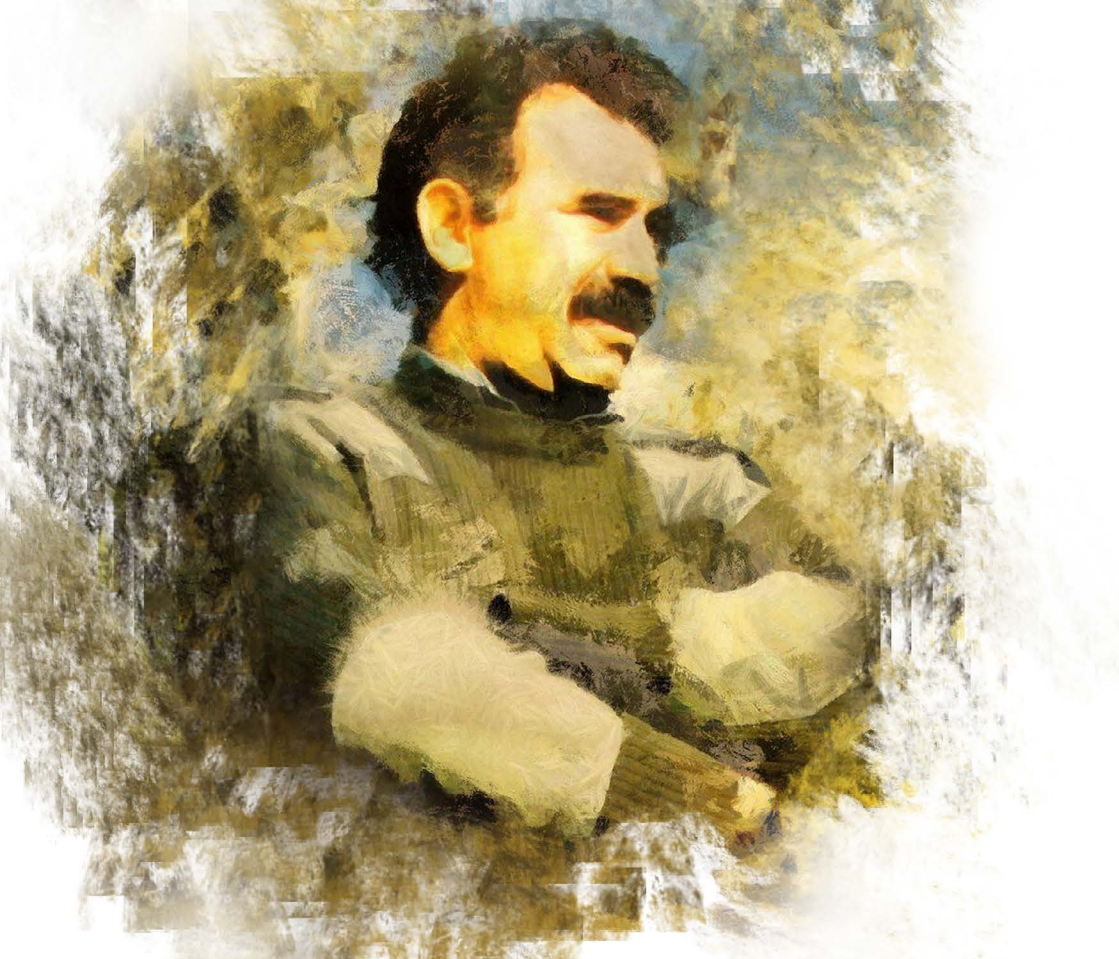
موضوعات از اهمیت خاصی برخوردار است. بطور خلاصه می‌توان فاکتورهایی که این خیزش را از خیزش‌های دیگر متمایز و متفاوت ساخت، مورد بررسی قرار داد. این خیزش در وهله‌ی اول یک رنسانس فکری و ذهنیتی را برای تمام جامعه به همراه داشت، بعبارتی خلق‌های ایران، بر نیروی خویش و اراده‌ی ذاتی شان تکیه نمودند. جامعه در حال حاضر، بیش از هر زمان دیگری، آگاه است و در راستای رسیدن به اهدافش، گام بر می‌دارد. از روز اول انقلاب، از شعارهایی که سر داده می‌شد، تا حضور مستمر در خیابان و سطح مطالبات خلق‌ها، مشخص بود که خلق‌ها در ایران، نه پشت به نیروهای خارجی که همواره خود را به عنوان منجی خاورمیانه معرفی کرده اند، می‌بندد و نه از سیاست‌ها و جنگ ویژه‌ی نظام می‌ترسند. خود جامعه از روز اول انقلاب ذهنیتی را شاهد گشت. از همان روز اول از تمام اقشار جامعه، شعار «ژن، ژیان، ئازادی» را می‌شنیدیم و هنوز هم این شعار به زبان‌های گوناگون، بر زبان است. این یعنی اینکه جامعه، معنای حیات را وابسته به وضعیت زنان و آزادی شان مرتبط می‌داند. در این پروسه‌ی انقلاب، زنان بار دیگر نشان دادند که القاب و عناوینی که تحت نام ناموس و سنت و قانون که بر آنان تحمیل شده است را قبول نخواهند کرد. هر یک از آنان فریاد «زن، زندگی، آزادی» برآوردند تا بگویند ابژه نخواهند بود و مبارزه شان حیات را، معنا و شیوه‌ی دیگری می‌بخشد. هر یک از آن‌ها پیشاهنگی این انقلاب را برعهده گرفتند و همه را به صحنه و میدان مبارزه دعوت نمودند. البته که این پیشاهنگی تنها به یک شهر و یک منطقه محدود فاند و مسئله‌ی آزادی زنان به درد مشترکی مبدل شد و کل جامعه نیز به این فریاد مشترک علیه نظام پیرسالار و مردم‌محور پیوست؛ پس می‌توان گفت شعارهایی که حول محور آن، اتحاد خلق‌های ایران صورت گرفت، شعارهایی کاملاً ایدئولوژیک بودند که از ابتدا تا کنون همچنان از سوی خلق سر داده می‌شود. همه‌ی این شعارها فرهنگ مبارزه را انعکاس می‌داد و واژگان جدیدی را به دایره‌ی مبارزاتی خلق‌های ایران وارد ساخت. شعارهای «ژن، ژیان، ئازادی»، «شهادا می‌میرند»، «مقاومت زندگی ست»، «مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر» نشان از همان رنسانس فکری-اجتماعی دارد که در سراسر جهان انعکاس یافت.

مهمترین پیام این خیزش انقلابی، اتحاد سراسری خلق‌ها در ایران بود. جامعه به خوبی بر سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» حاکمیت واقف است. سیاستی که همه‌ی تفاوت‌های جامعه را خرده فرهنگ خوانده و هویت طلبی شان را تجزیه

طلبی می خواند و از همین طریق آنان را سرکوب می کند. درحالی که واقعیت این است که این خود نظام است که میان خلق‌ها تفرقه می‌اندازد و آن‌ها را به شیوه‌های گوناگون از همدیگر دور می‌سازد. اما آنچه که در طول این انقلاب شاهد آن بودیم این بود که خلق‌ها در ایران نه تنها متحد گشتند بلکه در تمام شرایط حامی و پشتیبان یکدیگر بوده‌اند و هستند. این دقیقاً بدان معناست که ایران موزاییک فرهنگی خلق‌ها بوده و همزیستی مسالمت آمیز خلق‌ها در آن، موضوعی غیر قابل انکار است.

اما موضوع بسیار مهم دیگری که در این خیزش انقلابی تا امروز نیز قابل رویت است، مسئله‌ی امید و تلاش برای تغییر است. بخش عظیمی از جنگ ویژه‌ی نظام به منظور ایجاد ناامیدی و دلسردی از مبارزه صورت می‌گیرد. زندان نیز بخشی از این جنگ ویژه‌ی نظام است. در طول این مدت، روز به روز بر تعداد شهدا و زندانیان افزوده می‌شود، هر روز جوانان بسیاری اعدام می‌شوند، اما این سیاست نظام دیکتاتور نیز موجب نگشت که خلق از رسیدن به اهدافش دلسرد شود و پا پس بکشد و این پیام بسیار مهمی است که زنان، جوانان و همه‌ی آحاد جامعه به حکومت ولایت فقیه دادند.

بطور کلی میتوان گفت چشم انداز آینده‌ی ایران، بسیار شفاف و روشن است و هیچ‌گاه به انحراف کشانده نخواهد شد. در طول این مدت، علی‌رغم تمامی تهاجمات حاکمیت، زنان و جوانان و همه‌ی آحاد جامعه، راهکارهای متفاوتی از جمله اعتصاب، اعتراض، تحصن و ... را بکار گرفتند و اقشار مختلف جامعه، از جمله، زن، مرد، جوان، پیر، دانشجو، کارگر، کارمند، مذهبیون و ... در آن مشارکت نمودند. در واقع همه‌ی آنچه که بر زبان رانده شد، مطالبات خلق‌ها در ایران و بویژه زنان و جوانان است. مطالباتی که بر مبنای ملت دموکراتیک صورت می‌گیرد. در اصل این مطالبه، ایجاد فضایی بدور از جنسیت‌گرایی، ملی‌گرایی و دین‌گرایی است. پایه‌های همین نظام، جنسیت‌گرایی، ملی‌گرایی و دین‌گرایی است که حاضر به قبول تفاوت‌مندی‌ها نیست. هموژن است و دیکتاتور! از همین رو این وضعیت از سوی جامعه قابل قبول نیست و خود جامعه، آن تعاریف ابژه‌گونه را رد کرده و نشان داده که توان تصمیم‌گیری را دارد که آینده‌ای آزاد را بسازد.



ارزیابی رهبر اوجالان در خصوص، انقلاب دمکراتیک ایران

رهبر اوجالان در جلد پنجم مانیفست تمدن دمکراتیک که در آن به موفقیت کوردها در بر ساخت مدرنیته متفاوت از مدرنیته کاپیتالیستی اشاره نموده، در مورد آینده نزدیک ایران پیش‌بینی‌هایی کرده است. رهبر اوجالان در سال ۲۰۱۰ میلادی شروع انقلاب از سوی خلق‌های ایران را مورد اشاره قرار داده و امروز در سال ۲۰۲۲ اتفاقاً انقلاب خلق‌ها علیه جمهوری ملی‌گرای شیعی با توسل به شعار «زن، زندگی، آزادی» که واضح فلسفه آن رهبر اوجالان است، آغاز گشته.

موقعیت ایران و سایر دولت-ملت‌ها در زمینه بر ساخت مدرنیته متفاوت از مدرنیته

کاپیتالیستی و رهایی از هژمونی آن، معضل‌دارتر است. جنگ‌های صدساله اخیر دولت-ملت، بلایی شاید سنگین‌تر از بمب اتم را بر سر خلق‌های خاورمیانه و فرهنگ‌های آن آورده‌اند. ایران هر لحظه ممکن است با بلای اتمی نیز روبه‌رو گردد. فرهنگ ایران از سرآغاز تاکنون با مدرنیته کاپیتالیستی و به‌ویژه «دولت-ملت»‌گرایی در حال نزاع و ستیزه است. در برابر تمامی این عناصر تحمیلی مقاومت می‌نماید. خلق‌های ایران از هم‌اکنون این نکته را درک کرده‌اند که حتی شیعه‌گرایی که همانند پدیده‌ای بسیار بومی و تاریخی تحمیل می‌شود، نوعی ملی‌گرایی بوده، مشتقی از مدرنیته سرمایه‌داری تشکیل داده و انقلاب اسلامی ایران را با همین نقاب از اهدافش دور نموده است؛ به همین جهت نیز به‌پا خاسته‌اند. وقایعی که در افغانستان و پاکستان روی می‌دهند نیز متفاوت نمی‌باشند.

بویژه ایران با استفاده از سنت دولتی بسیار قدیمی‌اش، تصور می‌کند که به اصطلاح از پس مدرنیته کاپیتالیستی برخواهد آمد و به عبارت صحیح‌تر با ایجاد چنین ایماژ یا تصویری، از طرف نظام پذیرفته خواهد شد. کاربست اینچینی تاریخ، شاید هم خیره‌سرانه‌ترین شکل زوال‌یافتگی باشد. تصور نجات‌دادن «دولت-ملت»‌گرایی از طریق این همه مخلوط‌سازی مدرنیته با سنت تاریخی و مخلوط‌سازی سنت با مدرنیته، تنها با «حقه‌بازی‌های حاکمیت ایرانی» قابل توضیح است. به همین دلایل است که خاورمیانه‌ی آینده‌ی نزدیک شاید هم از طریق جامعه ایران شکل‌بندی گردد. ایران به‌راستی نیز در حکم مرکز اصلی گفتگوها و مباحثی است که درباره‌ی مدرنیته صورت می‌گیرند. هرچند ملی‌گرایی شیعه سعی در تحریف مباحث ایدئولوژیک و سیاسی مربوط به مدرنیته دارد، اما گفتگوها و مباحث مذکور رشد و گسترش پیدا کرده و ادامه خواهند یافت. خلق‌های ایران به نسبت سایر خلق‌ها شناخت بیشتری از مدرنیته کاپیتالیستی دارند و در گردن نهادن بدان مصمم دیده می‌شوند. ملی‌گرایی کنونی شیعه هرچقدر هم اسرائیل‌ستیزی، آمریکاستیزی و غرب‌ستیزی متقابلانه صورت دهد، اما قادر نخواهد بود بصورت درازمدت در مقابل خلق‌های ایران که مدرنیته‌ی متناسب با خویش را می‌جویند، مانع‌سازی نماید؛ حتی اگر دست به سازش با ایالات متحده‌ی آمریکا و اسرائیل بزند، قادر نخواهد بود در برابر این جستجوگری خلق‌ها، موضع نقاب‌دار خویش را تداوم بخشد. مقوله حقیقت‌جویی، در فرهنگ ایران نیرومند است. همچنین در ایران یک سنت زندگی کمونال با پیشینه‌ی بسیار کهن تاریخی وجود دارد. بنابراین ممکن است در آینده نزدیک ایران شاهد یک جنگ واقعی برای تشکیل مدرنیته‌ی مختص به خویش باشیم. در اصل انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ نیز نوعی

جنگ برای تشکیل مدرنیته مختص به خویش بود، اما به انحراف کشیده شد. خلق‌های ایران از طریق درس‌هایی که از این انقلاب و تاریخ‌شان گرفته‌اند، در آینده نزدیک از طریق جنگ‌هایی برای تشکیل مدرنیته مختص به خویش که برای تمامی خلق‌های خاورمیانه به شکل بهمن‌آسا مسیری نوین خواهد گشود، می‌توانند راهگشای پیشرفتی شایسته‌ی تاریخ خویش و تاریخ خاورمیانه گردند. به همین سبب مباحث مدرنیته‌ی دمکراتیک و آزمون‌های عملی آن، برای ایران دارای اهمیت فراوانی هستند و راهنمای مسیرند.»

به این ترتیب امروز با چشم خود می‌بینیم که چگونه پیش‌بینی‌های رهبر اوجالان در ارتباط با آغاز قیام خلق‌های ایران صحیح بوده‌اند و جالب‌تر آنکه شعار بنیادین این قیام ایران، شعار « زن، زندگی، آزادی » است که اتفاقاً خود رهبر اوجالان واضع آن می‌باشد. معنا و مفهوم این شعار، معنا و مفهوم یک انقلاب حقیقی با مدرنیته‌ای دمکراتیک برساخته خود خیزش‌گران و مبارزان خاورمیانه‌ای است که در جهان طنین‌انداز گشته. یک ایران دمکراتیک برای خاورمیانه در راه است.



زن ژيان نازادی فرمول انقلاب و آزادیست

گاه جرقه ای، آتش زیر خاکستر می شود، همانطور که شهادتی موجب انقلاب می شود. شهادت ژینای عزیز، موجب شد که فریاد حبس شده در سینه‌ی ایران، به گوش جهانیان برسد. جان باختن ژینا، زندگی زنان و مردان را معنایی نو بخشید. نامش به رمز مبدل شد و نامیرا شد و شعار سحرآمیز «ژن ژیان نازادی» ندای آزادی تمام زنان شد.

آری شهادت ژینا قطره‌ای بود که لیوان صبر ملامال از جنایت دهها ساله جمهوری اسلامی را لبریز و خشم مردم خسته از این رژیم تئوکراتیک و مردسالار به خصوص زنان را به اوج رساند. استارت انقلابی زده شد که ماههاست ادامه داشته و بنیان

یک رنسانس فکری و اجتماعی را نه تنها در ایران بلکه در سطح خاورمیانه پایه نهاد. در این میان باید به نقش روزنامه‌نگاران جسور در پخش اخبار مربوط به قتل ژینا و تصاویرش در بیمارستان، ایستادگی شجاعانه خانواده‌اش در اطلاع رسانی بدون ترس و حضور چشمگیر آزادیخواهان در مراسم تشییع پیکر وی در سقز، جسارت زنان و برداشتن روسریهایشان همچون سمبل سیاسی ایدئولوژیک رژیم ایران مقابل زنان و سر دادن شعار «ژن ژیان نازادی» اشاره کرد.

در سیستمی همچون جمهوری اسلامی، زن کشی نه تنها مقوله‌ای تازه نیست اساساً بیان این سیستم جنسیت‌گرا، تئوکراتیک و ضد زن بوده و پدیده‌ای نیست که از قتل ژینا آغاز شده باشد. رژیم ایران بسان چهل سال گذشته که هیچ تغییری در خود ایجاد نکرده بود عمل کرد اما محاسباتش در رابطه با کوردستان و سایر مناطق در ایران به خصوص قشر جوانان و جامعه زنان کاملاً اشتباه از آب درآمد. اگر رژیم ایران بدون هیچ تغییر دمکراتیکی و در مقایسه با پیشرفت جامعه جهانی بر همان ایدئولوژی ضد زن و ضد انسانی خود استوار بود اما دیگر جامعه ایران تغییر کرده بود. حتی اگر جمهوری اسلامی در محاسباتش انتخاب زن کورد را با هدف یک تیرو دو نشان زدن و برای ایجاد ارباب در زنان یک زن کورد را انتخاب تا به این گونه پیامی به زنان در ایران بدهد که هزینه سیاسی آن برایش ارزانتر باشد در تمامی این محاسبات شکست خورد. چون جامعه تغییر کرده بود. زنان تغییر کرده و جوانان از زندگی زیر سایه همچون رژیمی خسته بودند. رژیم ایران محاسباتش آنقدر اشتباه بود که فکر نکرده بود اگر زنان کورد در مقابل سیستم فاشیستی اردوغان جسورانه ایستاده و در عراق و سوریه داعش را از پای درآوردند آنقدر توانمند گشته‌اند که به جنگی تمام عیار ایدئولوژیک و سازمانی علیه جمهوری اسلامی بروند. شعار ژن ژیان نازادی به خاطر مبارزات زنان در کوردستان آنقدر بین المللی شده که در مقابل رژیم ایران همانند داعش به شعاری در سطح جهانی مبدل شود و زنان از تمام نقاط جغرافیایی دنیا آن را با بریدن موهایشان تکرار و خشم و انزجار خود را به رژیم و همبستگی خود را به زنان در ایران نشان دهند.

ژینا قربانی ماشین ترور رژیم شد اما قتلش موتور اصلی یک قیام عمومی و یک انقلاب تمام عیار در ایران شد. انقلابی به معنای واقعی نه آنچه در زمان روی کار آمدن جمهوری اسلامی به عنوان انقلاب به جامعه جهانی معرفی کردند که جز جهنمی برای

زنان، جوانان، خلقها و تنوعات هویتی «ملی، اتنیک، مذهبی و جنسیتی» نبود. رژیم ایران از شکستن زندانی که با دیوارهای فقر، سقف های تحقیر و پنجره های دروغ ساخته است، می ترسد. از ویران کردن این زندان بزرگ توسط خود جامعه و در شخصیت زن آزاد که پیش شرط جامعه آزاد است، در هراس است. زندانی که دیوارهایش به رهبری و پیشاهنگی زنان و جوانان، قیام و به پا خواستن اقشار مختلف جامعه و حمایت جامعه مدنی در سطح بین المللی شکسته شده است. در انقلاب کنونی ایران تفاوتی محض در مقایسه با خیزشهای قبل وجود دارد، پیوستن طبقه کارگر که بخش عمده جامعه را تشکیل میدهد و ظهور افکار جدید و برداشتن پرده های نفرت و تفرقه میان ملیتها و ایجاد فضایی برای اتحاد دمکراتیک، پا به میدان گذاشتن نسلی رادیکال که مقابل هر نوع استبداد، تفکر فاشیستی و جنسیتگرا قد علم می کند تنها بخشی از این تفاوتهاست. در واقع جامعه راهش را برای مقابله با ماشین مرگ سیستماتیک دولتی که جوامع در ایران را به نام اسلام در معرض سازوکارهای مختلف سیستم سرمایه داری مردسالار قرارداد، یافته است. دولتی که به نام جبهه ضد امپریالیستی خود امپریالیست منطقه ای گشته، با ایجاد مناطق آزاد تجاری و کریدورهای صنعتی و خصوصی سازی و در اختیار قرار دادن اقتصاد به مافیای سپاه پاسداران شکاف طبقاتی جامعه را روز به روز عمیق تر، با استثمار بیرویه طبیعت اکوسیستم را تخریب و بیش از نیمی از جغرافیای ایران را آماده کوچهای میلیونی اجباری و زمینه ساز تغییرات دموگرافیک کرده، با افزایش فقر اقتصادی و سیستم آموزشی بد زمینه هر چه بیشتر کردن فقر فرهنگی را فراهم و با افزایش مداوم تبعیض، اعدام، شکنجه، حبس و مجازاتهای سنگین برای افراد بسته به منشا ملی، قومی، هویت جنسی و گرایشهای جنسیتی، زن ستیزی به جنگی تمام عیار بر علیه جامعه برخاسته است.

نه تنها از زمان روی کار آمدن جمهوری اسلامی بلکه از زمان گماشتن سیستم دولت ملتها بر خاورمیانه توسط کلونیالیسمهای اروپایی و با تکیه بر اشغالگران منطقه ای فرهنگ مقاومت در برابر آسیمیلاسیون و سیاستهای پاکسازیهای هویتی به منظور پیش بردن تفکر فاشیستی یک ملت، یک پرچم و تک زبانی ملی در میان خلقهای خاورمیانه به خصوص ایران همواره پابرجا بوده و امروز در اوج خود قرار دارد. سیاستهایی که گاه به شیوه فاشیسم عریان همچون انکار بودن کوردها در ترکیه و گاه در قالبی شوونیستی همچون مرکزگرایی و ایرانشهری خود را نمایان می کند. تجربه صد سال گذشته این مناطق به خوبی عیان کرد که هیچ کدام از این سیاستها جوابگو نبوده و ملیتهای

این جغرافیا امروز بیش از هر زمان دیگری در برابر آن ایستاده و آماده‌تر از همیشه مطالبات خود را فرمول بندی می‌کنند.

در این میان در کنار مبارزات ملیتی، مبارزات کارگری نیز به عنوان مانعی محکم در مقابل هم‌جمهوری اسلامی و هم‌سیستم سلطنتی قبل از آن نیز به حساب می‌آید. اگر یکی از دلایل مبارزه بر علیه شاه پیشین ایران فساد اقتصادی و عمیق شدن شکاف اقتصادی در جامعه بود این فساد و شکافها نه تنها از بین نرفت بلکه جمهوری اسلامی آن را عمیق‌تر کرده به طوری که امروز بیشترین درصد مردم زیر خط فقر زندگی میکنند. از ماه مارس سال ۲۰۲۱ میلادی تا مارس ۲۰۲۲ بیش از ۴ هزار تظاهرات و اعتراضات کارگری در ایران برگزار شده است. از معلمان گرفته تا کارگران صنایع پتروشیمی و نفت، تا کارگران شهرداری و مغازه‌داران. روزی نیست که اخباری مبنی بر دستگیری و شکنجه فعالین کارگری نباشد. در کنار آن میتوان به اعتراضات علیه سیاستهای غلط رژیم به خاطر خشک شدن دریاچه‌ها و رودخانه‌ها و تخریب اکولوژی نیز اشاره کرد که فقط قیام تشنگان در الاحواز به تنهایی دهها کشته بر جای گذاشت. در عین حال در سالهای اخیر به ویژه در چهار ماه گذشته و پس از جان باختن ژینا مقاومت مردم در برابر نظام جنسیت‌گرای ایران به پیشاهنگی و رهبری زنان مسئله آزادی زن را در ایران به کانون تحولات اساسی تبدیل کرده است. بنابراین آنچه در روژه‌لات و ایران می‌گذرد یک انقلاب به معنای واقعی کلمه که شامل سه رکن اساسی مبارزه علیه مردسالاری، محافظت از محیط زیست، مخالفت با هر نوع قدرت‌گرایی و سلطه و تلاش برای بازگرداندن قدرت به جامعه است.

نیروهای رژیم ایران زن‌کش، نژادپرست و محافظ‌ظلم و ستمند چون خود رژیم مردسالار، اشغالگر و سرمایه‌داری است. از طرفی دیگر مقامات و دولت‌های غربی نیز از ابتدا تا کنون پس از ترور ژینا بر اساس منافع خود عمل کرده‌اند، با همان ذهنیت اروپا محور و شمال جهانی که جنوب جهانی را جامعه‌ای عقب مانده، ضد آزادی، خشن و غیر دموکراتیک نشان می‌دهند. ذکر این نکته ضروری است که پرونده ژینا و ژیناها موردی فردی نیست، بلکه یک مشکل ساختاری است که توسط خود دولت ضد زن ایران از طریق نهاد هایش در داخل و با استفاده از سیاست حمایتی سازمان ملل که به عنوان موضوعات داخلی در سطح بین‌المللی از آن نام می‌برند قانونی شده است. دولت‌های غربی تاکنون نیز موضعی متناقض و ریاکارانه داشته‌اند. آنها از

سویی با انقلاب زنان و ملتهای داخل ایران مواجه هستند و باید پاسخگوی آن باشند از سوی دیگر به دلایل زیادی به ویژه حفظ توازن قوا با حضور جمهوری اسلامی در منطقه خواهان تغییر رژیم در ایران نیستند. زیرا حضور ایران و مداخلات منطقه‌ایش بهانه خوبی برای گسترش سیاستهای امپریالیستی جهانی و از جمله فروش سلاح به کشورهای همچون عربستان سعودی و قطر و دیگر رقبای منطقه‌ای این رژیم است. تحریم‌هایی نیز که غرب علیه ایران تا کنون اعمال نموده تنها باعث تضعیف هرچه بیشتر جامعه و تقویت دولت شده است.

در انقلاب اخیر شاهد هستیم که قیام‌کنندگان نشان دادند دیدگاه خوش بینانه‌ای به دولت‌های غربی ندارند و مردم هم با جنگ و دخالت نظامی بیرونی و هم با تحریم مخالفند، زیرا هر دو را ابزاری برای نابودی جامعه در ایران میدانند و راه حلی را در آن نمی‌بینند. همانطور که در عراق، افغانستان و سوریه انجام دادند و حتی از سازمانها و آژناتیو‌هایی که از بستر جامعه شکل گرفته و می‌توانند راه حل باشند حمایت نمی‌کنند بلکه همواره به دنبال آژناتیو سازی با توجه به بهره‌برداریهای ژئوپولیتیک خود می‌باشند. حجاب اجباری به عنوان سمبل جنسیت‌گرایی، ایدئولوژی و دولتی رژیم ایران در مقابل زنان قابل انکار نیست و ایستادن در مقابل آن باید در ردیف اول مبارزه باشد اما برخی از این نیروها که نمی‌خواهند مشکلات و مسائل عدیده دیگر را ببینند تمام سعی خود را به کار می‌گیرند که این انقلاب را تنها به حجاب تقلیل دهند تا نقشه‌های غرب به خصوص واشنگتن را با استفاده از تبلیغات و فناوری و دستگاه‌های اطلاعاتی به پیش برده، ساختار نظام را در رژیم بعدی بدون آزادی زن، برابری و عدالت اجتماعی و بدون اهمیت دادن و رعایت حقوق ملیتها و تنوعات اتنیکی حفظ کنند و ایران را در مدار سرمایه‌داری مردسالار جهانی نگه دارند. در نقطه مقابل غرب نیز جامعه شرقی به نمایندگی روسیه و چین قرار دارند که در معادلات امروز آنها را باید جزو دشمنان جامعه ایران نام برد. دشمنانی که هزینه حمایت از جمهوری اسلامی را در سطح بین‌المللی از مردم و منابع و طبیعت آن می‌گیرند. دشمنانی که چپ ارتدکس را هم کنار خود دارند و همواره جنایتهای رژیم تئوکراتیک و مرتجع ایران را سرپوش می‌نهند. آنانی که واژه و مبارزه ضد امپریالیستی را از ماهیت خود خالی و آن را بسته به رقابتهای ژئوپولیتیک تعریف می‌کنند، چپ بودن و دمکراسی خواهیشان بسته به نیازهای دولتهاست نه جوامع و بی‌شمارانه انتظار دارند که مردم در ایران به خاطر بلوک بندیهای شرق



و غرب آنها در مقابل تمامی بی عدالتیها و ستم جمهوری اسلامی سکوت کنند. در مقابل، سوزاندن مجسمه‌ها و تصاویر و بنه‌های قاسم سلیمانی به عنوان سمبل و نماد ایدئولوژی جمهوری اسلامی در منطقه و همچنین پاسخ ندادن مردم در داخل ایران به رهبرسازیهای غرب و استفاده از افراد و سیستم‌های که پیشتر در ایران امتحان خود را بس داده و به تاریخ سپرده شدند از استقلال فکری مردم و رادیکال بودن آنان در رسیدن به سیستمی دموکراتیک نشأت می‌گیرد.

در ۲۶ خرداد خامنه‌ای در سخنرانی در جمع اعضای قوه قضائیه گفت: «خدای امروز همان خدای دهه ۶۰ است و تغییر نکرده است» قطعاً با توجه به کارنامه سیاه جمهوری اسلامی در کشتار در کوردستان و اعدام‌های فعالین در دهه ۶۰، این گفته وی تهدید مستقیم مردم و به خصوص بخش فعال جامعه در ایران بود. اصولاً سر کار آوردن رئیسی نیز در راستای پاکسازی ستون رژیم، برداشتن ماسک بخشی از بدنه آن که به عنوان اصلاح طلب به جامعه می‌فروخت و عیان کردن هرچه بیشتر پیکره راستگرای افراطی سیستم دولتی ایران بود. آنچه رهبر جمهوری اسلامی در محاسباتش نادیده گرفته بود تغییر درونی در جامعه ایران بود، تغییر و پویایی در اعتراضات و خیزشها بود که دیگر هر نوع فشار و سرکوبی اگر هم تاثیری روی آن داشت کوتاه مدت و گذرا بود و مردم شعله‌ورتر و مصمم‌تر از گذشته به خیابانها بر میگشتند. در حال حاضر نیز رژیم پس از قتل ژینا و قتل صدها نفر از جمله کودکان، جوانان و زنان زیر شکنجه و با وحشیانه‌ترین شکل ممکن به اعدام دسته‌جمعی و فله‌ای دستگیر شده‌ها روی آورده است، روشی که غیرانسانی‌ترین راه به منظور ایجاد ترس در دل مردم است. ترسی که دیگر ریخته و کسی را یارای کاشتن آن در دل مردم نیست. شکست این سیاست رژیم را می‌توان در ایستادگی پدر ژینا و نپذیرفتن دیدار با رئیسی هنگام سفر به کوردستان دید، این شکست را میتوان به ایستادگی مردم با وجود فقر کمرشکن اقتصادی در نتیجه استعمار و پابرجا بودن اعتصابات عمومی در شهرهای روژهلات میتوان دید، و شکستی را که عیان و آشکار در جمعه‌های بلوچستان و فریادهای زنان بلوچ میتوان مشاهده کرد. در واقع در ایران جنگی برپاست جنگی که میان جبهه دموکراتیک مردم و تمام سیستمهای موجود شکافی به درازای تاریخ انداخته است و میرود که ایرانی دموکراتیک را به آینده جوامع این جغرافیا، خاورمیانه و جهان هدیه دهد.

اما در این میان از نیروی ضد انقلاب نباید غافل شد، نیرویی که در دوران سلطه مردسالاری و هژمون‌گرایی بر نهادها و رسانه‌های سیستم تمام سعی خود را خواهد

کرد که تنها معیارهای مورد قبول خود از آزادی را سخن انقلاب کرده و برای تفکراتمان، اصول پایه‌های انقلاب و شعارهایمان بدیل درست کند. از جمله می‌توان به بدیلها و جایگزینهای ساخته شده که برای شعار «ژن ژیان نژادی» به عنوان فرمول قیام، انقلاب و پیروزی است اشاره کرد. آنها می‌خواهند اهداف این انقلاب را که جامعه‌ای دموکراتیک و آزاد است به انحراف بکشانند و این خطری جدی و بزرگ است که سیستم نئولیبرال سعی میکنند انقلاب را گمراه کرده جلوی آن را بگیرند، درخواست هایش را محدود و در ضربه آخر آن را محو کرده و تمام رنج و زحمات مردم را بدزدند. از کشورهایمانند اسرائیل گرفته تا اپوزیسیون میانه‌رو، اقتدارگرایان و حتی برخی از افراد و احزاب هم این تلاش را کرده برای آن رسانه‌های عظیم را برای پیش بردن انواع سازوکارهای جنگ ویژه علیه ایدئولوژی و فلسفه پشت شعار این انقلاب به کار می‌گیرند. اساساً بخشی از کار این رسانه‌ها که بودجه‌هایشان توسط سیستم تهیه میشود به این مسئله اختصاص دارد. آنها سعی کرده و خواهند کرد تا خاستگاه انقلاب، رهبران واقعی و معماران شعارهایی همچون «ژن ژیان نژادی» را یا نادیده گرفته یا هویتشان را انکار کنند. برای انقلاب فمینیستی و آزادیخواهانه رهبر تراشی کرده و مانند بسیاری از انقلابهای تاریخ از مسئله زنان، ملیتها، کارگران تنها استفاده ابزاری کرده، نه به آن باور واقعی دارند و نه حتی در زندگی شخصی، اجتماعی و سیاسی‌شان آن را به حیطة عمل درخواست آورده. این مرحله، مرحله تاکید جامعه بر باورها و خواسته‌هایش است، تاکید بر اهمیت معنای انقلاب، منابع و اهداف آن است. مرحله معرفی پروژه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و آزادیخواهانه است که عمل‌گرا بوده و مبتنی بر پارادایم نوین اجتماعی و سیاسی باشد.

مردم در ایران دریافته‌اند که با توجه به این حقیقت که برابری در واقع زیستن تمامی موجودیت‌های اجتماعی با سرشت و تفاوت‌مندی‌های مختص به خویش و تداوم و منشا تمامی نابرابری‌های اجتماعی نیز نابرابری در حقوق زنان است، بدون گذار از ذهنیت جنسیت‌گرا و احیای آزادی زنان و قوانینی بر محوریت آزادیهای جنسیتی نمی‌توان از یک برابری اجتماعی حقیقی دم زد.

انقلاب ذهنیتی کنونی در ایران اگر بتواند بر پرنسیب‌های ضد مردسالاری قدرت‌گرا اصرار ورزد نتایج مثبتش نه تنها جغرافیای ایران بلکه بر منطقه و جهان نیز تاثیرگذار خواهد بود. اگر برای رسیدن به قدرت تکیه بر سیستم مردسالاری اجتناب ناپذیر بود رژیم ایران مجبور نبود آنقدر به خشونت‌های مرئی و نامرئی همچون سیستمهای حقوقی سرکوبگر روی بیاورد. اینجاست که اقتدارگرایی می‌تواند قویتر پیشرفت کند.

سیستمهای فاشیستی مبتنی بر مردسالاری هستند و اساسا سلطه بر مبنای رابطه سلطه‌گرانه انسان بر انسان ایجاد گشته است و استثمار سرمایه داری بر آن استوار است. این رابطه منبع تولید کلونیالیسم یا اشغالگری و راسیسم و نژادپرستی می باشد. مردسالاری هویت‌های انعطاف پذیر ایجاد می کند، نقشهای اجتماعی آنها را به شیوه‌ای محدود تعریف می کند و در سیستم هیرارشی و سلسله مراتبی ثابت در دوگانگیهای فعال/غیر فعال، سرکوبگر/مظلوم، مرد/زن جای داده و به آنان وعده‌های توخالی میدهد تا با جای گرفتن در آن و از به جای آوردن نقشهایی که بر عهده‌شان گذاشته به آنان احساس خوشبختی دهد. قدرت و امتیاز میبخشد که از نیازهای تغذیه‌ای مردانگی است که نه تنها مردان بلکه بسیاری از زنان را نیز به آن مبتلا می کند. در واقع رسیدن به ریشه مشکلات که همانا بردگی زنان و آزادی زنان است انقلاب کنونی را در ایران منحصر به فرد می‌کند اما باید در همان حال از تهدیدها و فرصتهایی که این انقلاب پیش روی جوامع در ایران گذاشته غافل نشد و با اصرار بر اصول پارادایم فکری « زن ژیان آزادی» که همانا آزادی زن و خارج کردن زن از ابژه بودن و بر مبنای آن آزادی انسان، اکولوژی اجتماعی و کمونالیسم و ملت دمکراتیک از طریق خودمدرییتی ها است بتوان از جوهره آن در برابر تهدیدهای داخلی و خارجی دفاع کرد.

بدون شک تغییراتی بنیادین در طی این مدت و پس از قتل ژینا در ایران روی داده است. ایران امروز مرحله‌ای را طی کرد که تاریخ خاورمیانه و جوامع این منطقه را تحت تاثیر خود قرار خواهد داد. در طول این مدت سکوت دولتهای منطقه را در برابر تمام جنایتهای رژیم شاهد بودیم از دولت ترکیه گرفته تا دولتهای عربی، تا افغانستان، پاکستان، عراق و حتی تا روسیه‌ایی که زمانی پرچمدار انقلابهای سرخ تاریخی بود زیرا ماهیت دولت ماهیتی مردسالار است که هیچ کجا یک انقلاب آزادیخواهانه را بر نمی‌تابد. دلیل این سکوت تنها روابط سیاسی، اقتصادی شان با ایران نیست بلکه این سکوت از ترسی است که از بیداری جوامع و به خصوص زنان دارند، از تغییرات فکری که در آینده‌ای نه چندان دور و بعد از ایران گریبانگیر آنان نیز خواهد شد. در مقابل سکوت دولتها اما خلقها، زنان، دانشجویان، کارگران و جامعه مدنی این کشورها همبستگی بینظیری با زنان و مردم آزادیخواه این انقلاب نشان داده‌اند. از کوتاه کردن موهایشان تا راهپیماییهای بزرگ و هزاران نفری روزاوا و شامل سوریه، اعتراضات در شهرهای ترکیه تا خیابانهای کابل همه میدان پشتیبانی و همبستگی با انقلاب در ایران شد. این همبستگی تنها و صرفا در حمایت از زنان در ایران نبود بلکه خستگی و اتخاذ موضع جوامع بود علیه سیاستهایی که دهه‌ها و قرن هاست بر ملتهای خاورمیانه

اتخاذ می‌شود و چیزی جز مرگ، جنگ و بمباران، ویرانی و مهاجرت‌های اجباری با خود به ارمغان نیاورده است. همچنان این همبستگی را می‌توان در دایره تحولاتی دید که تمامی خاورمیانه با آن دست به گریبانند.

هیچ انقلابی بدون هزینه نبوده و نخواهد بود، در بحران کنونی ایران نیز که مردم با مشکلات عدیده روزمره سروکار دارند یقیناً شرایط کنونی زندگی را بر شهروندان سخت تر کرده است. صدها تن جان باخته‌اند، هزاران نفر زخمی بوده و هیچ خبری از بسیاری از دستگیر شدگان نیست. در نتیجه اعتصابات سراسری به خصوص در کوردستان سایه فقر و گرسنگی بیشتر بر سر مردم حاکم گشته و شرایط بحرانی و سختی را به وجود آورده است. اما با وجود تمامی سختیها و رنج‌هایی که متحمل می‌شوند مردم کوردستان، بلوچستان و سایر نقاط در ایران همچنان پابرجا و محکم مقاومت میکنند. انقلابی که با شعار ژن ژیان نژادی شروع شد با شعار « شهیدان نمی‌میرند » در مراسم خاکسپاری جانباخته‌ها الگویی شد تا بر علیه فرهنگ ترس و مرگ رژیم ایران الهام دهنده امید به زندگی شود. امروز دیگر با پا به میدان نهادن شعار « مقاومت زندگیست » مردم آب پاکی را روی دستهای خونین رژیم ریختند، این دو واژه معنای زندگی را از نفس کشیدن برده مانند به زندگی توام با مقاومت آمیختند. تصمیم به رسیدن به آزادی و یک زندگی آزاد اراده مردم را به تمامی دستگاههای سرکوب دولتمردان تهران نشان داد، همان اراده‌ای که زینب جلالیان بیشتر از پانزده سال است با هر نفس کشیدنی در میان دیوارهای سیاهچالهای رژیم کاشته است، همان اراده‌ای که زنان، جوانان و کارگران و به حاشیه رانندگان در ایران با شکست دادن دستگاه سرکوب چهل ساله رژیم به آنانی که خود را خداوند زمین می‌خوانند نشان دادند. مردم اثبات کردند که نیازی به چنین حکومتی ندارند، در مرحله اول به خودشان، بعد به همدیگر و به تمام دنیا که رژیم ولایت فقیه نماینده آنان نیست، انتخاب آنان نیست و برای رفتنش آماده دادن سنگین ترین هزینه‌ها هستند.

از سوی دیگر مسئله خلقها و باورهای متنوع در این مدت نیز تغییرات چشمگیری به خود دید. رژیم از زمان روی کار آمدنش با پیش بردن سیاست « تفرقه بینداز و حکومت کن » و با پیش بردن انواع شیوه‌های آسیمیلیسیون و با سیاست جنگ نرم سعی نموده تاریخ، فرهنگ، هویت و تمام دستاوردهای مادی و معنوی خلقها را از بین ببرد، آنان را از هم دور و نسبت به درد و رنجهای همدیگر بی تفاوت کند. در مرحله اول نیز به نسبت کوردستان و با فتوای جهاد علیه سرزمینی که از لحاظ سیاسی پویا و در برابرش قد علم کرده بود شروع کرد. کشتار کوردستان و گوشه‌گیر کردنش و موفقیتش در به کار

بردن بخشی از اپوزیسیون آن زمان که عمدتاً چپ بودند، متأسفانه کار رژیم را در پیش بردن اهدافش در بلوچستان، الاحواز، ترکمن صحرا، گیلان و مازندران و... آسانتر کرد. فضایی را به وجود آورد که خلقها را تا حدی بی اراده و چشم انتظار قدرتهای بیرونی و دولتهای هژمونگرا کرد تا به نجات آنان بیایند، انتظاری که از اول نیز بیهوده و تنها پایه‌های رژیم را محکمتر می کرد. اما آنچه این انقلاب انجام داد فرو ریختن تمام آن دیوارهای تفرقه، انتظار و بی ارادگی بود که خلقها دهها بود در ایران گرفتارش شده بودند. فریادهای همبستگی در شهرهای آذربایجان، بلوچستان، الاحواز، گیلان و کوردستان شکست مفتزحانه رژیم و رسیدن به خودباوری خلقها بود که همانا آزادی را تنها خودشان میتوانند با اتحاد و همبستگی درست کنند و بر انتظار دست موعودی که فرود آید و نجاتشان دهد خط بطلان کشیدند.

در شرایط حساس کنونی که محفلهای مرکز گرایان برانداز گرم و بازار تشکیل ائتلافات کلاسیک آغشته به سلبریتیهای اینترنتی فضای مجازی و دستگاههای تبلیغاتی سیستم مردسالار سرمایه داری را تنیده است، مردم بیش از هر برهه دیگر نیاز به خود سازماندهی خلقی و ایجاد جبهه متحد دموکراتیک در درون و بیرون از ایران هستند. مردم ایران دزدیدن انقلاب ۵۷ را در حافظه خود دارند و دهه‌هاست به خاطرش رنج می برند. هیچ کدام از مشکلاتی که به خاطرش بر علیه سیستم فاسد، اشغالگر و قاتل سلطنت قیام کردند نه تنها برطرف نشد بلکه شماری از مشکلات و مصیبتهای دیگر نیز به آن افزوده گشت. با توجه به تمامی بحرانهایی که ایران با آن طرف است از بحرانهای اقتصادی گرفته تا مدیریتی، اکولوژی، جنسی و جنسیتی با صرف رفتن سران جمهوری اسلامی و آمدن سیستمی دیگر با وعده‌های توخالی برخی از آزادی‌های فردی حل نخواهد شد. بلکه تنها در صورت پانهادن به مرحله خودسازماندهی در روستاها، محلات و شهرها در زمینه‌های مختلف است که می تواند تضمین کننده رسیدن به جامعه‌ای دموکراتیک باشد. جامعه‌ای که خود تصمیم گیرنده مستقیم بوده و با سازماندهی بر مبنای یک پارادایم اجتماعی غیر دولتی، با ایجاد مجلسها و شوراهای سازمانهای مستقل زنان و جوانان اراده زندگی خود را به دست گرفته و مانع پسرقت و تضمین کننده به واقعیت درآمدن رویاهایش شود. مرحله اثبات این حقیقت است که جامعه با سازماندهی خود و رفع نیازها و حل مشکلات اش از طریق پیش گرفتن مبناهای یک همزیستی مسالمت آمیز میان تنوعات و با آزادسازی ذهن از تفکرات جنسیت گرا به مانند سرچشمه هر نوع استبداد و استثمار هیچ نیازی به داشتن یک دولت_ملت فاشیست و استعمارگر ندارد.



رهیافت ملت دموکراتیک در ایران

همه‌نگام با انقلاب «ژن، ژیان، ئازادی» این پرسش‌ها نیز مطرح شدند که خواست خیزش‌گران (که با گسترش اعتراض‌ها و اعتصابات و خیزش‌ها تبدیل به انقلابیون شدند) چه بوده و جایگزین و آلترناتیو مدنظر آنان چیست؟ افراد و کنشگران و آکادمیسین‌های بسیاری به این موضوع پرداختند و با گسترش اعتراض‌ها اندک اندک خواست‌ها مطرح گشتند. انقلابیون خواستار تحولاتی بنیادین و ریشه‌ای در نظام و در صورت مقاومت نظام خواستار گذار از آن بودند و اکنون نیز هستند، بویژه زنان خیزشگر و انقلابی نیز که به کنشگران اصلی صحنه‌ی مبارزه تبدیل گشته و انرژی

تحول خواه‌شان آزاد شده بود، روز به روز خواسته‌های‌شان را روشن‌تر بر زبان آوردند. خود شعار «ژن، ژیان، نژادی» خواسته‌ای بود که مضمون آن طلب تغییری ریشه‌ای در رویکرد به زنان بود. چون رویکرد به زنان در «نظام اسلامی» چالشی بزرگ و ریشه‌ای به شمار می‌رفت، این شعار هراس‌هایی را سبب شد. از طرفی نظام و حامیان و طرفدارانش به مخالفت با آن پرداخته و از طرف دیگر مخالفان مردسالار نظام که «روی دیگر سکه‌ی جنسیت‌گرایی» بودند، سعی در تحریفش نمودند. این خود نشان از عمیق بودن خواسته‌ی مذکور بود. اما جایگزینش چه بود؟ کدام نظام و یا رژیم و یا حکومت‌مداری و یا مدیریت وجود داشت که آن خواسته را برآورده سازد؟ این سؤال با خود بحث در باب نظام آینده را نیز به همراه آورد. از طرفی دیگر و همگام با توسعه‌ی خیزش مباحث بر سر مسائلی همچون نوع حکومت آینده، جایگاه خلق‌ها (انثیسیته‌ها)، سیستم مدیریتی کشور و غیره مطرح گشتند. از طرفداران حکومت‌های دینی به قول خودشان دموکراتیک گرفته تا سلطنت‌طلبان و جمهوری خواهان و دموکراسی‌طلبان و افشار مختلف هر کدام به نوعی به اظهار نظر در مورد حکومت آینده پرداخته و در این میان مشخص شد که چه پراکندگی آرای بزرگی در میان مخالفان رژیم کنونی وجود دارد! باز این گفته به ذهن رسید که «ایرانیان می‌دانند که چه نمی‌خواهند، اما دقیقاً نمی‌دانند که چه می‌خواهند!» صدالبته این تنها معضلی مطرح برای ایرانیان نبوده و نیست. هر انقلابی که روی داده با مسئله‌ی آلترناتیو و جایگزین رو در رو مانده است. تاکنون کمتر انقلابی توانسته به صورت کامل به این پرسش جواب دهد. در هر انقلابی امکان پیروزی «گزینه‌ی دموکراسی» وجود دارد اما نیروها و قوای مختلفی بر سر قدرت به رقابت با یکدیگر پرداخته و در نهایت یکی‌شان پیروز میدان گشته و عموماً دست به حذف «دیگری‌ها» زده و اینگونه ورد زبان‌ها شده که «انقلاب فرزندان خود را می‌خورد!» چرا؟ زیرا وقتی پس از هر انقلابی قدرتی نوین شکل می‌گیرد، به اقتضای ماهیت قدرت و اقتدار در پی تحکیم موقعیت خویش برآمده و نتیجتاً کسانی که قدرت در دست‌شان را نیست یا مطیع خویش کرده (در درون خویش مضمحل کرده) و یا از میان برمی‌دارد. تاکنون جنبش و یا نیرویی قادر نگشته که از این دایره بیرون آمده و مدلی را ارائه نماید که منجر به «خوردن فرزندان خود از طرف انقلاب» نگردد! نلین در انقلاب کبیر روسیه با این معضل بسیار مشغول گشت و کتاب «دولت و انقلاب» او گویای این مسئله است. تقریباً تمامی اندیشمندان حوزه‌ی مبارزه‌ی اجتماعی-

سیاسی دغدغه‌ی یافتن راه‌حلی برای این مسئله را داشته و تاکنون در مدل‌هایی که ایجاد گشته، شاهد یافتن راه‌حلی برای آن نمی‌باشیم.

جذابیت نهاد «دولت» چنان بوده که هیچ جنبش انقلابی‌ای به فکر جایگزینی بغیر از آن نیفتاده است. راه‌حل‌های ارائه گشته همچون «شوراها» نیز با عدم توان عبور از مضمونی دولتی نتیجتاً «دولت‌مدار» گشته و به جزئی از همان «لویاتان» تبدیل گشتند. هیولایی که بعد از انقلاب پدید آمده و فرزندان انقلاب را خورده و به ناحق این فرزندخوری را به گردن انقلاب انداخته است. این بار کج «دولت‌مداری» هیچگاه به منزل دموکراسی و تساوی و آزادی نرسیده است! در هر انقلابی قشری و یا طیفی با استفاده از «فرصت انقلاب» و «خلأ قدرت»، و با سازماندهی خویش، قدرت را در دست گرفته و به هنگامه‌ی تحکیم پایه‌های قدرت خویش، به ورطه‌ی «تمامیت‌خواهی» افتاده است. وقتی در انقلاب فرانسه «ژاکوبن»‌ها به قدرت رسیدند، نه تنها بساط گیوتین را برنچیدند، بلکه هم‌زمان خویش را نیز به گیوتین سپردند. هنگامی که «بلشویک»‌ها به قدرت رسیدند، تمامی اطیافی که آن‌ها را «انحراف صورت دادگان از چپ‌گرایی» می‌نامیدند را از میان برداشتند و در نمونه‌ی ترورهای استالینی این را با سببیت نیز دنبال کردند. وقتی «اسلامیون» در انقلاب ۱۳۵۷ (۱۹۷۹ م.) قدرت را قبضه کردند، به شکار تمامی کسانی و اقشار و گروه‌ها و احزابی پرداختند که به زعم آن‌ها «کفار و منافقین» بودند! و در این تمامی این انقلاب‌ها قشری بود که همیشه سرکوب گشت و خواسته‌هایش به کناری گذاشته شد و به «آینده»‌ای که هرگز نیامد موکول شد: زنان! زنان در تمامی انقلاب‌ها از خواسته‌هایی که برایش انقلاب کرده بودند، محروم باقی گذاشته شدند. تو گویی «مسئله‌ی زن» چنان طلسمی بود که هیچ یکی از این انقلابیون جسارت و شجاعت رودررویی با آن را نشان نداده و بدینگونه این «ظلم مسکوت» را تا روزگارمان آوردند. گویند «سخت‌تر از توضیح واضحات چیزی وجود ندارد»، زیرا اگر مقوله‌ای واضح باشد و هنوز نیاز به توضیح آن حس می‌شود، نشانگر آن است که قدرتی و کسانی و صاحبان ذهنیتی خاص بر آن هستند که آن را درک نکنند! منتفعان از نظام مردسالار با واهمه‌ی از دست رفتن قدرت از دست‌شان هیچگاه تمایلی به درک ظلم رواداشته شده بر زنان نشان نداده‌اند. احمد شاملو می‌گوید: «دشوار است چیزی را به کسانی بفهمانی که برای نفهمیدنش پول می‌گیرند!» حال اگر این پول را به منفعت ترجمه کنیم، می‌توان گفت: «دشوار است ظلم روا داشته شده

را به کسانی بفهمانی که از نفهمیدنش سود می‌برند!». زن‌ستیزی و مردسالاری همان چیزی هستند که بسیاری از نفهمیدنش بیشتر سود می‌برند تا فهمیدنش! این درد و آسیب تمامی انقلاب‌هایی بوده که تاکنون روی داده است. اکنون با خیزشی بزرگ و با شعاری عمیقاً رادیکال یعنی «ژن، ژیان، ئازادی» تخت مردسالاری به لرزه درآمد. جن از شیشه بیرون آمد و دشوار است که بار دیگر به آن برگردد! لیکن مسئله تازه شروع شده است و حال این سوال مطرح است که با چه فرمولی باید خواسته‌های زنان را برآورده ساخت؟ کدام سیستم مدیریتی و یا حکمرانی می‌تواند این را برآورده سازد؟ اگر نظام‌هایی که تاکنون شاهد آن گشته‌ایم قادر به برآوردن این امر نگشته و خود به بخشی از «رژیم‌های زن‌ستیز» تبدیل شده باشند، پس چه حلاوتی در تکرار این تجربه‌ی نادرست و ناصحیح وجود دارد؟ برای سایر «مسائل» نیز همین سؤالات مصداق دارند. به هنگام روی دادن انقلاب سال ۱۳۵۷ مسائلی وجود داشتند که خلق ناچار از انقلاب گشت؛ مسائلی نظیر ظلم دولتی، ستم ملی بر تمامی خلق‌های ایران بغیر از فارس‌ها، فقر و عدم مساوات اقتصادی، فشارهای مذهبی و مسائلی از این دست. اکنون کدام نظام و رژیم و یا سیستم خواهد توانست این مسائل را برطرف نماید؟ همچنین این سؤال نیز مطرح است که آیا این مسائل مختص به کشور ایران بوده و یا در سایر نقاط جهان نیز مطرح هستند؟ اگر مطرح هستند، کدام کشورها و چگونه قادر به برطرف نمودن این مسائل گشتند و چه رهیافتی برای آن‌ها یافتند؟ چه درس‌هایی و چه تجربه و آزمون‌هایی می‌توان از انقلاب‌ها در سایر نقاط جهان کسب نمود؟ کوتاه سخن اینکه: چه باید کرد؟ و از کجا باید آغاز نمود؟

اول از همه، به هنگام نکوهش وضعیت کنونی ایران، نباید سودای بازگشت به نظام قبلی را در سر پروراند! نظام شاهنشاهی نظامی بود که یکی از ستم‌کارترین نظام‌های منطقه به شمار می‌رفت، قبای پلیسی برای نظام جهانی را در بر کرده بود و چنان وابسته به نظام جهانی بود که هنگامی که دست از پشتیبانی‌اش برداشتند قادر به هیچ مقاومتی نگشت. حتی شاه مکانی برای سکونت و مرگ را به دشواری پیدا کرد و این مصر آن زمان بود که به فریادش رسید تا در مصر و در گوشه‌ی عزلت جهان را ترک کند! نظام پادشاهی از هر منظری مورد نقد و انتقاد و بررسی قرار گرفته و جای آن نیست که مجدداً به آن پردازیم، اما قدر مسلم و به قاطعیت می‌توانیم بگوییم که حتی «رهیافت» نیز محسوب نمی‌گردد! تنها فقدان خرد و غیبت عقل می‌تواند کاری کند که به بازگشت به آن نظام بیندیشیم و مادامی که خرد و عقلی وجود دارد که انقلاب عظیم «ژن، ژیان، ئازادی» را رقم زده، پس مسئله‌ی طرح نظام

پادشاهی منتفی است. این مسئله در این سطح واضح و روشن است! بررسی نظام‌هایی که در جهان وجود دارند و مطلوب به نظر می‌رسند، می‌تواند ما را به رهیافت بهتری رهنمون شود. نظام‌های پارلمانی و انتخاباتی اکثراً نظام‌هایی دموکراتیک محسوب می‌گردند، به شرطی که حقیقتاً اصول «انتخابات» و «پارلمان» در آن رعایت گردند. همچنین نظام‌های اداری فدرال و کنفدرال نیز از منظر نوع رژیم برقراری در کشور از وجهی دیگر، پرسپکتیو و چشم‌انداز سرزمین و سیستمی مطلوب را برای‌مان ترسیم می‌نماید. در این میان جنبش آزادی‌خواه خلق کورد نیز اقدام به طرح «ملت دموکراتیک» به مثابه مضمون و روح یک نظام مردمی و «خودمدیریتی» به مثابه جسم و بدنی که روح مزبور در آن تجلی یابد، کرده است. جهت بررسی این نظام‌ها و جایگزینی که جنبش آزادی‌خواه خلق کورد ارائه می‌نماید، ابتدا نظری به مسائل مطرح در ایران پردازیم:

آ- سرآمدترین معضل ایران و شکی در آن نیست معضل جهان، مسئله‌ی زن است. قرار دادن این مسئله در صدر مسائل بجا خواهد بود. هرچند راه‌حلهایی جزئی برای مسائل زنان در برخی نقاط جهان طرح و گاه‌ها اجرا شده‌اند، اما مسئله بصورت ریشه‌ای مطرح نشده و ذهنیت مردسالار به بوته‌ی نقد عمیق گذاشته نشده و ابعاد آن بررسی نگشته و جایگزین آن ارائه نشده است. این معضل با چالش بین نظام پادشاهی با سنت‌های جامعه منجر به مسائلی گشته و با چالش رژیم کنونی ایران با واقعیات انسانی و امروزی نیز چالشی را پدید آورده که در نوع خود کم‌نظیر بوده و تنها نظام‌های مترجع و غیرانسانی‌ای همچون داعش و طالبان توانسته‌اند اندکی از آن فراتر روند! زنان در ایران فاقد فرصت‌های مشارکت جمعی لازمه بوده، ناچار از رعایت پوشش اجباری بوده، قوانین مردسالارانه تمامی زندگی آن‌ها را تحت فرمان مردان (اعم از پدر، برادر، شوهر و ...) درآورده، قوانین خانواده بصورت تمام‌عیار ضد آنان بوده، فضای حاکم بر جامعه که حاصل این حاکمیت است، زن‌ستیزانه بوده و در کل با ظلم و ستم و تبعیضی روبرو هستند که حتی بازگویی حقیقی آن نیز بسیار دشوار بوده و شاید مبارزان زن آگاه و اندیشمند در حوزه‌ی زنان قادر به بازگویی آن باشند و بس! با این اوصاف است که باید این چالش و معضل را در صدر معضلات ایران قرار داد.

ب- معضل ملت‌ها با هر عنوانی نظیر «خلق» و یا «اتنیسیته» و یا حتی «قوم» بیان شود، نیز از معضلات پایه‌ای موجود در ایران است. بدون شک اصطلاحات عنوان گشته برای تمامی گروه‌ها و از جمله



فارس‌ها مصداق دارد. هر گروهی با ریشه‌ی اتنیکی هرچه نامیده شود، فارس نیز همان است! محرومیت از حقوق ملی، حق آموزش به زبان مادری، حق آزادی دین و مذهب، حق مدیریت بومی در منطقه، حق استخدام افراد بومی و ... همه از جمله حقوقی است که خلق‌های ایران از آن محروم بوده و چالشی بزرگ و جدی محسوب گشته و ذهنیت و اراده‌ی لازم جهت حل آن بصورت باید و شاید بوجود نیامده است. این چالشی چندجانبه است که بایستی بسیار در باب آن نوشت. همچنین تداخل زیست‌بوم خلق‌های مختلف در ایران نیز بُعدی از معضل مذکور است که بایستی با دیدی فراخ، ذهنی دموکراتیک و خردی امروزمین بدان پرداخت و راه‌حلهایی را جهت آن پیدا کرد.

ج- معضل و چالش محیط‌زیست و اکولوژی در ایران چنان جدی است که باید اندیشید حتی ردیف‌بندی آن پس از سایر معضلات تا چه حد صحیح است؟! زیرا بدون محیط‌زیست نه خلق‌ها، نه زنان، نه مردان و نه هیچ جاننداری معنایی را نخواهد داشت که اکنون دارند. سیاست‌های نابخردانه‌ی جمهوری اسلامی و فقدان خرد اکولوژیک نزد سردمداران آن‌ها، وجود الیگارش‌های رانت‌خور بزرگ در جامعه و تمرکز بر روی سود بیشینه و غارت منابع و عدم وجود مکانیزمی جهت پیشگیری از این امر سبب شده تا معضلات بزرگی در ایران بوجود بیایند، از خشک‌سالی گرفته تا سدهای بی‌مورد و نالازم، از نشست و فرونشست زمین گرفته تا کانالیزه کردن ناصحیح آب رودخانه، از کشاورزی نامعاصر و ناهمخوان با زیست‌بوم ایران گرفته تا کاشت محصولات ناهمگون با شرایط کم‌آبی ایران، از آلودگی هوا گرفته تا فقدان قوانین ناظر بر صنایعی با سوخت‌های فسیلی، از تورم جمعیتی در شهرهای بیمارمانند گرفته تا عدم توازن در پراکندگی جمعیتی و مسائل تغذیه و بسیاری ابعاد دیگر، چنان مسائل بزرگی وجود دارند که تنها یک انقلاب اکولوژیک و یا وجود ذهنیتی اکولوژیک نزد انقلابیون چنین انقلابی، قادر به برطرف نمودن مسائل و معضلات مزبور خواهد بود.

د- معضلات معیشتی و کاری و در کل معضلات اقتصادی و مالی در ایران به سطحی رسیده‌اند که امان از جامعه و مردم بریده‌اند. از طرفی غارت ثروت‌های از طرف گروه‌های وابسته به نظام و خانواده‌ها و خویشاوندان و شرکای‌شان، از طرفی نابسامانی ناشی از عدم پیروی از اصول اقتصادی در مدیریت کشور، از طرف دیگر کانالیزه شدن ثروت‌های کشور در اموری همچون تداخلات منطقه‌ای و حمایت از

گروه‌ها و جناح‌های مورد حمایت ایران از افغانستان گرفته تا لبنان و حتی ونزوئلا و از طرف دیگر محاصرات اقتصادی ناشی از سیاست‌های رژیم در برابر نیروهای جهانی و جبهه‌بندی جمهوری اسلامی جملگی تنگناهایی را تشکیل داده‌اند که خلق را به سرحد انفجار آورده‌اند. این حوزه چنان درهم‌ریخته، پیچیده و اسرارانگیز شده که بدون انقلابی ریشه‌ای دشوار است بتوان به آن سر و سامان داد. یکی از محسوس‌ترین و ملموس‌ترین حوزه‌ی بسترساز انقلاب نیز حوزه‌ی اقتصاد و معیشت است که نتایج منفی و حتی مرگبار آن (در نمونه‌ی کولبرها و سوخت‌برها) را می‌توان بعنوان پدیده‌هایی نامید که در جهان کم‌نظیر می‌باشند. نظام و سیستم آینده ناچار است تا جوابگوی معضلات این حوزه نیز باشد.

ه- یکی از مهم‌ترین حوزه‌ها نیز حوزه‌ی دفاعی است. هم‌اکنون نیروی نظامی و قوه‌ی قهریه در دستان نظام جمع‌گشته و نظام با تجهیز به ابزار سرکوب و فشار به سوبژهی ناقص-قدرت به دستی تبدیل گشته که هرگونه اعتراض در برابر خویش را با آن جواب می‌دهد. از طرفی با ثروت مملکت و با بکارگیری نیروی مادی و انسانی کشور نیروهایی تحت نام دفاع و نظم سازمان داده شده و از طرف دیگر از این نیرو در برابر مردمی استفاده می‌شود که نیروی مذکور با ثروت و سامانی که به آن‌ها تعلق دارد سازماندهی و تجهیز داده شده است. هیچ توجیه منطقی جهت جمع شدن قدرت و بالاخص قدرت نظامی در دست دولت وجود ندارد جدای از آنکه دولت را نیرویی الهی و لاهوتی و فراجامعه تصور کنیم. این تصور غلط که صاحبان ذهنیت قدرت‌مدار و طرفداران نظام دولت-ملت معتقد بدان هستند و مطابق آن قوه‌ی قهریه باید تنها در دست دولت باشد، بنیادی‌ترین مسبب فاقد قدرت گشتن جامعه می‌باشد. جامعه بدون داشتن نیروی دفاع مشروع و نیروهای خوددفاعی قادر به ابراز مطالبات خود نخواهد بود. در نظام جایگزین آینده بایستی مطابق قوانینی مدون این امر مدنظر قرار داده شده، حوزه‌ی اختیارات قوای ارتشی تعیین گشته، قوای امنیت داخلی بصورت بومی و خودویژه و مختص به بوم‌زیست خویش درنظر گرفته شده و در مقابل جامعه نیز با ذهنیت و آموزش خوددفاعی هم جهت دفاع از خویش در برابر مواضع قدرت و هم حملات خارجی آگاهی‌بخشی و سازماندهی شود. این اصل یکی از اساسی‌ترین اصولی است که عدم وجود آن منجر به وضعیتی خواهد شد که جامعه در فرجام کار ناچار از روبرویی با نیرویی خواهد بود که از نظر حجم و ابزار هیچگونه تقارن و تناسبی با آن ندارد.

- مشارکت سیاسی و نظام و سیستم آن نیز معضلی است که باید بصورت آشکار در

مباحث تعیین نظام آینده‌ی کشور مورد بحث واقع شوند. وجود یک نظام مبتنی بر خودگردانی‌های بومی و سیستم پویای داد و ستد بین آن‌ها و بین آن‌ها و مرکز سبب خواهد شد تا معضلاتی جانبی همچون مرکز-پیرامون نیز حل شده و در توزیع قدرت، ثروت و اقتصاد و همچنین در همیاری و همبستگی توازن ایجاد شود. این سیستم به ضامن و گارانتی اساسی «یکپارچگی کشور» تبدیل خواهد شد.

ز- در کنار این معضلات بنیادین، معضلاتی همچون بهداشت، آموزش، فرهنگ و هنر و بسیاری از معضلات دیگر نیز از جمله معضلات مطرح در ایران هستند که هم‌اکنون کشور از وجود آن‌ها آسیب دیده و به سبب حل نشدن آن‌ها به وضعیت انفجار رسیده و در پی ایجاد تغییراتی بنیادین در آن است.

رهیافت خردمندانه برای معضلات مذکور؛

ملت دموکراتیک

در حالی به معضلات کلان فوق‌الذکر می‌پردازیم که نیروهای سیاسی و اجتماعی قادر به تعریفی همه‌جانبه از این معضلات نبوده و بر سر آن اختلافاتی نیز دارند. از جمله بر سر تعریف از ریشه‌ی اتنیکی و لزوم مداخل بودن آن در مباحث و طرح نظام آلترناتیو آینده. همچنین با وجود سر داده شدن شعار «ژن، ژیان، نژادی» و با وجود اینکه معضل آزادی زنان چنان محرز و برحق است که کمتر نیرو و شخصیتی قادر به مخالفت با آن است، در عمل و به هنگام اکت‌های سیاسی و پیشنهاد نظام مدیریتی تنها در سطحی مطرح می‌شود که بتوانند آن را نیز «سهیم» در حل مسئله نشان دهند و لاغیر. جلسات «تمام مردانه»ی احزاب، قاموس جنسیت‌گرایانه و نگاه‌های از بالا به زنان چنان بارز است که پس از ادای آن قادر به پنهان کردنش نیز نیستند. در موردی رئیس یک حزب کردی می‌گفت که ما زنان را در حزب مشارکت می‌دهیم، یعنی قائل به اراده‌مندی آنان نبوده و اگر مشارکت کنند نیز، این «مرد-رئیس» است که او را مشارکت داده است. این سخن این حزب به قول خود مارکسیستی سخن دولت ترکیه در تقابل با کمونیست‌ها را به یاد می‌آورد که: «کمونیسم هم لازم باشد، خودمان می‌آوریم!». همچنین مباحث مرکزگرایانه‌ی نیروهای توتالیتری که با وجود نداشتن هیچ نوع قدرتی از هم‌اکنون با مباحث آمرانه برخورد می‌کنند، نشان می‌دهد که دوری از روح زمانه و تکثرگرایی که دیگر در جهان محرز گشته است، به بلای جان نیروهایی تبدیل شده که بر آن هستند در آینده کشور را اداره کنند. کوتاه سخن اینکه ذهنیت جنسیت‌گرا-ملی‌گرا-دین‌گرایی که هر بُعدش در نزد نیرویی از نیروهای اپوزیسیون ایرانی مشهود است، نگرانی‌های

مهمی را ایجاد می‌نماید. در این میان لزوم ارائه‌ی پرنسیب‌ها و طرح و پروژه از طرف اқشار غایب از محاسبات قدرت‌محوران بیش از پیش اهمیت یافته و در این جاست که شرح و توصیف پروژه‌ی «ملت دموکراتیک» لازم می‌گردد.

«ملت دموکراتیک» اصطلاحی است در مقابل «ملت دولتی» که به مثابه مضمون و روح در عموماً «دولت» و عل‌الخصوص در «دولت-ملت» تجلی می‌یابد. در شرح تکوین قُرم اقوام به ملت، عموماً از تکوین دولتی سخن رانده می‌شود و گروه‌هایی را «ملت» می‌نامند که در چارچوب یک دولت مشخص و مرکزی قادر به ترسیم مرزهایی گشته و در درون آن بازاری را سازمان داده و با زبانی مشخص و فرهنگی مشخص تشکل یافته‌اند! این تفسیر دولت‌محور است که بسیاری آن را قبول دارند. اما در این تفسیر از «ملت»، جایی برای تکثرگرایی و مساوات و دموکراسی وجود نداشته و با وجود تشکیل دولت‌هایی تحت عناوین مختلف همچون سوسیالیستی، لیبرالیستی، دینی، قومی، مذهبی و غیره، توده‌ی مردم و عموم جامعه تنها به مثابه «فرودستان» در مقابل اقلیتی «فراست» وجود داشته‌اند. هیچ شکی در آن نیست که «دولت» یک سازماندهی است که قویا شکل داده شده و نهادینه گشته و اسطوره و روایت و شکل و روابط و قدرت و فرهنگ آن تعریف گشته و بر «جامعه» حکم می‌راند. پس مترادف دانستن «دولت» با «ملت» صحیح نبوده و تنها یک دماغ‌وژی است جهت تداوم حکمرانی خویش از طرف الیگارشی حاکم بر جامعه! مورد صحیح این است که «دولت» و «ملت» یا «خلق» را از یکدیگر تفکیک نماییم. یعنی دولت سازمانی و تشکلی حاکم و فراست و «خارج از جامعه» و تا به امروز مردسالار است و «ملت» نیز جامعه‌ای که خارج از قدرت باقی مانده‌اند. پس تکلیف این جامعه چیست؟ تقدیر آن است که تا ابد تحت فرمانروایی (بخوانید ستم) موضع قدرت باقی بماند. از میان این «خلق» و «دموس» و حتی «خانواده‌ی دولتیان» زنان چه تکلیفی دارند؟ اینکه تا ابد زیردست مرد-دولت باقی بمانند؟ چه وقت و چگونه و با چه مکانیزمی می‌توان به این وضعیت پایان بخشید؟ آیا صحیح است که بدون پرسیدن این پرسش‌ها به طرح نظامی برای کشور ایران پرداخت که فریاد «ژن، ژیان، ئازادی» از آن برخاسته است؟ در صورت شکل‌گیری یک دولت-مرد در ایران چگونه می‌توان ادعای صورت گرفتن انقلاب را نمود؟

البته که آلترناتیو و جایگزین این قُرم، شکلی از «مدیریت» است که جنسیت‌گرا نبوده، ملی‌گرا نبوده، دین‌گرا نبوده، تکثرپرور بوده، معتقد به آزادی زنان بوده، دموکراتیک بوده و معتقد به لزوم حفظ محیط‌زیست و قانون‌گذاری برای آن باشد.

این نوع از مدیریت تنها می‌تواند «غیردولتی» و یا «غیرمرکزگرا» بوده و در مناطق مختلف کشور بصورت خودویژه سازماندهی گردد. با توجه به معضلاتی که در بالا برشمرده شدند، این «مدیریت» بایستی خصوصیات را در متن خویش بپروراند:

الف- مشارکت زنان در آن سطح مساوی با مردان باشد. اصول مشارکت زنان بوضوح در قوانین بر زبان رانده شوند. نظامی همچون «ریاست مشترک» برقرار شده و یا «تقسیم مساوی مقامات مدیریتی برحسب جنس‌ها» منظور شده باشد. قوانین جنسیت‌گرایانه در آن وجود نداشته، حقوق زن و مرد در خانواده، اقتصاد، مدیریت، نیروهای نظامی و پلیس مساوی باشند. زنان در آن دارای نهادهای خودویژه در تمامی عرصه‌های آموزشی، حقوقی، قضایی، پلیسی، نظامی و غیره باشند. وضعیت حیاتی زنان و تفاوت جنسیتی آنان در قوانین منظور گشته و اصل «تبعیض مثبت» (با یک بازه‌ی زمانی معین، مثلاً پنجاه سال آینده) جهت آنان روا داشته شود.

ب- حقوق ملت‌ها در آن مشخصا و بصورت شفاف تثبیت شوند. زبان هر گروه اتنیکی آزاد بوده و هر گروهی به زبان خویش آموزش دیده. زبان تمامی ملت‌ها جزو زبان رسمی محسوب گشته و زبان نارسمی تنها زبانی باشد که از این به بعد وارد کشور شود! همچنین در درون هر گروه نیز زبان‌های زیرمجموعه دارای آزادی بوده و زیرمجموعه‌ی هر گروهی آزادانه قادر به تحصیل به زبان خویش باشند. در همین چارچوب تمامی اعتقادات و ادیان و مذاهبی که تاکنون در جامعه وجود دارند، آزاد بوده و قادر به اجرای فرهنگ و مناسک خویش باشند. هیچگونه تبعیضی برای هیچ اعتقادی بوجود نیامده و این امور از موضوع بحث خارج گردانده شوند. ج- نظام حیاتی، شهرنشینی، اقتصادی، کاری، فرهنگی و کلیه‌ی امور زندگی با توجه عمیق به معضل محیط‌زیست و در تطابق با طبیعت طرح و اجرا گردند. قوانینی حافظ محیط‌زیست تدوین گشته، امور صنعتی در تطابق با اصول لازم‌الاجرای محیط‌زیستی بوده، اکوسیستم و حفظ آن در دستور کار فرد، جامعه، آموزش، اقتصاد، بخش مالی و در اولویت همگان و تمامی امور باشد. به خودفریبی و دیگرفریبی و دماغوژی در این موضع پایان داده شده و همگان عمیقا متوجه باشند که تیشه به ریشه‌ی خویش نزنند.

د- حوزه‌ی اقتصادی از دست گروه‌های رانت‌خور، انحصارطلب، سودجو و غارت‌گر بیرون آورده شده و با توسعه‌ی اقتصاد کمونالی و مشارکتی و با توجه به دستاوردهایی که در حوزه‌های مختلف جهانی به دست آمده‌اند، مجددا سازماندهی شود. با تعریف صحیح اقتصاد و اینکه اقتصاد با مواردی نظیر بازی‌های پولی و

سفته‌خواری و بورس تفاوت داشته و این «گردش نامی‌مون نقدینگی» به بلایی بر سر جامعه تبدیل شده است، در توسعه‌ی اقتصاد بعنوان حوزه‌ی تأمین معیشت تلاش لازمه صورت گیرد. با استفاده از امکانات طبیعی مملکت و با طرح و توسعه‌ی حوزه‌های کشاورزی و صنعت و بازرگانی و توریسم و غیره ثروت کلان کشور بصورت عادلانه و از طریق سیستمی صحیح توزیع گردد. مبارزه با فقر به کار اصلی مدیریت آینده مملکت تبدیل گشته، تبعیض روا داشته نشده و حتی در حوزه‌هایی که ستم اقتصادی بر آنان روا داشته شده است (مثلا سیستان و بلوچستان و یا کوردستان و یا مناطقی دیگر)، بصورت زمان بندی شده «تبعیض مثبت» اعمال گردد. در این حوزه نیز بایستی نگرانی‌های اکولوژیک منظور گشته و فعالیت‌های ناقاعده‌مند از نظر زیست‌محیطی با توجه معیشتی صورت نگیرند. در کل بایستی هم حوزه‌ی اقتصاد با قوانین روشن و شفاف در خدمت جامعه قرار داده شده، هم با آموزش صحیح جامعه وارد فرایندی بهره‌ور گردانده شده و هم فرهنگ حیاتی صحیح و غیرمصرف‌گرا از نظر اقتصادی در پیش گرفته شود تا نه تنها آسیب‌های ناشی از حکمرانی‌های قبلی برطرف گردند، بلکه الگویی درخور برای جهانیان نیز ارائه گردند. انقلابی که قادر به ساختن مقوله‌ای پیشرفته‌تر از پیشرفته‌ترین مدل‌های موجود در جهان نباشد، نمی‌تواند انقلاب محسوب گردد.

ه- در این نظام پیشنهادی بایستی نیروهای دفاعی و امنیتی به شکلی قانونی شوند که تمامی قدرت نظامی و میلیتاری در دستان قدرت مرکز جمع نگردد. در حقیقت از این طریق مفهوم «مرکز» نیز دچار تحول گردانده شده و با پراکنده شدن قدرت نظامی و تحویل امور امنیتی هر منطقه‌ای به قدرت بومی آن منطقه، نظام مرکزی تعدیل گشته و جامعه قادر باشد امور امنیتی خویش را در دست بگیرد. این نظام هم‌اکنون در بسیاری از کشورهای جهانی به اجرا درآمده و نه تنها مشکل‌ساز نبوده، بلکه باری از روی دوش حکم مرکزی برداشته و حجم دولت را نیز کوچک‌تر کرده است. بروکراسی رفت و برگشت به مرکز را به حداقل رسانده و روابط نیروی امنیتی محلی با دستگاه قضایی محلی را سریع‌تر کرده و امتیازات بسیاری را موجب گشته است. در این نظام مدیریتی، «ارتش کشوری» نیز با مشارکت تمامی ملت‌ها و اقشار تشکیل شده، وظایف و اختیارات و حدود آن از طریق قانون تعیین گردیده و مانع از دخالتش در سیاست، اقتصاد و اجتماع می‌گردد. تشکیل و سازماندهی مجدد نیروی نظامی از اهم امور شکل‌دهی به نظام مدیریتی در سیستم «خودمدیریتی دموکراتیک» می‌باشد که بدن و جسم مفهوم و اصطلاح «ملت دموکراتیک» می‌باشد.

و- جهت مشارکت سیاسی حقیقی بایستی:

• مدیریت‌های محلی از یک روستا گرفته تا یک محله و شهر و کشور تشکیل شده، هرکدام بصورت کمیته و یا کمون و مجلس سازماندهی شده و نظام ارگانیک آن با یکدیگر تعیین گردد.

• کلیه‌ی امور آن از طریق انتخابات مستقیم و دموکراسی مستقیم و بلاواسطه تعیین شوند.

• تساوی جنسیتی در آن اصل اساسی بوده و فرهنگ مردسالارانه در آن نمودی نداشته باشد.

• تمامی تفاوت‌مندی‌ها در آن مورد توجه باشد. «تساوی با احتساب تفاوت‌ها» در آن شرط اساسی باشد.

• قوانین آن مشخص بوده، روابط آن با سایر اجزاء و با مرکز مدون بوده و از طریق یک قانون اساسی دموکراتیک و یا قرارداد اجتماعی تعریف شده باشند.

• اصول خویشاوندی، اتمیکی و دینی و منسوبیت‌های سیاسی در آن اصل اساسی نبوده و تنها جهت مشارکت مساوی و با یک زمان‌بندی مدنظر قرار داده شده و یا بصورت مدون تعیین گردند.

• اجزاء محلی و «فدره» (در صورت وجود فدراسیونی از این اجزا) همچون ضامن و گارانتی یکپارچگی کشور دیده شده و به چشم مساوی به آنان نگریسته شده و این امر در قانون اساسی منظور گردد.

• اموری نظیر آموزش، بهداشت، فرهنگ و غیره به خودگردانی‌ها و یا مدیریت‌های محلی سپرده شده و امور شهر و مناطق و روستاها از طرف آنان مدیریت شوند.

• تمامی این اصول در یک قانون اساسی دموکراتیک و یا قرارداد اجتماعی منظور گردند. این قرارداد اجتماعی به دور از ملی‌گرایی، جنسیت‌گرایی و دین‌گرایی تدوین گردیده و «انسان» در آن محور اساسی باشد. اصول تغییر و تطبیق آن با زمان و شیوه و روش آن تغییر و تطبیق نیز تعیین گردند. در هر دوره‌ای از مجلس انتخابی مجدداً و در تطابق با نیازهای جامعه مورد بررسی قرار گیرد.

در مورد شیوه‌ی اجرای این مدل نیز مسائلی هست که باید مورد بحث واقع گردند. از جمله اینکه چه دولت وجود داشته باشد و چه وجود نداشته باشد، جامعه می‌تواند با اجرای این مدل به یک خودمدیریتی مطلوب خویش دست یابد. در صورت وجود دولت با فرمول دولت + دموکراسی (خودمدیریتی) وارد

تعاملی بصورت رابطه-چالش با موضع قدرت شده و جامعه سعی می‌کند حیات خویش را خارج از حوزه‌ی قدرت تنظیم نماید و امکان این امر وجود دارد. در صورت عدم وجود دولت و یا ایجاد خلأ در قدرت نیز فرصت برقراری این نظام و رسیدن به امکاناتی بیشتر جهت اجرای اصول دموکراسی مستقیم به دست آمده که باید از آن دریغ نورزید. مدلی که هم‌اکنون در شمال و شرق سوریه به اجرا درآمده و مورد توجه جهانیان قرار گرفته است از گزینه‌ی مزبور پیروی نموده و وجود بحران و معضلات افزاینده در سایر مناطق سوریه و در مقابل آن وجود فضایی رو به پیشرفت و حیاتی متفاوت در شمال شرق سوریه اثبات‌گر این امر است که مدل مذکور قادر است به الگویی جهت تنظیم مجدد حیات و رسیدن به ایده‌آلی انسانی تبدیل گردد.

اگر این اصول «ملت دموکراتیک» در طرح‌ریزی یک نظام برای آینده کشور منظور گردند، آنگاه است که می‌توان گفت انقلاب به نتیجه رسیده است. زنان به حقوق خویش دست یافته، خلق‌ها قادر خواهند بود مطابق فرهنگ و حقوق خویش به حیات خویش ادامه داده، محیط‌زیست مورد حمایت قرار گرفته، تأمین معاش آسان‌تر گشته، مشارکت سیاسی تحت ضمانت درآمده، نیروی نظامی از حالت تهدید در مقابل جامعه بیرون آورده شده و به کارایی واقعی خویش دست یافته و جامعه در مسیر پیشرفت صحیح و انسانی بر ریل انسانی خویش قرار خواهد گرفت. بدون شک بدون توجه به تمامی این مسائل و راه‌حل‌های محتمل برای آن نمی‌توان ادعای «صورت گرفتن» انقلاب را نمود و قطعاً بازم «فرزندان انقلاب» از طرف «موضع قدرت» محتمل آینده که «انقلاب» را مصادره نموده‌اند، «خورده خواهند شد»!

«ملت دموکراتیک» و نمود اجرایی آن یعنی «خودمدیریتی دموکراتیک» درمان و علاج واقعی برای آسیب‌هایی است که حکمرانان قدرت‌محور بر کشور ایران تحمیل نموده‌اند. ملت دموکراتیک شکستن ساختار قدرت‌محور و دولتی و طرح و اجرای یک مدیریت مردمی است که ریشه‌های تاریخی آن وجود داشته و قبایل و گروه‌ها و طریقت‌ها سالیان درازی از طریق آن زیسته و هم‌اکنون نیز مدل‌های نزدیک


به آن در پیشرفته‌ترین جاهای جهان مسبب اصلی پیشرفت جامعه هستند. این مدل اگرچه برای اذهان مرکزگرا و تمامیت‌خواه غریب می‌نماید اما لازمه‌ی زندگی در عصر ماست. کشورهای پیشرفته‌ای همچون سوئد و آلمان از



نوعی مدل نزدیک به این پیروی می‌کنند. با این تفاوت که مدل آنان دولت‌محور می‌باشد. ایالات متحدهی آمریکا که بخش قابل توجهی از مرکزباوران در آن ساکن هستند نیز مدلی نزدیک به آن داشته و ایالت‌های مختلف آن با قوانین خودوپیژده و در چارچوب یک قانون اساسی مستحکم و با روابطی قوی همدیگر را تقویت می‌نمایند. همچنین تعدد زبانی و مذهبی نیز در ده‌ها کشور و صدها منطقه از جهان نشان از آن دارد که نه‌تنها نافی «یکپارچگی» نبوده، بلکه ضامن آن نیز می‌باشد. خودمدیریتی دموکراتیک با مفهوم نظری خویش یعنی ملت دموکراتیک «مدینه‌ی فاضله» ای نیست که وعده داده شود، مدلی است که با درک و خرد و اراده اجرا گشته و با فرهنگ‌سازی پیرامون «حیاتی آزاد» قادر به تداوم خواهد بود. اگر داعیه‌ی انقلاب به مثابه «تحویلی ریشه‌ای» را داشته باشیم، این مدل می‌تواند بیانگر آن باشد، اگر نه جایز نیست «دست به دست شدن قدرت» را به «انقلاب» تعبیر نماییم. خودمدیریتی دموکراتیک رهیافتی مطلوب جهت رسیدن تمامی اقشار و خلق‌ها-ملت‌ها به چارچوبی است که «حیاتی صحیح» را در آن دارا باشند. حیاتی که در آن مقوله‌ی «نیک، صحیح، زیبا و آزاد» فرصت رسیدن به یک تعالی انسانی را برای افراد جامعه و گروه‌ها به ارمغان بیاورد.

اسامی شهدای زاگرس



ردیف	نام	سن و محل تولد	تاریخ و نحوه شفاعت	عکس
۱	ژینا امینی	۲۲ ساله - سقز	در ۲۲ شهریور در اثر ضربات مأموران گشت ارشاد دچار شکستگی جمجمه و مرگ مغزی شد و در ۲۳ شهریور در تهران به شفاعت رسید	
۲	آیناز جواهری	۱۵ ساله - کرمانشاه	۱۶ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله	
۳	الفه سعیدی	سقز	۱۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله جنگی	
۴	پروین خوش قائم	اشنویه	۲۹ مهر بر اثر شلیک مستقیم	
۵	پرینا عسگری	۲۰ ساله - الیگودرز	مهر بر اثر شلیک گلوله جنگی در دانشگاه	
۶	دیانا محمودی	۷ ساله - پیرانشهر	۹ تیر بر اثر شلیک مستقیم گلوله جنگی	
۷	روشیا (هان) احمدی	۸ ساله - بوکان	بر اثر شلیک مستقیم گلوله	

	<p>۳۳ آذر زیر شکنجه در زندان</p>	<p>۳۰ ساله - شهادت کرمانشاه</p>	<p>زهرا جلیلیان</p>	<p>۸</p>
	<p>۴ آبان بر اثر ضربات متعدد باتوم</p>	<p>۱۶ ساله - سنه</p>	<p>سارینا سعیدی</p>	<p>۹</p>
	<p>۵ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله جنگی در مهاباد</p>	<p>۳۲ ساله - سرحدت</p>	<p>فرشته احمدی</p>	<p>۱۰</p>
	<p>۵ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۵۵ ساله - روستای دی ماسکن مهاباد</p>	<p>کبری شیخ سفا</p>	<p>۱۱</p>
	<p>۲۹ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۶۲ ساله - کرمانشاه</p>	<p>مینو مجددی</p>	<p>۱۲</p>
	<p>۳ آبان بر اثر ضربات متعدد باتوم در تهران</p>	<p>۳۵ ساله - مریوان</p>	<p>نسرین فاضلی</p>	<p>۱۳</p>
	<p>۹ آبان بر اثر اصابت گلوله ساچمه ای به پیشانی در ارومیه</p>	<p>۲۳ ساله - شاهین دژ</p>	<p>نسیم صدیقی</p>	<p>۱۴</p>

	<p>۲۸ تپان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۲ ساله - سنه</p>	<p>نگین راحفر</p>	<p>۱۵</p>
	<p>۲۰ مهر بر اثر ضربات متعدد باتوم به سرش در همدان</p>	<p>۲۱ ساله - قرره</p>	<p>نگین عبدالملکی</p>	<p>۱۶</p>
	<p>۲۹ شهریور در تهران مفقود و ۷ روز بعد در حالیکه صورتش متلاشی شده، بینی‌اش له شده و جمجمه‌اش بر اثر ضربات باتومشکسته بود در کهریزک تهران پیدا شد</p>	<p>۱۷ ساله - خرم آباد</p>	<p>نیگا شاکرمی</p>	<p>۱۷</p>
	<p>۲۶ تپان بر اثر شلیک مستقیم گلوله کلات کمری</p>	<p>سنه</p>	<p>آرام حبیبی</p>	<p>۱۸</p>
	<p>۲۰ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۸ ساله - دره دیز کرمشان</p>	<p>آرمین صیادی</p>	<p>۱۹</p>
	<p>۱۷ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جوانرود</p>	<p>۲۲ ساله - ثلاث باباجانی</p>	<p>آرین مریدی</p>	<p>۲۰</p>

	۲۷ تان بر اثر شليك مستقيم گاوله از پشت سر	مفيلاد	زاد حسين پوري	۲۱
	۲۶ تان	بانه	آسوه قادري	۲۲
	۹ آخر بر اثر شليك مستقيم گاوله	۲۰ ساله - بوکان	آيات قاديور	۲۳
	۱ آخر بر اثر شليك مستقيم گاوله	سامان	ابراهيم احمدپور ساماني	۲۴
	۱۳ آخر بر اثر شليك مستقيم گاوله	۲۹ ساله بوکان	ابراهيم شريفی	۲۵
	۲۸ تان بر اثر شليك مستقيم گاوله	حيواندره	ابراهيم صدى	۲۶
	۴ تان بر اثر پرتاب گاز اشك آور	۴۴ ساله سنه	ابراهيم ميرزایی	۲۷

	<p>۲۸ بر اثر شلیک مستقیم گلوله در کرج</p>	<p>۲۸ ساله - کنگاور</p>	<p>احسان قاسمی فر</p>	<p>۲۸</p>
	<p>امهر بر اثر شلیک مستقیم ۱۲ گلوله جنگی در شهر قفس</p>	<p>۱۶ ساله - ایلام</p>	<p>احسان علیزایی</p>	<p>۲۹</p>
	<p>۲۰ بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>برهجرد</p>	<p>احمد گوهرزی</p>	<p>۳۰</p>
	<p>۱۹ بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۴۸ ساله گیلان غرب</p>	<p>اردلان قاسمی</p>	<p>۳۱</p>
	<p>۲۹ ایران</p>	<p>۳۰ ساله - یوکان</p>	<p>اسعد رحیمی</p>	<p>۳۲</p>
	<p>۱۷ زیر شکنجه</p>	<p>سقز</p>	<p>اسماعیل جزوار</p>	<p>۳۳</p>
	<p>۳۰ بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>جوانرود</p>	<p>اسماعیل گل عنبر</p>	<p>۳۴</p>

	۴ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله	۳۵ ساله - مهاباد	اسماعیل مولودی	۳۵
	۲۶ آبان	بومکان	امجد عابادی	۳۶
	۴ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله	۲۸ ساله قصر شیرین	افشین آشام	۳۷
	۲۷ آبان	سنه	امید حسینی	۳۸
	۱۰ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله	۱۵ ساله - کرمانشان	امیر حسین بساطی	۳۹
	۴ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله	۲۶ ساله خرم آباد	امیر حسین رومیانی نظری	۴۰
	۳۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله	۱۶ ساله اسلام آبادغرب	امیرعلی فولادی	۴۱

	۲۷ تپان بر اثر شلیک مستقیم گلوله	پیرانشهر	امیر فراستی شاد	۴۲
	۳۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله به ناحیه سر	۱۶ ساله - اشنویه	امین معرفت (معروفی)	۴۳
	در دفتر کارش به شهادت رسید اما مرگ او از سوی نیروهای حکومتی خودکشی اعلام شد	لرستان	امین نظری	۴۴
	۳۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله	اسلام آباد غرب	ارمان محمدی	۴۵
	۲۸ شهریور - بر اثر شلیک مستقیم گلوله	سنه	ارمان بهزادچی	۴۶
	۱۰ دی بر اثر شلیک مستقیم گلوله	چوانرود	ارمان الیاسی	۴۷
	۱ آذر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در تهران	سامان	بهزاد احمدپور سامانی	۴۸

	<p>۲۵ آبان بر اثر اصابت ۳ گلوله جنگی بر سر و گردن توسط تک تیرانداز سپاه</p>	<p>کامیاران</p>	<p>پرهان کریمی</p>	<p>۴۹</p>
	<p>۲۹ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۶ ساله - جوانرود</p>	<p>بهالاحین ویسی</p>	<p>۵۰</p>
	<p>۲۵ آذر زیر شکنجه</p>	<p>۲۲ ساله - اشنویه</p>	<p>بهمن معروفی</p>	<p>۵۱</p>
	<p>۳۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله به قلیش</p>	<p>۱۸ ساله - لوریه</p>	<p>پویا شیدا</p>	<p>۵۲</p>
	<p>۱۶ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۹ ساله روستای نیر سنه</p>	<p>پیمان منبری</p>	<p>۵۳</p>
	<p>۳۰ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>جوانرود</p>	<p>تحسین میری</p>	<p>۵۴</p>
	<p>۳ آذر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>مربوان</p>	<p>جبار فرقی زاده</p>	<p>۵۵</p>

	<p>۹ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>کامیاران</p>	<p>جعفر قربانی</p>	<p>۵۶</p>
	<p>۲۹ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>پیرانشهر</p>	<p>جلال قربانی</p>	<p>۵۷</p>
	<p>۳۰ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>جوانرود</p>	<p>جمال اعظمی</p>	<p>۵۸</p>
	<p>۲۸ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>دیواندره</p>	<p>جمشید فتحی</p>	<p>۵۹</p>
	<p>۳۰ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>جوانرود</p>	<p>جوهر فتاحی میرکی</p>	<p>۶۰</p>
	<p>۲۸ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>دیواندره</p>	<p>حبیب الله فتحی</p>	<p>۶۱</p>
	<p>۳۰ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>جوانرود</p>	<p>حسام حسینی</p>	<p>۶۲</p>

	<p>آخر در خرم آباد به شهادت رسید اما مرگ او از سوی رسانه های حکومتی خودکشی اعلام شد</p>	<p>لرستان</p>	<p>حسین زربنجویی</p>	<p>۶۳</p>
	<p>۲۸ تپان بر اثر ضربات باتوم و سپس شلیک گلوله</p>	<p>۷۰ ساله - سنه</p>	<p>حسین عجبپناه</p>	<p>۶۴</p>
	<p>۷ مهر بر اثر شلیک ۷۰ تیر ساچمه‌ای به بطن و ۱۳ تیر به سرش</p>	<p>همدان</p>	<p>حمید صالحی پور</p>	<p>۶۵</p>
	<p>۱۵ تپان بر اثر ضرب و شتم و ضربات متعدد باتوم در تهران</p>	<p>سنه</p>	<p>حمید گای</p>	<p>۶۶</p>
	<p>۳۰ تپان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>پیرانشهر</p>	<p>حیدر محالی</p>	<p>۶۷</p>
	<p>۱۶ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>سنه</p>	<p>داریوش علیزاده</p>	<p>۶۸</p>
	<p>۳۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۵ ساله - اورمیه</p>	<p>دانش رهنما</p>	<p>۶۹</p>

	<p>۲۵ تپان بر اثر شلیک مستقیم گلوله به شکر</p>	<p>۱۷ ساله - سقز</p>	<p>دانیال پانندی</p>	<p>۷۰</p>
	<p>۲۹ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله جنگی</p>	<p>۳۲ ساله - بوکان</p>	<p>حیاکو مهرنویسی</p>	<p>۷۱</p>
	<p>۷ تپان بر اثر شلیک مستقیم گلوله در پناه</p>	<p>باشور کوردستان</p>	<p>رسول محمد آقا</p>	<p>۷۲</p>
	<p>۲۹ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در کرمانشاه</p>	<p>۳۱ ساله سرپل ذهاب</p>	<p>رامین کریمی</p>	<p>۷۳</p>
	<p>مهر به همراه خواهر و برادرش بروده شد و در زیر شکنجه به شهادت رسید</p>	<p>سنه</p>	<p>رامین فاتحی</p>	<p>۷۴</p>
	<p>۲ مهر بر اثر شلیک مستقیم ۳ گلوله جنگی از پشت در دانشگاه شریف</p>	<p>الیگودرز</p>	<p>رضا بنیادی</p>	<p>۷۵</p>
	<p>۷ آذر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۶ ساله موجش کامیاران</p>	<p>رضا کاظمی</p>	<p>۷۶</p>

	<p>۲۹ شهريور بر اثر شليك مستقيم گاوله</p>	<p>۳۳ ساله - کرمانشان</p>	<p>رضا شهپرتيا</p>	<p>۷۷</p>
	<p>۲۸ شهريور بر اثر شليك مستقيم گاوله</p>	<p>دهگلان</p>	<p>رضا لطفي</p>	<p>۷۸</p>
	<p>آخر بر اثر شليك مستقيم گاوله</p>	<p>مهاباد</p>	<p>ريزاز صالحی وند</p>	<p>۷۹</p>
	<p>۳۰ شهريور بر اثر شليك مستقيم گاوله در كرج</p>	<p>۳۴ ساله - سونفور</p>	<p>روزبه خادميان</p>	<p>۸۰</p>
	<p>۱۰ آخر بر اثر شليك مستقيم گاوله در تهران</p>	<p>قرهه</p>	<p>روح الله عليچيني</p>	<p>۸۱</p>
	<p>۵ آبان بر اثر شليك مستقيم گاوله</p>	<p>مهاباد</p>	<p>زانيا ابرويکری</p>	<p>۸۲</p>
	<p>۲۴ آبان بر اثر شليك مستقيم گاوله</p>	<p>۲۶ ساله - سنه</p>	<p>زانيا الله وردی</p>	<p>۸۳</p>

	۲۹ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله	۱۶ ساله - پیرانشهر	زکریا خیال	۸۴
	۲۹ تیر بر اثر شلیک مستقیم گلوله	جوانرود	سروش سیدی	۸۵
	۲۵ تیر بر اثر شلیک مستقیم گلوله به سر	بوکان	سالار مجاور	۸۶
	۲۴ تیر بر اثر شلیک مستقیم گلوله	بوکان	سلمان قادر بیگی	۸۷
	۷ تیر زیر شکنجه	۳۷ ساله - اشنویه	سلمان قاجریور	۸۸
	۲۱ تیر در حین شعارزبوسی دستگیر و بر اثر ضربات متعدد باتوم به شهادت میرسد	۲۸ ساله - تکاب	سلمان رحمانی	۸۹
	۲۹ تیر بر اثر شلیک مستقیم گلوله	مریوان	ستار رحیمی	۹۰

	<p>۲ آخر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۳۵ ساله بوکان</p>	<p>سعیدی شاهرخی فر</p>	<p>۹۱</p>
	<p>۱۵ آخر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>صحنه</p>	<p>سپهر اعظمی</p>	<p>۹۲</p>
	<p>۱۸ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله جنگی</p>	<p>۱۷ ساله خرم آباد</p>	<p>سپهر بیرانوند</p>	<p>۹۳</p>
	<p>۲۶ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>بوکان</p>	<p>سعید پیرمغانی</p>	<p>۹۴</p>
	<p>۳۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۳۱ ساله اسلام آباد غرب</p>	<p>سعید محمدی</p>	<p>۹۵</p>
	<p>۲۹ آبان بر اثر شلیک گلوله ساچمه ای به ناحیه کمرن و گلو</p>	<p>بوکان</p>	<p>سلیمان شکر</p>	<p>۹۶</p>
	<p>۲۰ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۲ ساله حره حریز کرمانشاه</p>	<p>سینا تاحی</p>	<p>۹۷</p>

	<p>۱۷ آذر زیر شلیک</p>	<p>دهگلان</p>	<p>شاهمان احمدی</p>	<p>۹۸</p>
	<p>۲۶ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>سنه</p>	<p>شاهو بهمنی</p>	<p>۹۹</p>
	<p>۵ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>مهاباد</p>	<p>شاهو خضری</p>	<p>۱۰۰</p>
	<p>۶ آذر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۳۳ ساله - مهاباد</p>	<p>شورش نیک نام</p>	<p>۱۰۱</p>
	<p>۲ آذر زیر شلیک</p>	<p>۲۷ ساله - سرحدت</p>	<p>شهربار عادلای</p>	<p>۱۰۲</p>
	<p>۲۷ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>بوکان</p>	<p>شهربار محمدی</p>	<p>۱۰۳</p>
	<p>۳ آذر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۳۲ ساله - مهاباد</p>	<p>شمال خضری پور</p>	<p>۱۰۴</p>

	<p>۲۷ تپان بر اتر شليك مستقيم گاوله</p>	<p>بمکان</p>	<p>شيركو سلطانی</p>	<p>۱۰۵</p>
	<p>۳۰ شهرير بر اتر شليك مستقيم گاوله</p>	<p>۲۷ ساله - اشنويه</p>	<p>صالحين ليتانی</p>	<p>۱۰۶</p>
	<p>۶ مهر بر اتر شليك مستقيم گاوله</p>	<p>۵۲ ساله - پيرانشهر</p>	<p>صمد برگی نیا</p>	<p>۱۰۷</p>
	<p>۲۹ تپان بر اتر شليك مستقيم گاوله</p>	<p>پيرانشهر</p>	<p>طاهر عزيز</p>	<p>۱۰۸</p>
	<p>۲۷ تپان بر اتر شليك مستقيم گاوله</p>	<p>۶۶ ساله - سقز</p>	<p>عبدالرحمان بختياری</p>	<p>۱۰۹</p>
	<p>۴ مهر بر اتر شليك مستقيم گاوله</p>	<p>۳۲ ساله - اشنويه</p>	<p>عبدالسلام گولوانی</p>	<p>۱۱۰</p>
	<p>۳۰ شهرير بر اتر شليك مستقيم گاوله</p>	<p>۲۱ ساله - اورميه</p>	<p>عبدالله محمودپور</p>	<p>۱۱۱</p>

	<p>۳۹ تپان بر اثر شليك مستقيم گاوله جلو درب منزلش به شهادت رسيد</p>	<p>جوانرود</p>	<p>عرفان كاكايي</p>	<p>۱۱۲</p>
	<p>۲۰ مهر بر اثر شليك مستقيم گاوله</p>	<p>نيسر سنه</p>	<p>عزيز مرادي</p>	<p>۱۱۳</p>
	<p>۳۰ شهريور بر اثر شليك مستقيم گاوله</p>	<p>۱۷ ساله - فوجان</p>	<p>علي مظفري</p>	<p>۱۱۴</p>
	<p>۲۳ مهر بر اثر شليك مستقيم گاوله در آتش سوزي زندان اوين</p>	<p>اليگودرز</p>	<p>علي بساكي</p>	<p>۱۱۵</p>
	<p>۳۰ شهريور بر اثر شليك مستقيم گاوله در قزوین</p>	<p>۲۲ ساله سنقر گيلپي</p>	<p>عليرضا فتحي</p>	<p>۱۱۶</p>
	<p>۱۸ تپان بر اثر ضربات متعدد باتوم</p>	<p>۲۰ ساله اسلام آباد غرب</p>	<p>عليرضا كريمي</p>	<p>۱۱۷</p>
	<p>۲۴ تپان بر اثر شليك مستقيم گاوله</p>	<p>۳۹ ساله - سنه</p>	<p>عيسي بيگ لري</p>	<p>۱۱۸</p>

	۳۶ تان بر اثر شليك مستقيم گاوله	بوكان	غفور مولودى	۱۱۹
	۱۸ تان بر اثر شليك مستقيم گاوله	۳۵ سالاك - مهلباد	فايق مام قادى	۱۲۰
	۳۰ شهريور بر اثر شليك مستقيم گاوله	۳۳ سالاك - ارميه	فرجاد درويشى	۱۲۱
	۱۹ مهر بر اثر شليك مستقيم گاوله	سقز	فرزين فرخى	۱۲۲
	۹ آذر بر اثر شليك مستقيم گاوله در تهران	۲۲ سالاك - مهلباد	فرزين معروفى	۱۲۳
	۳۰ شهريور بر اثر شليك مستقيم گاوله	سنه	فرحين بختيارى	۱۲۴
	۲۸ شهريور بر اثر شليك مستقيم گاوله	۲۸ سالاك - سقز	فريدون محمودى	۱۲۵

	<p>۵ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۸ ساله - سقز</p>	<p>فریدون فرجی</p>	<p>۱۳۶</p>
	<p>۲۸ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>دیواندره</p>	<p>فواد سواری جهان</p>	<p>۱۳۷</p>
	<p>۳۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۴۰ ساله - دیواندره</p>	<p>فواد قحیمی</p>	<p>۱۳۸</p>
	<p>۲۸ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>سقز</p>	<p>فواد محمدی</p>	<p>۱۳۹</p>
	<p>۲۹ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۶ ساله - پیرانشهر</p>	<p>کاروان قادرشکری</p>	<p>۱۳۰</p>
	<p>۲۷ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>مهاباد</p>	<p>کمال احمدیور</p>	<p>۱۳۱</p>
	<p>۲۷ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>بوکان</p>	<p>کمال فقهی</p>	<p>۱۳۲</p>

	<p>۸ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۶ ساله - بیرانشهر</p>	<p>کوهار درافتاده</p>	<p>۱۳۳</p>
	<p>۳۰ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>اسلام آباد</p>	<p>کوروش پاچ</p>	<p>۱۳۴</p>
	<p>۴ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۸ ساله - سنه</p>	<p>کیوان درویشی</p>	<p>۱۳۵</p>
	<p>۴ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>شریف آباد سنه</p>	<p>کیوان شریفی</p>	<p>۱۳۶</p>
	<p>۲۹ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>جوانرود</p>	<p>لقمان کاکایی</p>	<p>۱۳۷</p>
	<p>۳۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>اومیه</p>	<p>متین عبدالله پور</p>	<p>۱۳۸</p>
	<p>درجلی که به عنوان سرباز به خدمت اجباری رفته بود به دلیل امتناع از سرکوب مردم به طرز مشکوکی به شهادت رسید و در ۲۳ آبان به خاک سپرده شد.</p>	<p>۱۹ ساله - سنه</p>	<p>متین نصری</p>	<p>۱۳۹</p>

	<p>۱۱ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>شاهین دژ</p>	<p>مرتضی شیرمحمدی</p>	<p>۱۴۰</p>
	<p>۳۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۳۲ ساه - ایلام</p>	<p>محسن فیضی</p>	<p>۱۴۱</p>
	<p>۲۸ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۳۵ ساه - دیواندره</p>	<p>محسن محمدی</p>	<p>۱۴۲</p>
	<p>۲۹ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۴۵ ساه - دهگلان</p>	<p>محسن نیازی</p>	<p>۱۴۳</p>
	<p>۲۷ آبان</p>	<p>مشهد</p>	<p>محمد احمدی گاکش</p>	<p>۱۴۴</p>
	<p>۱۶ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>اسلام آباد غرب</p>	<p>محمد امینی</p>	<p>۱۴۵</p>
	<p>۱۲ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>سنقر کاپایی</p>	<p>محمد امین حشمتیان</p>	<p>۱۴۶</p>

	<p>۲۵ آبان در حین نجات یک دختر با ضربات متعدد چاقو توسط نیروهای سرکوبگر به شهادت رسید</p>	<p>۲۸ ساله - بوکان</p>	<p>محمدحسن زاده</p>	<p>۱۴۷</p>
	<p>۲۷ آذر زیر شکنجه</p>	<p>۵۷ ساله - بوکان</p>	<p>محمد حاجی رسول پور</p>	<p>۱۴۸</p>
	<p>۳۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>سنقر کاپلی</p>	<p>محمد زارعی</p>	<p>۱۴۹</p>
	<p>۴ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۱ ساله - سنه</p>	<p>محمد شریعی</p>	<p>۱۵۰</p>
	<p>۶ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>پروچرد</p>	<p>محمد طارمی بیرانوند</p>	<p>۱۵۱</p>
	<p>۲۱ مهر زیر شکنجه</p>	<p>۳۶ ساله - ایلام</p>	<p>محمد عبداللهی</p>	<p>۱۵۲</p>

	<p>۴ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>سنه</p>	<p>محمد لطف الهی</p>	<p>۱۵۳</p>
	<p>۱۱ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله ساجمه ای</p>	<p>۱۸ ساله - سنه</p>	<p>محمد مومن زندکرمی</p>	<p>۱۵۴</p>
	<p>۳۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>سردشت</p>	<p>محمد مام صالح</p>	<p>۱۵۵</p>
	<p>۱۵ دی در اعتراض به سرکوب گسترده خبرش مردمی و با هدف جلب توجه جهانی به رفتار خشونت بار رژیم ایران با معترضان خود را در رود رن فرانسه غرق کرد</p>	<p>۳۸ ساله - کرمانشاه</p>	<p>محمد مرادی</p>	<p>۱۵۶</p>
	<p>۱۷ دی "اعدام"</p>	<p>۲۲ ساله - بيجار</p>	<p>محمد مهدی کرمی</p>	<p>۱۵۷</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۹ ساله - مریوان</p>	<p>مختار احمدی</p>	<p>۱۵۸</p>

	<p>۶ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>مهاباد</p>	<p>مسعود احمدزاده</p>	<p>۱۵۹</p>
	<p>۳۰ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>جوانرود</p>	<p>مسعود تیموری</p>	<p>۱۶۰</p>
	<p>۲۶ آبان بر اثر شلیک گلوله جنگی و ساجمه ای</p>	<p>بوکان</p>	<p>مصطفی شعبانی</p>	<p>۱۶۱</p>
	<p>۵ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>بانه</p>	<p>مطلب سعیدپور</p>	<p>۱۶۲</p>
	<p>۹ آبان زیر شکنجه</p>	<p>لرستان</p>	<p>میلاد جاویدپور</p>	<p>۱۶۳</p>
	<p>۲۷ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۳۳ ساله - بوکان</p>	<p>میلاد معروفی</p>	<p>۱۶۴</p>

	<p>۳۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۱ ساله - اشنویه</p>	<p>میلان حقیقی</p>	<p>۱۶۵</p>
	<p>۳۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۲ ساله - قوچان</p>	<p>مهدی ببرنژاد</p>	<p>۱۶۶</p>
	<p>۲۷ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>مهاباد</p>	<p>مهران رحمانی</p>	<p>۱۶۷</p>
	<p>۳ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۶ ساله - سلماس</p>	<p>نیما شفق دوست</p>	<p>۱۶۸</p>
	<p>۲۶ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۰ ساله - بوکان</p>	<p>هزار امام خسروی</p>	<p>۱۶۹</p>
	<p>۲ آذر زیر شکنجه</p>	<p>۲۶ ساله - بوکان</p>	<p>هیمن امان</p>	<p>۱۷۰</p>

	<p>۲۶ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>بوکان</p>	<p>هیوا جانان</p>	<p>۱۷۱</p>
	<p>۳۱ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>ایلام</p>	<p>یاسر جعفری</p>	<p>۱۷۲</p>
	<p>۱۶ مهر در حالی که در خودرو خود در حال رانندگی بود بر اثر شلیک مستقیم گلوله به شهادت رسید</p>	<p>۳۱ ساله - سنه</p>	<p>یحیی رحیمی</p>	<p>۱۷۳</p>

اسامی شهدای شهرهای مرکزی



ردیف	نام	سن و محل تولد	تاریخ و نحوه شهادت	عکس
۱	آرنیکا قائم مقامی	۱۷ ساله - تهران	۲۰ مهر بر اثر ضربات متعدد باتوم	
۲	آیدان رستمی	تهران	۲۱ آذر زیر شکنجه به شهادت رسید. (جسد او در حالی تحویل گرفته شد که نصف صورت لبر شده، دستش شکسته و چشمش تخلیه شده بود).	
۳	آریانا سیف	۲۲ ساله - تهران	۱۰ آذر	
۴	بهار خورشیدی	۲۲ ساله - رباط کریم	۳۱ شهریور حین نصب تراکت تعقیب شد و او را از پنجره به پایین پرتاب کردند که موجب شهادت او شد.	
۵	پگاه غواصیه	شیراز	۱۴ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله	
۶	پرستو مرادخانی	۲۰ ساله - کرج	۱۳ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله	

	<p>۳۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله، بی قلب و شکر و گردنش</p>	<p>۲۲ ساله - کرج</p>	<p>حدیث نجفی</p>	<p>۷</p>
	<p>۱۲ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۷ ساله - کرج</p>	<p>دریا نظر ده</p>	<p>۸</p>
	<p>۳۰ شهریور بر اثر ضربات متعدد باتوم</p>	<p>۱۶ ساله - مهرشهر</p>	<p>سارینا اساعیل زاده</p>	<p>۹</p>
	<p>۳۱ شهریور بر اثر ضربات متعدد باتوم</p>	<p>۱۷ ساله - تهران</p>	<p>ستاره تاجیک</p>	<p>۱۰</p>
	<p>۲۵ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۳۶ ساله - شیراز</p>	<p>سمانه نیکنام</p>	<p>۱۱</p>
	<p>۲ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>تهران</p>	<p>سمیرا نوری</p>	<p>۱۲</p>

	۲۲ آذر در زیر شکنجه	۲۵ ساله - کرمان	سمیرا ابراهیمی	۱۳
	۱۶ مهر بر اثر اصابت ۶ گلوله گلوله چنگی	۲۶ ساله - کرمان	سمیرا محمودی نژاد	۱۴
	۳۱ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله در مازندران	۳۶ ساله - اصفهان	شیرین علیزاده خوانساری	۱۵
	۲ آبان بر اثر ضربات باتوم بهر سرش	۱۷ ساله - تهران	صدف موحدی	۱۶
	۱۸ مهر بر اثر ضربات متعدد باتوم	۲۲ ساله - شیراز	غزاله امیری	۱۷
	۶ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله	تهران	غزاله قاسمی	۱۸

	<p>۱۶ آذر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۳۳ ساله- تهران</p>	<p>فرانک جباری</p>	<p>۱۹</p>
	<p>۲۰ مهر بر اثر ضربات متعدد باتوم</p>	<p>قزوین</p>	<p>فرزانه کاظمی</p>	<p>۲۰</p>
	<p>بر اثر ضربات متعدد باتوم</p>	<p>۱۶ سالم - شیراز</p>	<p>مانده (ماهک) هاشمی</p>	<p>۲۱</p>
	<p>بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۱ سالم - تهران</p>	<p>لینا نامور</p>	<p>۲۲</p>
	<p>۱۴ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۲ سالم - شیراز</p>	<p>ماریا غواصییر</p>	<p>۲۳</p>
	<p>۲۴ آذر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۳۹ سالم - تهران</p>	<p>مریم اسماعیل زاده</p>	<p>۲۴</p>

	<p>دی ماه بر اثر پرتاب از ساختمان به شهادت رسید</p>	<p>تهران</p>	<p>مریم سلیمانیان</p>	<p>۲۵</p>
	<p>۳۱ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۸ ساله - فولادشهر</p>	<p>مهسا موگویی</p>	<p>۲۶</p>
	<p>۱۶ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۳ ساله - فردیس</p>	<p>نادیا عارفانی</p>	<p>۲۷</p>
	<p>۹ آبان زیر شکنجه</p>	<p>یاسوج</p>	<p>ناهید مصطفی پور</p>	<p>۲۸</p>
	<p>۵ آذر زیر شکنجه</p>	<p>زنجان</p>	<p>ندا بیات</p>	<p>۲۹</p>
	<p>۱۶ مهر بر اثر ضربات باتوم</p>	<p>۲۶ ساله - تهران</p>	<p>نگین صالحی</p>	<p>۳۰</p>






	<p>آبان زیر شکنجه (او وکیل بود که به پرونده انقلابیون رسیدگی میکرد)</p>	<p>مشهد</p>	<p>نرگس خرمی فرد</p>	<p>۳۱</p>
	<p>۲۷ آبان</p>	<p>۲۴ ساله - یزد</p>	<p>هانیه مرادی نژاد</p>	<p>۳۲</p>
	<p>آبان ماد بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>کرج</p>	<p>ساناز کشاورز</p>	<p>۳۳</p>
	<p>۱۰ دی بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۰ ساله - تهران</p>	<p>کیمیا مقدس</p>	<p>۳۴</p>
	<p>۳۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله به سر</p>	<p>۲۷ ساله - مشهد</p>	<p>آرش پهلوان</p>	<p>۳۵</p>
	<p>۲۹ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله در شیراز</p>	<p>رودبار کرمان</p>	<p>آرش شیخ علیزاده</p>	<p>۳۶</p>

	۲۰ آبان	مرودشت	آرمان عمادی	۳۷
	مهر ماه بر اثر شلیک مستقیم گلوله در تهران	سالر - اسدآباد همدان	احمدرضا قلیجی	۳۸
	۹ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله	۲۹ سالر - هاشم آباد تهران	احسان خان محمدی	۳۹
	۱۹ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله ساچمه ای	۲۹ سالر	اسماعیل شنبیدی	۴۰
	۲ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله	تهران	اشکان نوری	۴۱
	۱ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله	تهران	امید قمصری	۴۲

	<p>مهر ماه بر اثر ضربات متعدد باتوم به کما رفت و پس از ده روز به شهادت رسید</p>	<p>نارمک تهران</p>	<p>امید مهدوی</p>	<p>۴۲</p>
	<p>۱۶ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله به سینه و قلب</p>	<p>۳۴ ساله - کردآباد اصفهان</p>	<p>احمد شکرالهی</p>	<p>۴۴</p>
	<p>۲۴ آبان او در حالی که به معترضی دیگر کمک میکرد با شلیک گلوله به پیشانی و کمر او به شهادت رسید.</p>	<p>۲۰ ساله - شیراز</p>	<p>امید مؤیدی زارع</p>	<p>۴۵</p>
	<p>۲۸ آبان در حال شعارنویسی توسط بسیجی های لباس شخصی بازداشت و آنقدر با شوکر و باتون به او ضربه میزدند که در زیر شکنجه ها به شهادت میرسد.</p>	<p>۳۶ ساله - مشهد</p>	<p>امیرجواد اسعدزاده</p>	<p>۴۶</p>
	<p>۶ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۷ ساله - تهران</p>	<p>امیر مهدی فرخی پور</p>	<p>۴۷</p>
	<p>۱۱ آذر زیر شکنجه</p>	<p>۱۶ ساله - فیروز آباد</p>	<p>امیر محمد (ایلید) رحمانی پور</p>	<p>۴۸</p>

	<p>۱۵ آبان وقتی که لباس وی آغشته به بنزین بود، ماموران به او شوکر زدند که منجر به آتش گرفتن وی شد، در ادامه اجازه هیچ کمکی به او داده نشده این گونه به شهادت رسید.</p>	<p>۲۳ ساله - قوچان</p>	<p>امیرمهدی حسینی</p>	<p>۴۹</p>
	<p>۳۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله جنگی</p>	<p>۱۷ اسفند - تهران</p>	<p>امیرمهدی ملک محمدی</p>	<p>۵۰</p>
	<p>۱۳ آذر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>مشهد</p>	<p>امیر نظافت</p>	<p>۵۱</p>
	<p>۷ دی بر اثر ضربات متعدد باتوم به سرش</p>	<p>۲۰ ساله - مشهد</p>	<p>امیر مصدق</p>	<p>۵۲</p>
	<p>۱۶ مهر مقابل دانشگاه فردوسی مشهد بر اثر شلیک ۲۴ تیر ساجمهای از سوی ماموران سرکوبگر به شهادت رسید.</p>	<p>۱۶ ساله</p>	<p>ابوالفضل آدینه زاده</p>	<p>۵۳</p>
	<p>۲ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>تهران</p>	<p>افشین شهامت</p>	<p>۵۴</p>

	<p>۴ آذر زیر شکنجه</p>	<p>تربیت جام</p>	<p>اویس مسعودی زاده</p>	<p>۵۵</p>
	<p>۲۵ آبان در حالی که برای کمک به یک زن که مورد ضرب و شتم قرار گرفته بود رفت بر اثر شلیک ماموران سرکوبگر به قلبش به شهادت رسید.</p>	<p>تهران</p>	<p>اصغر هزیر لطف</p>	<p>۵۶</p>
	<p>۲۵ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>تهران</p>	<p>اصغر آقایی</p>	<p>۵۷</p>
	<p>۲۶ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله به سرش در قشم</p>	<p>۲۰ ساله - افغانستان</p>	<p>حامد صدیقی</p>	<p>۵۸</p>
	<p>۱۲ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>تهران</p>	<p>رضا ساعد</p>	<p>۵۹</p>
	<p>۲۶ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>اصفهان</p>	<p>جواد موسوی</p>	<p>۶۰</p>

	<p>۲۷ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>تهران</p>	<p>حمیدرضا روحی</p>	<p>۶۱</p>
	<p>۴ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>کرج</p>	<p>حمیدرضا مالمیر</p>	<p>۶۲</p>
	<p>اول آذر زیر شکنجه</p>	<p>کرج - ۲۲ ساله</p>	<p>حمید رضا نخبی زعیب</p>	<p>۶۳</p>
	<p>۲۲ مهر در تهران بر اثر آتش سوزی در زندان اوین به شهادت رسید.</p>	<p>تهران</p>	<p>حمیدسعید مظفری</p>	<p>۶۴</p>
	<p>۲۸ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>شیراز</p>	<p>حسین شیرازی پور</p>	<p>۶۵</p>
	<p>۲۳ مهر در جریان آتشسوزی در زندادان اوین به شهادت رسید.</p>		<p>حسین اکبرزاده</p>	<p>۶۶</p>

	<p>۱ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله به قلب و کلیه</p>	<p>قرچک ورامین</p>	<p>حسین مروتی</p>	<p>۶۷</p>
	<p>۲۴ مهر ازبازداشت شدگان اعتراضات تهران که در درگیری و آتش سوزی زندان اوین به شهادت رسید</p>	<p>۲۱ ساله - تهران</p>	<p>حسین جزئی</p>	<p>۶۸</p>
	<p>۶ آذر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>مشهد</p>	<p>حسن ناصری خور</p>	<p>۶۹</p>
	<p>۱۸ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>نیشابور</p>	<p>حافظ اولاد امر علی</p>	<p>۷۰</p>
	<p>۱ مهر بر اثر آسیب ریوی از گاز اشک آور در تهران به شهادت رسید.</p>	<p>۳۶ ساله</p>	<p>جواد خوانساری</p>	<p>۷۱</p>
	<p>۲۱ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۲ ساله - فردیس کرج</p>	<p>روزیبه خادمی</p>	<p>۷۲</p>







	<p>۱۶ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۰ ساله - کرج</p>	<p>سپهر شریفی طرغیبه</p>	<p>۷۲</p>
	<p>۱۶ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>شیراز</p>	<p>سجاد جعفری</p>	<p>۷۴</p>
	<p>۳۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>کرمان</p>	<p>سعید ایرامنش</p>	<p>۷۵</p>
	<p>۲۴ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۸ ساله - بجنورد</p>	<p>سعید اسعدی</p>	<p>۷۶</p>
	<p>۲۶ آذر به دلیل اصابت گلوله ساجمه ای به سر و گردن در زندان قزل حصار</p>	<p>۳۶ ساله - کرج</p>	<p>سیامک بابا</p>	<p>۷۷</p>
	<p>۴ آبان بر اثر شلیک گلوله ساجمه ای مستقیم به سر و پهلو در پرنده بی شهادت رسید.</p>	<p>۲۵ ساله</p>	<p>سیدعلی سیدی</p>	<p>۷۸</p>

	<p>۱۷ دی اعدام</p>	<p>۴۰ ساله - کرج</p>	<p>سید محمد حسینی</p>	<p>۷۹</p>
	<p>۳۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۶ ساله - تهران</p>	<p>سیاوش محمودی</p>	<p>۸۰</p>
	<p>۱۶ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله جنگی در شیراز</p>	<p>داراب</p>	<p>سینا فیروزآبادی</p>	<p>۸۱</p>
	<p>۳۰ مهر بر اثر ضربات متعدد باتوم به سرش</p>	<p>اراک</p>	<p>سینا ملایری</p>	<p>۸۲</p>
	<p>۱۶ آذر پس از ۳ روز بی خبری او را به دار آویختند در کلاس در پیدا می کنند. مرگ او از سوی دانشگاه خودکشی اعلام شد که برادرش آن را رد کرده است.</p>	<p>تهران</p>	<p>شهاب الدین هاشمی</p>	<p>۸۳</p>
	<p>۱۴ آذر بر اثر شلیک مستقیم گلوله ساچمه ای</p>	<p>کرج</p>	<p>عباس شفیعی</p>	<p>۸۴</p>

	<p>۳۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>شهریار</p>	<p>عرفان خزایی</p>	<p>۸۵</p>
	<p>۱۲ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۷ سالمه - لاهیجان</p>	<p>عرفان زمانی</p>	<p>۸۶</p>
	<p>۱۲ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>کرج</p>	<p>علی ابوحامد</p>	<p>۸۷</p>
	<p>۷ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>تهران</p>	<p>عرفان نظریبگی</p>	<p>۸۸</p>
	<p>۲ آذر در حین شعارنویسی مورد تعقیب قرار گرفت و از پشت هدف گلوله قرار گرفت.</p>	<p>کاشمر</p>	<p>علی اکبر حیدرزاده</p>	<p>۸۹</p>
	<p>۲۵ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>سمیرم</p>	<p>علی عباسی</p>	<p>۹۰</p>

	<p>۳۰ مهر بر اثر درگیری در زندان اوین</p>		<p>عزت الله شهبازی</p>	<p>۹۱</p>
	<p>۴ آبان بر اثر اصابت گلوله جنگی در حالی که در خانه اش به معترضان پناه داده بود به شهادت رسید.</p>	<p>۲۸ سالم - کرج</p>	<p>علی روزبهانی</p>	<p>۹۲</p>
	<p>۲۸ مهر پس از احضارهای پیاپی به اطلاعات و حراست بر اثر فشارهای روحی دچار ایست قلبی شد و به شهادت رسید.</p>	<p>تهران</p>	<p>علی جلیلی</p>	<p>۹۳</p>
	<p>۱۰ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در اصفهان</p>	<p>۴۰ سالم - نجف آباد</p>	<p>علی اکر ربیعی</p>	<p>۹۴</p>
	<p>۱ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۶ سالم - تهران</p>	<p>علیرضا حسینی</p>	<p>۹۵</p>
	<p>۱۶ آذر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۰ سالم - تهران</p>	<p>علیرضا خوشکار بیاتی</p>	<p>۹۶</p>

	<p>۱۶مهر بر اثر ضربات متعدد باتوم</p>	<p>کرج</p>	<p>کامران شهبازی</p>	<p>۹۷</p>
	<p>۳۱ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۰ ساله - کرج</p>	<p>کنعان آقایی</p>	<p>۹۸</p>
	<p>۹ دی زیر شکنجه</p>	<p>۲۸ ساله - شیراز</p>	<p>مجتبی قناعتی خلاری</p>	<p>۹۹</p>
	<p>۳۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۲ ساله - پاکدشت</p>	<p>محسن پازوکی</p>	<p>۱۰۰</p>
	<p>۱۶ مهر بر اثر ضربات متعدد باتوم</p>	<p>۳۰ ساله - تهران</p>	<p>محسن موسوی</p>	<p>۱۰۱</p>
	<p>۱۷ آذر به اتهام آتش زدن منبع زیاله و مجروح کردن یک مامور در تاریخ ۱۷ آذر اعدام شد.</p>	<p>۲۳ ساله - تهران</p>	<p>محسن شکاری</p>	<p>۱۰۲</p>

	۲۵ آبان	شیراز	محمد برزگر	۱۰۳
	۳ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله	۵۹ ساله - مارلک کرج	محمد جامه بزرگ	۱۰۴
	۳۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله	۱۶ ساله - تهران	محمد زمانی	۱۰۵
	۳۱ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله جنگی به چشمش	۱۴ ساله - تهران با اصالت افغانستانی	محمد رضا سروری	۱۰۶
	۳۱ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله	۱۶ ساله - تهران	محمد زمانی	۱۰۷
	۲۰ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله	مشهد	محمد خلیلی	۱۰۸

	<p>مهر ماه بر اثر اصابت گاز اشک آور به سرش دچار ضربه مغزی شد و به شهادت رسید.</p>	<p>۲۴ ساله</p>	<p>محمد امین تکلی</p>	<p>۱۰۹</p>
	<p>۳۱ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۶ ساله - اصفهان</p>	<p>محمد حسین ترکمان</p>	<p>۱۱۰</p>
	<p>۱ آذر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۷ ساله - مشیریه تهران</p>	<p>محمد حسین کمندلو</p>	<p>۱۱۱</p>
	<p>۹ آبان</p>	<p>۱۷ ساله - تهران</p>	<p>محمد حسین فرجی</p>	<p>۱۱۲</p>
	<p>۶ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۴ ساله - شهری</p>	<p>محمد جواد فرمانی</p>	<p>۱۱۳</p>
	<p>۲۹ آبان در حال شعار نویسی بازداشت شد و بر اثر ضربات باتوم به شهادت رسید.</p>	<p>۲۰ ساله - مشهد</p>	<p>محمد جواد اسعدزاده</p>	<p>۱۱۴</p>

	<p>۱۳ آبان و در نزدیکی مسجد جامع قرچک در حالی که شعارهای ضدحکومتی سر میداد اقدام به خودسوزی کرد و روز هفدهم آبان در اثر جراحات درگذشت</p>	<p>۲۴ ساله - ورامین</p>	<p>محمدرضا فردوسی (حسام)</p>	<p>۱۱۵</p>
	<p>۱۰ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در تهران</p>	<p>۵۵ ساله - اصفهان</p>	<p>مرتضی سلطان نیا</p>	<p>۱۱۶</p>
	<p>۴ آذر</p>	<p>تربت جام</p>	<p>مهدی بهرنژاد</p>	<p>۱۱۷</p>
	<p>۲۵ آبان او بازداشت شده بود و پس از ضرب و شتم و شکنجه شدید، با وضعیت جسمانی نامناسب، بطور موقت آزاد شده بود اما پس از آزادی موقت بلافاصله به کما فرو رفت و در ۲۵ آبان به شهادت رسید.</p>	<p>۳۰ ساله - اشکذر یزد</p>	<p>مهدی زارع</p>	<p>۱۱۸</p>
	<p>۱۸ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۵۲ ساله - کرج</p>	<p>مهدی صالحی پور</p>	<p>۱۱۹</p>

	<p>۳۰ شهريور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۸ ساله - گرمسار</p>	<p>مهدی عسگری</p>	<p>۱۲۰</p>
	<p>۳۱ شهريور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>مارلیک کرج</p>	<p>مهدی لیلای</p>	<p>۱۲۱</p>
	<p>۲۰ دی زیر شکنجه به شهادت رسید (او از جانبازان دوره جنگ هشت ساله ایران و عراق بوده است).</p>	<p>۵۰ ساله - تهران</p>	<p>مهدی کرمی آشتیانی</p>	<p>۱۲۲</p>
	<p>۳۰ شهريور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>زرینشهر</p>	<p>مهراب نجفی</p>	<p>۱۲۳</p>
	<p>۴ آبان در اراک به شهادت رسید. (هنوز کاما مشخص نیست که در خیابان یا پس از بازداشت به شهادت رسیده)</p>	<p>۱۹ ساله - اراک</p>	<p>مهرشاد شهیدی</p>	<p>۱۲۴</p>
	<p>۵ آذر زیر شکنجه</p>	<p>۳۴ ساله - شیراز</p>	<p>مصطفی مباشر</p>	<p>۱۲۵</p>

	<p>۲۵ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>سمیرم</p>	<p>مسلم هوشنگی</p>	<p>۱۲۶</p>
	<p>۷ آذر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۳۸ ساله - تهران</p>	<p>مسعود دولتشاهی</p>	<p>۱۲۷</p>
	<p>مهر در تهران بر اثر زیر گرفته شدن توسط ماموران بسیجی</p>	<p>تهران</p>	<p>میثم مقدسی</p>	<p>۱۲۸</p>
	<p>۲۸ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>تهران</p>	<p>میلاد استاد هاشم</p>	<p>۱۲۹</p>
	<p>۱۶ آبان ناپدید شد و پس از ۶ روز پیکر متلاشی شده او به خانواده تحویل داده شد.</p>	<p>۲۷ ساله - شیراز</p>	<p>میلاد خوشکام</p>	<p>۱۳۰</p>
	<p>۲۵ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>سمیرم</p>	<p>میلاد اصفی</p>	<p>۱۳۱</p>

	<p>۱۱ آبان بر اثر ضربات باتوم به سر</p>	<p>۳۱ ساله - کرج</p>	<p>۱۳۲ میلاد زمانی</p>
	<p>۲۵ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>سمیرم</p>	<p>۱۳۳ مراد بهرامیان</p>
	<p>۲۱ آذر به اتهام کشتن دو بسیجی اعدام شد.</p>	<p>۲۳ ساله - مشهد</p>	<p>۱۳۴ مجید رضا رهنورد</p>
	<p>۱۲ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله چنگی به سینه و ران</p>	<p>۱۷ ساله - کرج</p>	<p>۱۳۵ نیما نوری</p>
	<p>۲۴ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>اصفهان</p>	<p>۱۳۶ وحید خانی</p>
	<p>۱ آبان برای نجات یک دختر از دست مأموران لباس شخصی، بازداشت و شکنجه شد و سپس در بیمارستان الزهراء اصفهان بر شهادت رسید.</p>	<p>اصفهان</p>	<p>۱۳۷ هادی حق شناس</p>

	<p>۱۲ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>تهران</p>	<p>یزدان فرمانی</p>	<p>۱۳۸</p>
	<p>آذر زیر شکنجه</p>	<p>۲۸ ساله - تهران</p>	<p>یزدان آقاجانی</p>	<p>۱۳۹</p>
	<p>۲۶ آبان</p>	<p>شیراز</p>	<p>یوسف قنبرزادگان</p>	<p>۱۴۰</p>

اسامی شهدای آتروپادگان

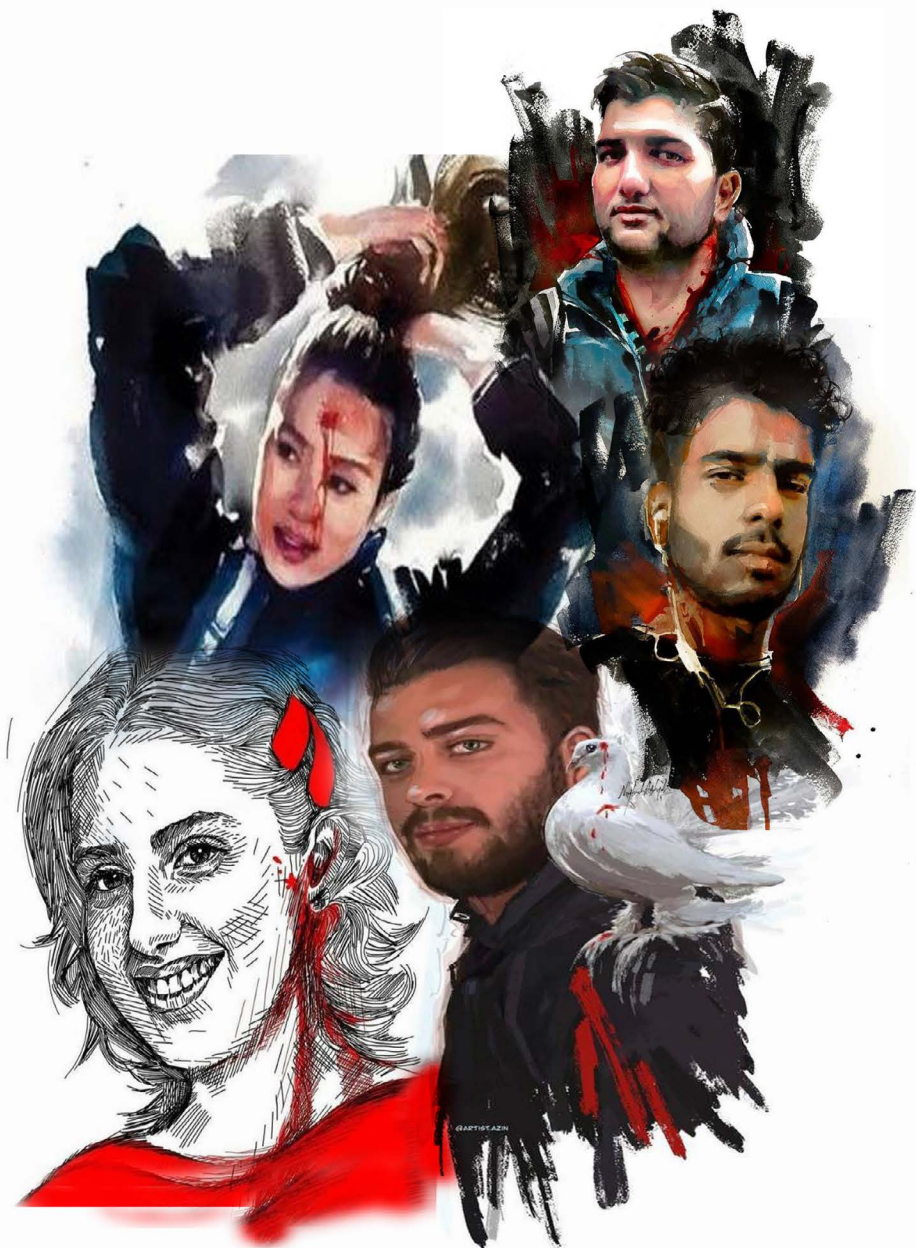


ردیف	نام	سن و محل تولد	تاریخ و نحوه شهادت	عکس
۱	آیلا حققی	۲۳ ساله - تبریز	<p>۲۷ آبان</p> <p>بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p> <p>به گفته شورای صنفی دانشجویان مورخ ۲۷ آبان، در شرایطی که به یک ساختمان پناه برده بود، توسط نیروهای امنیتی به پایین پرتاب و به علت فرودفتن میل گرد در جسمش به شهادت میرسد. و به گفته یکی از اقوام نزدیک آیلار او در اعتراضات و با شلیک مستقیم گلوله از پشت سرش به شهادت رسیده است</p>	
۲	اسرا پناهی	۱۵ ساله - اردبیل	<p>۲۰ مهر</p> <p>در دبیرستان شاهد مورد ضرب و شتم قرار گرفته و سپس در بیمارستان به شهادت رسید</p>	
۳	اللهه رستگار	تبریز	<p>بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	
۴	پریرسا بضمینی	زنجان	<p>۴ آبان</p> <p>بر اثر شلیک مستقیم گلوله در تهران</p>	

	<p>۲۱ آبان دو روز پس از آزادی از زندان در خانه درگذشته است. هرچند مرگ او خودکشی اعلام شد اما به گفته منابع محلی در اثر شکنجه های زیاد جان خود را از دست داده است.</p>	<p>۱۹ ساله - ایردموسی ارخبیل</p>	<p>یلدا آفاقضی</p>	<p>۵</p>
	<p>-</p>	<p>-</p>	<p>آقای طاهری از ایل فشقای</p>	<p>۶</p>
	<p>۲۵ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>زنجان</p>	<p>امیرحسین عباسی</p>	<p>۷</p>
	<p>او در روزهای آغازین قیام زینا در جریان اعتراضات مردم تبریز بازداشت شده بود و تحت فشار برای اعتراف اجباری برای اقرار به قتل حسین احاقی بسیجی، زیر اثر شکنجه های فراوان در زمان بازداشت، روز ۱۴ دی ماه به شهادت رسید.</p>	<p>تبریز</p>	<p>حیدر عظیمی</p>	<p>۸</p>
	<p>۲۴ آبان بر اثر ضرب و شتم</p>	<p>۳۳ ساله - تبریز</p>	<p>سید علی عراقی</p>	<p>۹</p>

	<p>۳۱ شهریور بر اثر ضربات متعدد باتوم و شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۵ ساله - زنجان</p>	<p>سید مهدی موسوی</p>	<p>۱۰</p>
	<p>آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>خرم دره زنجان</p>	<p>مقداد عزیزی</p>	<p>۱۱</p>
	<p>۱۲ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله در کرج</p>	<p>۲۲ ساله - میانجوات</p>	<p>مهران شکاری</p>	<p>۱۲</p>
	<p>۱۲ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله در کرج</p>	<p>۱۷ ساله - میانجوات</p>	<p>مهدی حضرتی</p>	<p>۱۳</p>
	<p>۳۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>زنجان</p>	<p>مهرداد قربانی</p>	<p>۱۴</p>

اسامی شهدای طبرستان



ردیف	نام	سن و محل تولد	تاریخ و نحوه شهادت	عکس
۱	آرام مجد	۱۷ ساله - قائمشهر	۳۰ آبان با شلیک مستقیم گلوله	
۲	بهناز افشاری	پاکدشت	۴ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله	
۳	حنانه کیا کجوری	۲۲ ساله - نوشهر	۳۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله چنگی در تهران	
۴	غزاله چلاوی	۲۲ ساله - آمل	در ۲۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم به پیشانی	
۵	مانده جوانسر	۲۸ ساله - رشت	۴ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله	
۶	مونا چمنی	رشت	۸ آذر بر اثر ضربات متعدد باتور به سرش	

	<p>۱ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۵ ساله - نوشهر</p>	<p>هدیه نعیمانی</p>	<p>۷</p>
	<p>۱۲ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۷ ساله - آمل</p>	<p>مهدیس حسینی</p>	<p>۸</p>
	<p>بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>لنگرود</p>	<p>ابوالفضل اکبری دوست</p>	<p>۹</p>
	<p>۳۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله بی</p>	<p>۱۶ ساله - قائم شهر</p>	<p>ابوالفضل باثو</p>	<p>۱۰</p>
	<p>۳۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله در قائمشهر</p>	<p>۱۹ ساله - بابل</p>	<p>ابوالفضل مهدی پور</p>	<p>۱۱</p>
	<p>۳۱ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله بی قلبش در تنگابن</p>	<p>۱۸ ساله - مازندران</p>	<p>اسماعیل حیدری</p>	<p>۱۲</p>

	<p>۶ مهر در زیر شکنجه</p>	<p>۱۹ ساله - نوشهر</p>	<p>امیررضا نادرزاده</p>	<p>۱۲</p>
	<p>۳۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>نوشهر</p>	<p>امیرحسین شمس</p>	<p>۱۴</p>
	<p>۳۰ شهریور بر اثر ضربات باتوم و قنداق تفنگ بر سرش</p>	<p>اهل رشت</p>	<p>امیرحسین مهدوی</p>	<p>۱۵</p>
	<p>۷ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>نشت نشا</p>	<p>امیر (عارف) قربانیپور</p>	<p>۱۶</p>
	<p>۳۱ شهریور بر اثر ضربات متعدد باتوم و شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۶ ساله - بندرانزلی</p>	<p>امیر نوروزی</p>	<p>۱۷</p>
	<p>۳۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>رشت</p>	<p>بهنام لایق پور</p>	<p>۱۸</p>

	<p>۱ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۷ ساله - هشتگرد</p>	<p>پارسا رضادوست</p>	<p>۱۹</p>
	<p>۳۱ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۶ ساله - دهدشت</p>	<p>پدرام آذرنوش</p>	<p>۲۰</p>
	<p>۱ مهر بر اثر ضربات متعدد باتوم</p>	<p>۱۷ ساله - رشت</p>	<p>پویا (علی) احمدپور پسیخانی</p>	<p>۲۱</p>
	<p>۹ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۴ ساله - بابل</p>	<p>پویا رجب نیا</p>	<p>۲۲</p>
	<p>۲۰ آبان بر اثر ضربات متعدد باتوم</p>	<p>۲۷ ساله - بوشهر</p>	<p>محمدحسین حاجیانی</p>	<p>۲۳</p>
	<p>۲۱ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>بهشهر</p>	<p>محمد صالحی</p>	<p>۲۴</p>

	<p>۳۰ شهريور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۳ ساله - نوشهر</p>	<p>حسین علی کیا</p>	<p>۲۵</p>
	<p>۱ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>اهل پاکدشت</p>	<p>حمید فولادوند</p>	<p>۲۶</p>
	<p>۲۵ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>لاهیجان</p>	<p>جواد رضایی</p>	<p>۲۷</p>
	<p>۳۰ شهريور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>قامنشهر</p>	<p>رحیم کلج</p>	<p>۲۸</p>
	<p>شهريور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۶ ساله - ساری</p>	<p>رضا خوشنود هولاری</p>	<p>۲۹</p>
	<p>۲۹ شهريور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>رضوانشهر</p>	<p>ساسان باقری</p>	<p>۳۰</p>

	<p>۳۰ شهريور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>تالش</p>	<p>ساسان قربانی</p>	<p>۳۱</p>
	<p>۲۵ آذر بر اثر جراحات ناشی از شکنجه و اثرات سوء قرص</p>	<p>۲۲ ساله - زیباکنار بندرانزلی</p>	<p>سروش پوراحمدی</p>	<p>۳۲</p>
	<p>۳۰ شهريور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۵ ساله - آمل</p>	<p>سید سینا موسوی</p>	<p>۳۳</p>
	<p>۲۴ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>کیاشهر</p>	<p>سپهر اسماعیلی</p>	<p>۳۴</p>
	<p>۳۰ شهريور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>لنگرود</p>	<p>سید عباس میرموسی</p>	<p>۳۵</p>
	<p>۱۷ مهر بر اثر اصابت گلوله جنگی عوامل زندان</p>	<p>رشت</p>	<p>عارف عاشوری</p>	<p>۳۶</p>


	<p>۷ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>رشت</p>	<p>عارف غلامپور</p>	<p>۳۷</p>
	<p>۳۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۱ ساله - آمل</p>	<p>عرفان رضایی</p>	<p>۳۸</p>
	<p>۶ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۹ ساله - آمل</p>	<p>علی فاضلی</p>	<p>۳۹</p>
	<p>۲۹ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>رضوانشهر</p>	<p>فرزین لطفی</p>	<p>۴۰</p>
	<p>۳۰ شهریور دستگیر و زیر شکنجه های شدید قرار می گیرد تا در روز ۲۵ آبان یا سر شکسته و وضعیت وخیم جسمی آزاد شد اما در ۲۷ آبان به کما رفت و روز ۲۹ آبان به شهادت رسید.</p>	<p>۲۴ ساله - آمل</p>	<p>فرشید موسوی</p>	<p>۴۱</p>
	<p>۱۲ آبان ماموران سرکوبگر در مقابل چشمان همسر و دخترش به گردنش شلیک کردند و در ۱۷ آبان در کرج به شهادت رسید.</p>	<p>۲۷ ساله - گلوگاه مازندران</p>	<p>کمیل امیرخانلو</p>	<p>۴۲</p>

	<p>۳۱ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>رشت</p>	<p>مازیار سلیمانیان</p>	<p>۴۲</p>
	<p>۳۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله به قلبش</p>	<p>نوشهر</p>	<p>محسن مال میر</p>	<p>۴۴</p>
	<p>۳۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>قائم شهر</p>	<p>محسن محمدی کو چکسر ای</p>	<p>۴۵</p>
	<p>۱۷ مهر در درگیری زندان لاکان رشت</p>	<p>۳۱ ساله - رشت</p>	<p>محمد انوش نیا</p>	<p>۴۶</p>
	<p>۳۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۳۵ ساله - آمل</p>	<p>محمد فلاح</p>	<p>۴۷</p>
	<p>۳۰ شهریور بر اثر شلیک ۹۵ گلوله ساچمه‌ای به سر و کمر او</p>	<p>۲۰ ساله - ساری</p>	<p>محمدجواد زاهدی</p>	<p>۴۸</p>

	۳۱ شهريور بر اثر شلیک مستقیم گلوله	ساری	محمد حسین خواه	۴۹
	۳۱ شهريور هنگامی که از یک زن دفاع میمند، بر اثر شلیک مستقیم گلوله به شهادت رسید	رشت	محمد رسول مومنی زاده	۵۰
	۳۰ شهريور بر اثر شلیک مستقیم گلوله	۲۳ ساله - پاکدشت	محمد رضا اسکندری	۵۱
	۱۲ آبان بر اثر استنشاق گاز اشک آور	اهل نوشهر	محمد رضا بابی لاشک	۵۲
	۳۰ شهريور بر اثر شلیک مستقیم گلوله	لنگرود	مرتضی نوروزی	۵۳
	۲۵ آبان زیر شکنجه	۱۵ ساله - گرگان	کابلی ی مهدی کمشگیر	۵۴

	<p>۲۸ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۹ ساله - هومن</p>	<p>مهران توانا</p>	<p>۵۵</p>
	<p>۸ آذر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۷ ساله - بندر انزلی</p>	<p>مهران سماک</p>	<p>۵۶</p>
	<p>۱۷ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>رشت</p>	<p>مهران رجبی</p>	<p>۵۷</p>
	<p>۳۱ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>دهدشت</p>	<p>مهرداد بهنام اصل</p>	<p>۵۸</p>
	<p>۳۱ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>نوشهر</p>	<p>مهرداد عوض پور</p>	<p>۵۹</p>
	<p>۱۷ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در زندان لاکان رشت</p>	<p>رشت</p>	<p>مهرداد بهروز</p>	<p>۶۰</p>

	<p>۲۰ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>رشت</p>	<p>مهرگان زحمتکش</p>	<p>۶۱</p>
	<p>۱۷ مهر در درگیری زندان لاکان رشت بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۳۲ ساله - رشت</p>	<p>میشو پدیدار</p>	<p>۶۲</p>
	<p>۱۷ مهر در درگیری زندان لاکان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>روستای کلاچاه از توابع خمماو</p>	<p>میلااد درخشان</p>	<p>۶۳</p>
	<p>۲۹ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>بابل</p>	<p>میلااد زارع</p>	<p>۶۴</p>
	<p>۲۴ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۶ ساله - سیاورز تنکابن (شسوار)</p>	<p>میلااد سعیدی</p>	<p>۶۵</p>
	<p>۲ آبان به دلیل ضربه به سر در ورامین تهران</p>	<p>۲۳ ساله - گلستان</p>	<p>نوید بادیا</p>	<p>۶۶</p>

	<p>۳۰ شہریور برائٹر شلیک مستقیم گلونہ</p>	<p>رضوانشہر</p>	<p>یاسین جمالزادہ</p>	<p>۶۷</p>
---	---	-----------------	-----------------------	-----------

اسامی شهدای خوزستان



ردیف	نام	سن و محل تولد	تاریخ و نحوه شهادت	عکس
۱	اشرف نیک بخت	ایذه	۲۵ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله	
۲	دنیا فرهادی	۲۲ ساله - احواز	۱۶ آذر به طرز نامعلومی به شهادت رسید. پیکرش ۸ روز بعد بر کرانه کارون پیدا شد.	
۳	زهره شماسی	۲۳ ساله - احواز	۱۰ دی بر اثر شکنجه	
۴	سها اعتباری	۱۲ ساله - بستک	۴ دی بر اثر شلیک مستقیم گلوله	
۵	عاطفه نعیمی	۳۷ ساله - احواز	۱ آذر بر اثر ضرب و شتم به شهادت رسید وی از هشت روز قبل مقنود شده و جسدش در حالی که ضربه و شتم شده بود در خانه پیدا شد.	
۶	مرضیه دشمن زیاری	بوشهر	۲۵ مهر بر اثر ضربات متعدد باتوم در شیراز	


	<p>۲۵ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۵ ساله - ایذه</p>	<p>آرتین رحمانی</p>	<p>۷</p>
	<p>۳۱ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله در فولادشهر</p>	<p>۱۸ ساله - ایذه</p>	<p>آروین مملی گلزاری</p>	<p>۸</p>
	<p>۲۶ آبان بر اثر ضرب و شتم</p>	<p>۲۸ ساله - بندرعباس</p>	<p>ادریس غریب زاده</p>	<p>۹</p>
	<p>۱ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله در دزفول</p>	<p>۱۵ ساله</p>	<p>احسان خواجهوی در بالایی</p>	<p>۱۰</p>
	<p>بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>ایذه</p>	<p>پوریا کیانی</p>	<p>۱۱</p>
	<p>۴ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۹ ساله - ایذه</p>	<p>پیمان راک</p>	<p>۱۲</p>

	<p>روز ۵ آذر دستگیر و ۵ روز بعد خبر شهادتش اعلام شد.</p>	<p>۲۲ ساله - ایذه</p>	<p>حامد سلحشور</p>	<p>۱۲</p>
	<p>۲۵ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>دشتی پارسیان</p>	<p>حامد مولایی</p>	<p>۱۴</p>
	<p>۲۹ آذر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>ایذه</p>	<p>حسن سعیدی</p>	<p>۱۵</p>
	<p>۲۵ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۶ ساله - ایذه</p>	<p>رضا شریعتی</p>	<p>۱۶</p>
	<p>۲۵ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>شوشتر</p>	<p>رشید رشیدی</p>	<p>۱۷</p>
	<p>۲۵ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۴ ساله - ایذه</p>	<p>سپهر مقصودی</p>	<p>۱۸</p>

	<p>۲۵ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۹ ساله - ایذه</p>	<p>کیان پیرفلک</p>	<p>۱۹</p>
	<p>۱۴ آبان توسط ماموران سرکوبگر تعقیب و با ماشین زیر گرفته شد</p>	<p>۲۲ ساله - احواز</p>	<p>عباس لویمی</p>	<p>۲۰</p>
	<p>آبان بر اثر ضربات متعدد باتومر (وی را کشته و جسدش را در بیابان رها ساختند)</p>	<p>بندرعباس</p>	<p>عدنان کمالی</p>	<p>۲۱</p>
	<p>مهر او دستگیر و سپس در ۱ آبان جنازه اش در رودخانه پیدا شد</p>	<p>۱۷ ساله - خلیفه</p>	<p>علی باوی</p>	<p>۲۲</p>
	<p>۲۸ مهر زیر شکنجه</p>	<p>۲۰ ساله - احواز</p>	<p>علی بنی اسد</p>	<p>۲۳</p>
	<p>۲۵ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>ایذه</p>	<p>علی مولایی</p>	<p>۲۴</p>

	<p>۲۵ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>بهبهان</p>	<p>علیرضا شجاعی</p>	<p>۲۵</p>
	<p>۵ مهر بازداشت شد و ۱۴مهر پیکر او که زیر شکنجه به شهادت رسیده بود، تحویل داده شد.</p>	<p>۳۱ سائز - منطقہ مالشیر احواز</p>	<p>عماد حیدری</p>	<p>۲۶</p>
	<p>۲۰ آذر زیر شکنجه</p>	<p>۱۷ سائز - شوش</p>	<p>عباس منصوری</p>	<p>۲۷</p>
	<p>۶ آبان در اعتصابات عسلیه بازداشت شده و زیر شکنجه به شهادت رسید.</p>	<p>ایذه</p>	<p>فرید کورآوند</p>	<p>۲۸</p>
	<p>۲۷ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>دزفول</p>	<p>مجتبی عبداللهی آستر کی</p>	<p>۲۹</p>
	<p>۱۴ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله به قلبش</p>	<p>۲۲ سائز - ماهشهر</p>	<p>محمد حسین سالاری</p>	<p>۳۰</p>

	<p>۲۰ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>دزفول</p>	<p>محمد خواجهوی دره بالایی</p>	<p>۳۱</p>
	<p>۱۵ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۷ ساله - دزفول</p>	<p>محمد قائمی</p>	<p>۳۲</p>
	<p>۱۱ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در تهران</p>	<p>دزفول</p>	<p>محمد مهرداد</p>	<p>۳۳</p>
	<p>۲۹ آذر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>ایده</p>	<p>محمود احمدی</p>	<p>۳۴</p>
	<p>آبان زیر شکنجه</p>	<p>۱۸ ساله - خرمشهر</p>	<p>مهدی فرحانی</p>	<p>۳۵</p>
	<p>۱۱ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>بندرعباس</p>	<p>میلاذ خاوری</p>	<p>۳۶</p>

	۲۵ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله	۲۶ ساله - ایذه	میلاد سعیدیان	۳۷
--	--	----------------	---------------	----

اسامی شهدای بلوچستان



ردیف	نام	سن و محل تولد	تاریخ و نحوه شهادت	عکس
۱	هستی نارویی	۷ ساله، زاهدان	۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله و استنشاق گازهای سمی	
۲	مونا نقیب	۸ ساله - سراوان	۲ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله	
۳	پارمیس همنا	ایران شهر	۳ آبان بر اثر ضرب و شتم در مدرسه، بدلیل پاره کردن عکس خمینی	
۴	مژگان کدخدایی	بلوچستان	۱۴ آبان بر اثر ضربات متعدد باتوم	
۵	آرمان حسن‌زهی		۱۱ مهر بر اثر تیراندازی از هلیکوپتر نظامی در زاهدان به شهادت رسید.	
۶	ابراهیم گرگیج	زاهدان	۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان	

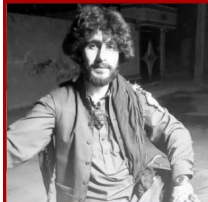





	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>ابوبکر علیزهی فرزند عبدالشکور</p>	<p>۷</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>ابوبکر نهتانی</p>	<p>۸</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>۲۶ سائز - زاهدان</p>	<p>احمد سارانی فرزند امان الله</p>	<p>۹</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>احمد سرگلزایی</p>	<p>۱۰</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>احمد شریخش</p>	<p>۱۱</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>اسماعیل آبیلا فرزند رحان</p>	<p>۱۲</p>

	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>اسماعیل حسینزهی فرزند محمدسلیم</p>	<p>۱۳</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>اقبال شهنوازی</p>	<p>۱۴</p>
	<p>۳ آذر بر اثر شلیک توسط افراد مسلح ناشناس</p>	<p>زاهدان</p>	<p>امان الله خان باجی زهی</p>	<p>۱۵</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>۱۳ ساله - زاهدان</p>	<p>امید سارانی فرزند خالقداد</p>	<p>۱۶</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>۱ ساله بدون شناسنامه - زاهدان</p>	<p>امید صفرزهی فرزند نعیم</p>	<p>۱۷</p>
	<p>۶ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۶ ساله دانش آموز پایه نهم - زاهدان</p>	<p>امید نارویی فرزند غام نبی</p>	<p>۱۸</p>

	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>امید شهنوازی</p>	<p>۱۹</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>امیرحمزه شهنوازی</p>	<p>۲۰</p>
 <p>محم</p>	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله از پشت سر به ناحیه قلب در جمع خونین زاهدان</p>	<p>۱۹ ساله- زاهدان</p>	<p>امیرحسین پرنیان (میرکا زهیر یگی) فرزند ابراهیم</p>	<p>۲۱</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>امیرمحمد گمشادزی فرزند قادر</p>	<p>۲۲</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>امین الله قلجایی</p>	<p>۲۳</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>امین گلرچہ</p>	<p>۲۴</p>

	<p>۱۵ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله جنگی</p>		<p>اویس شکرزهی</p>	<p>۲۵</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>بلال آتشینی</p>	<p>۲۶</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>بلال محمد آتشینی</p>	<p>۲۷</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>۲۰ ساله - زاهدان</p>	<p>بلال رخشانی فرزند عبدالواحد</p>	<p>۲۸</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>بال محمد عالی زهی</p>	<p>۲۹</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله په ناحیه سر در جمع خونین زاهدان</p>	<p>۳۰ ساله</p>	<p>بهزاد ریگی فرزند رضا</p>	<p>۳۰</p>



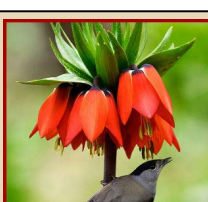


	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>۱۲ ساله - زاهدان</p>	<p>جابر شیروزی فرزند احمد</p>	<p>۳۱</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>جلیل رخشانی فرزند مجید</p>	<p>۳۲</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>جلیل قنریزی (شهریخس) فرزند عبدالمحمن</p>	<p>۳۳</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>جلیل محمدزهی فرزند عبدالرحمن</p>	<p>۳۴</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>جمال عبدالناصر محمد حسنی (براهویی)</p>	<p>۳۵</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>۱۱ ساله</p>	<p>جواد پوشه فرزند احمد</p>	<p>۳۶</p>

	<p>۲۵ مهر زیر شکنجه</p>	<p>زاهدان</p>	<p>حامد باجی زهی (براهویی)</p>	<p>۳۷</p>
	<p>او در طی اعتراضات بلوچستان دستگیر شد و پس از مدتی به دار آویخته شد</p>		<p>حفیظ الله براهویی فرزند پتی خان</p>	<p>۳۸</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>حمزه نارویی فرزند محمد</p>	<p>۳۹</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>حمید عیسی زهی</p>	<p>۴۰</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>حمید نارویی فرزند رشید</p>	<p>۴۱</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>حمید نارویی فرزند محمد علی</p>	<p>۴۲</p>

	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>حیدر نارویی رشید فرزند محمدعلی</p>	<p>۴۳</p>
	<p>۲۱ آذر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۳۶ ساله - زهک</p>	<p>حبیب الله یعقوبی نجیب</p>	<p>۴۴</p>
	<p>۱۰ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۷ ساله - زاهدان</p>	<p>خدانور لجرای فرزند عیسی</p>	<p>۴۵</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>خلیل قنریزه‌ی فرزند علیگور</p>	<p>۴۶</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله به قلبش در جمع خونین زاهدان</p>	<p>۱۱ ساله</p>	<p>دانیال شه‌ بخش فرزند عبدالحمید</p>	<p>۴۷</p>
	<p>۲۶ آبان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>دوران توتازه‌ی</p>	<p>۴۸</p>

	۱۱ مهر	زاهدان	ذوالفقار جان حسن زهی	۴۹
	۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان	زاهدان	ریاست بادل بلوچ	۵۰
	۱۳ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله جنگی		رحیم دادشلی	۵۱
	۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان	۱۶ ساله	سامر هاشمزی فرزند نبی	۵۲
	۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان	۱۴ ساله	سدیس کشانی	۵۳
	۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله	زاهدان	سعید گرگیج	۵۴

	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>سلیمان ملکی</p>	<p>۵۵</p>
	<p>۱۱ آذر</p>	<p>زاهدان</p>	<p>سیروس شریفی نژاد</p>	<p>۵۶</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>سلیمان عرب فرزند سردار محمد</p>	<p>۵۷</p>
	<p>۱۲ آبان بر اثر ضربات متعدد چاقو</p>	<p>چابهار</p>	<p>شعب درغالی</p>	<p>۵۸</p>
	<p>۱۳ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله جنگی</p>	<p>خاش</p>	<p>صادق براهویی</p>	<p>۵۹</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>صلاح الدین گمشادزهی فرزند نعمت الله</p>	<p>۶۰</p>

	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>صمد شاهوزهی فرزند شیر علی</p>	<p>۶۱</p>
	<p>۶ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله جنگی به گردن</p>	<p>۱۵ ساله - منطقہ شیرآباد زاهدان</p>	<p>عادل بریچی</p>	<p>۶۲</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>عبدالجلیل رخشانی</p>	<p>۶۳</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>عبدالخالق شهتوازی فرزند محمد ر شیف</p>	<p>۶۴</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>عبدالرحمان بلوچی خواه فرزند شاهیدر</p>	<p>۶۵</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>عبدالصمد براهویی فرزند (عیدوزهی) سخید ا د</p>	<p>۶۶</p>

	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>عبدالصمد ثابتی زاده (شاهوزهی) فرزند شیر علید ر</p>	<p>۶۷</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>عبدالغفور دهمرده</p>	<p>۶۸</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>عبدالغفور نوربراهویی فرزند ظاهر</p>	<p>۶۹</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>عبداللہ شریخش فرزند جمعہ</p>	<p>۷۰</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>عبداللہ نارویی فرزند عبدالمجید</p>	<p>۷۱</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>عبدالمجید ریگی</p>	<p>۷۲</p>

 <p>عبدالملک شهنوازی</p>	<p>۱۲ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله جنگی در خاش</p>	<p>خاش</p>	<p>عبدالملک شهنوازی</p>	<p>۷۳</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>عبدالمنان رخشانی</p>	<p>۷۴</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله به سینہ در جمعہ خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>عبدالوحید توحیدنیا فرزند رحیم</p>	<p>۷۵</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>عزیزالله کبدانی فرزند حبیبالله</p>	<p>۷۶</p>
	<p>۱۲ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله در خاش</p>	<p>خاش</p>	<p>عظیم محمودزهی</p>	<p>۷۷</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>۱۲ ساله</p>	<p>علی براهویی فرزند عمر</p>	<p>۷۸</p>

	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>۲۸ ساله</p>	<p>علی عاقلی (نارویی)</p>	<p>۷۹</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>علی اصغر گودبیگلو</p>	<p>۸۰</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>علی اکبر براهویی فرزند خان محمد</p>	<p>۸۱</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>علی اکبر حلقه بگوش</p>	<p>۸۲</p>
	<p>۱۳ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>خاش</p>	<p>علی کردکلاهوری</p>	<p>۸۳</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>عمر شهنازی</p>	<p>۸۴</p>

	<p>۲۸ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله، شهادت او نیز در ادامه زنجیره مرگ های مشکوک در بلوچستان است</p>	<p>راسک</p>	<p>عمران ابرکار</p>	<p>۸۵</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>عمران حسنزی فرزند علی</p>	<p>۸۶</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>عمران شریخش فرزند عبدالقیوم</p>	<p>۸۷</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>فرزاد شریخش فرزند ابراهیم</p>	<p>۸۸</p>
	<p>۱۳ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>خاش</p>	<p>کامبیز ریگی</p>	<p>۸۹</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>گنگوزهی ریگی (نام نامشخص)</p>	<p>۹۰</p>

	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>لال محمد آنشینی فرزند شریف</p>	<p>۹۱</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>لال محمد عالی زهی فرزند ظریف</p>	<p>۹۲</p>
	<p>۱۱ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در کریم آباد زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>ماه الدین شیروزی</p>	<p>۹۳</p>
	<p>۱۳ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۴ ساله - خاش</p>	<p>مبین میرکازهی</p>	<p>۹۴</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>۱۸ ساله - زاهدان</p>	<p>متین قنبرزهی (گرگیج)</p>	<p>۹۵</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>مجید بلوچ زهی شربخش فرزند مهراول</p>	<p>۹۶</p>

	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>محسن گمشادزهی</p>	<p>۹۷</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>محمد براهویی</p>	<p>۹۸</p>
	<p>۱۲ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>خاش</p>	<p>ناهر نامشخص براهویی</p>	<p>۹۹</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>۱۲ ساله - زاهدان</p>	<p>محمد رخشانی فرزند عبدالقادر</p>	<p>۱۰۰</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>محمد ریگی</p>	<p>۱۰۱</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>محمد قلجایی</p>	<p>۱۰۲</p>

	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>فاقد شناسنامه - ۱۶ ساله - زاهدان</p>	<p>محمد اقبال نائب زهی (شهناوی) فرزند تیا ز محمد</p>	<p>۱۰۳</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>۱۷ ساله - زاهدان</p>	<p>محمد امین گمشادزهی فرزند عبدالواحد</p>	<p>۱۰۴</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>محمد رضا ادیب توتازهی فرزند سید محمد</p>	<p>۱۰۵</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>۲۳ ساله - زاهدان</p>	<p>محمد صدیق نارویی فرزند رسا جالدین (رافع) (نارویی)</p>	<p>۱۰۶</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>محمد علی اسماعیل زهی (شه بخش) فرزند عبدالواحد</p>	<p>۱۰۷</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>۱۸ ساله - زاهدان</p>	<p>محمد علی گمشادزهی فرزند عبدالواحد</p>	<p>۱۰۸</p>

	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>محمد فاروق رخشانی</p>	<p>۱۰۹</p>
	<p>۱۲ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>خاش</p>	<p>محمد سلحشوران</p>	<p>۱۱۰</p>
	<p>۱۲ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله در خاش</p>	<p>خاش</p>	<p>محمد شریبخش</p>	<p>۱۱۱</p>
	<p>محمود حسن زهی، در ۱۱ مهر در زاهدان به شهادت رسید.</p>	<p>زاهدان</p>	<p>محمود حسن زهی</p>	<p>۱۱۲</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>محمود شهنوازی فرزند امان الله</p>	<p>۱۱۳</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>محمی الدین شریبخش فرزند محمدکبیر</p>	<p>۱۱۴</p>

	<p>۱۱ مهر بر اثر شلیک هلیکوپتر نظامی در زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>مرتضی حسن‌زهی</p>	<p>۱۱۵</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>۲۴ ساله - زاهدان</p>	<p>مصطفی بریچی فرزند حسن</p>	<p>۱۱۶</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>منصور رخشانی</p>	<p>۱۱۷</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>موسی آتشینی فرزند عزیز</p>	<p>۱۱۸</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>۱۸ ساله - زاهدان</p>	<p>موسی ویراء (نارویی) فرزند عبدالقیس</p>	<p>۱۱۹</p>
	<p>۶ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>زاهدان</p>	<p>مولوی یوسف رئیسی</p>	<p>۱۲۰</p>

	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>مهدی آتشینی</p>	<p>۱۲۱</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>کودک ۲ ساله - زاهدان</p>	<p>میرشکار نامشخص (</p>	<p>۱۲۲</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>مهاجر افغانستان</p>	<p>نجم الدین تاجیک فرزند حفیظ الله</p>	<p>۱۲۳</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>نعمت الله کبدانی فرزند رحمت الله</p>	<p>۱۲۴</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>واحد گمشادزی</p>	<p>۱۲۵</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>وحید هوت</p>	<p>۱۲۶</p>

	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>۱۷ ساله - خاش</p>	<p>یاسر بهادرزهی</p>	<p>۱۲۷</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>۱۶ ساله - زاهدان</p>	<p>یاسر شاهوزهی</p>	<p>۱۲۸</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>یاسر شریبخش فرزند تا محمد</p>	<p>۱۲۹</p>
	<p>۱۵ آبان اعدام</p>		<p>یاسر گرگیج</p>	<p>۱۳۰</p>
	<p>۱۲ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۵ ساله - زاهدان</p>	<p>یاسر نارونی</p>	<p>۱۳۱</p>
	<p>۱۲ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>خاش</p>	<p>یونس شریبخش</p>	<p>۱۳۲</p>

	<p>۱۳ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله در خاش</p>	<p>خاش</p>	<p>یونس میریلوچ زهی</p>	<p>۱۳۳</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>یونس نارویی</p>	<p>۱۳۴</p>
	<p>۱۳ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله در خاش</p>	<p>خاش</p>	<p>نام نامشخص مراد زهی</p>	<p>۱۳۵</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>نام نامشخص گنگوزهی ریگی</p>	<p>۱۳۶</p>

اسامی شهدای زن



ردیف	نام	سن و محل تولد	تاریخ و نحوه شهادت	عکس
۱	ژینا امینی	۲۲ ساله - سقز	در ۲۲ شهریور در اثر ضربات ماموران گشت ارشاد دچار شکستگی جمجمه و مرگ مفزی شد و در ۲۵ شهریور در تهران به شهادت رسید	
۲	آرام مجد	۱۷ ساله - قائمشهر	۲۰ آبان با شلیک مستقیم گلوله	
۳	آرنیکا قائم مقامی	۱۷ ساله - تهران	۲۰ مهر بر اثر ضربات متعدد باتوم	
۴	آریانا سیف	۲۲ ساله - تهران	۱۰ آذر	
۵	آیدا رستمی	تهران	۲۱ آذر زیر شکنجه به شهادت رسید. جسد او در حالی تحویل گرفته شد که نصف صورت لبر شده، دستش شکسته و چشمش تخلیه شده بود.	





	<p>۲۵ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۳ ساله - تبریز</p>	<p>آیلار حقی</p>	<p>۶</p>
	<p>۱۶ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۵ ساله - کرمانشاه</p>	<p>آیناز جواهری</p>	<p>۷</p>
	<p>۲۰ مهر در دبیرستان شاهد مورد ضرب و شتم قرار گرفته و سپس در بیمارستان به شهادت رسید</p>	<p>۱۵ ساله - اردبیل</p>	<p>اسرا پناهی</p>	<p>۸</p>
	<p>۲۵ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>ایذه</p>	<p>اشرف نیک بخت</p>	<p>۹</p>
	<p>بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>تبریز</p>	<p>الله رستگار</p>	<p>۱۰</p>

	<p>۱۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله جنگی</p>	<p>سقز</p>	<p>الله سعیدی</p>	<p>۱۱</p>
	<p>۳۱ شهریور حین نصب تراکت تعقیب شد و او را از پنجره به پایین پرتاب کردند که موجب شهادت او شد.</p>	<p>۲۳ ساله - ریاط کریه</p>	<p>بهار خورشیدی</p>	<p>۱۲</p>
	<p>۴ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>پاکدشت</p>	<p>بهناز افشاری</p>	<p>۱۳</p>
	<p>۳ آبان بر اثر ضرب و شتم در مدرسه بدلیل پاره کردن عکس خمینی</p>	<p>ایران شهر</p>	<p>پارمیس همنوا</p>	<p>۱۴</p>
	<p>۱۳ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۰ ساله - کرج</p>	<p>پرستو مرادخانی</p>	<p>۱۵</p>

	<p>۲۹ مهر بر اثر شلیک مستقیم</p>	<p>اشنویه</p>	<p>پروین خوش قائم</p>	<p>۱۶</p>
	<p>۴ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله در تهران</p>	<p>زنجان</p>	<p>پریسا بهمنی</p>	<p>۱۷</p>
	<p>مهر بر اثر شلیک گلوله جنگی در دانشگاه</p>	<p>۲۰ سالم - الیگودرز</p>	<p>پریسا عسگری</p>	<p>۱۸</p>
	<p>۱۴ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>شیراز</p>	<p>پگاه غواصیه</p>	<p>۱۹</p>
	<p>۳۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله به قلب و شکم و گردنش</p>	<p>۲۳ سالم - کرج</p>	<p>حدیث نجفی</p>	<p>۲۰</p>

	<p>۳۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله جنگی در تهران</p>	<p>۲۳ سالم - نوشهر</p>	<p>حنانه کیا کجوری</p>	<p>۲۱</p>
	<p>۱۲ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۷ سالم - کرج</p>	<p>دریا نظرده</p>	<p>۲۲</p>
	<p>۱۶ آذر به طرز نامعلومی به شهادت رسید. پیکرش ۸ روز بعد بر کرانه کارون پیدا شد.</p>	<p>۲۲ سالم - احواز</p>	<p>دنیا فرهادی</p>	<p>۲۳</p>
	<p>۹ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله جنگی</p>	<p>۷ سالم - پیرانشهر</p>	<p>دیانا محمودی</p>	<p>۲۴</p>
	<p>بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۸ سالم - بوکان</p>	<p>روشنا(هلن) احمدی</p>	<p>۲۵</p>

	<p>۱۳ آذر زیر شکنجه در زندان</p>	<p>۳۰ ساله - شاداد کرماشان</p>	<p>زهرا جلیلیان</p>	<p>۲۶</p>
	<p>۱۰ دی بر اثر شکنجه</p>	<p>۲۳ ساله - احواز</p>	<p>زهرا شماسی</p>	<p>۲۷</p>
	<p>۳۰ شهریور بر اثر ضربات متعدد باتوم</p>	<p>۶ ساله - مهرشهر</p>	<p>سارینا اساعیل زاده</p>	<p>۲۸</p>
	<p>۴ آبان بر اثر ضربات متعدد باتوم</p>	<p>۶ ساله - سنه</p>	<p>سارینا ساعدی</p>	<p>۲۹</p>
	<p>آبان ماه بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>کرج</p>	<p>ساناز کشاورز</p>	<p>۳۰</p>

	<p>۳۱ شهریور بر اثر ضربات متعدد باتوم</p>	<p>۱۷ سالمه - تهران</p>	<p>ستاره تاجیک</p>	<p>۳۱</p>
	<p>۲۵ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۳۶ سالمه - شیراز</p>	<p>سمانه نیکناز</p>	<p>۳۲</p>
	<p>۲ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>تهران</p>	<p>سمیرا نوری</p>	<p>۳۳</p>
	<p>۲۲ آذر در زیر شکنجه</p>	<p>۲۵ سالمه - کرمان</p>	<p>سمیرا ابراهیمی</p>	<p>۳۴</p>
	<p>۱۶ مهر بر اثر اصابت ۶ گلوله گلوله جنگی</p>	<p>۳۶ سالمه - کرمان</p>	<p>سمیه محمودی نژاد</p>	<p>۳۵</p>

	<p>۴ دی بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۲ ساله - بستک</p>	<p>سها اعتباری</p>	<p>۳۶</p>
	<p>۳۱ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله در مازندران</p>	<p>۳۶ ساله - اصفهان</p>	<p>شیرین علیزاده خوانساری</p>	<p>۳۷</p>
	<p>۲ آبان بر اثر ضربات باتوم به سرش</p>	<p>۱۷ ساله - تهران</p>	<p>صدف موحدی</p>	<p>۳۸</p>
	<p>۱۸ مهر بر اثر ضربات متعدد باتوم</p>	<p>۲۲ ساله - شیراز</p>	<p>غزاله امیری</p>	<p>۳۹</p>
	<p>در ۳۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم به پیشانی</p>	<p>۳۳ ساله - آمل</p>	<p>غزاله چلاوی</p>	<p>۴۰</p>

	۶ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله	تهران	غزاله قاسمی	۴۱
	۱۶ آذر بر اثر شلیک مستقیم گلوله	۳۳ ساله - تهران	فرانک جباری	۴۲
	۲۰ مهر بر اثر ضربات متعدد باتوم	قزوین	فرزانه کاظمی	۴۳
	۵ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله جنگی در مهاباد	۲ ساله - سردشت	فرشته احمدی	۴۴
	۵ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله	۵۵ ساله - روستای دی ما ساکن مهاباد	کبری شیخ سقا	۴۵


	<p>۱۰ دی بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۰ ساله - تهران</p>	<p>کیمیا مقدس</p>	<p>۴۶</p>
	<p>۴ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۸ ساله - رشت</p>	<p>مانده جوانفر</p>	<p>۴۷</p>
	<p>بر اثر ضربات متعدد باتوم</p>	<p>۱۶ ساله - شیراز</p>	<p>مانده (ماهک) هاشمی</p>	<p>۴۸</p>
	<p>۱۴ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۲ ساله - شیراز</p>	<p>ماریا غواصیه</p>	<p>۴۹</p>
	<p>۲۴ آذر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۳۹ ساله - تهران</p>	<p>مریم اسماعیل زاده</p>	<p>۵۰</p>

	<p>دی ماه بر اثر پرتاپ از ساختمان به شهادت رسید</p>	<p>تهران</p>	<p>مریم سلیمانیان</p>	<p>۵۱</p>
	<p>۱۴ آبان بر اثر ضربات متعدد باتوم</p>	<p>بلوچستان</p>	<p>مژگان کدخدایی</p>	<p>۵۲</p>
	<p>۸ آذر بر اثر ضربات متعدد باتوم به سرش</p>	<p>رشت</p>	<p>مونا چمنی</p>	<p>۵۳</p>
	<p>۲ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۸ ساله - سراوان</p>	<p>مونا نقیب</p>	<p>۵۴</p>
	<p>۳۱ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>ساله - فولادشهر</p>	<p>مهسا موگویی</p>	<p>۵۵</p>

	<p>۱۲ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۷ ساله - آمل</p>	<p>مهديس حسيني</p>	<p>۵۶</p>
	<p>۲۹ شهريور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۶۲ ساله - کرمانشاه</p>	<p>مينو مجيدي</p>	<p>۵۷</p>
	<p>بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۱ ساله - تهران</p>	<p>لينا نامور</p>	<p>۵۸</p>
	<p>۱۶ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۳ ساله - فردیس</p>	<p>ناديا عارفاني</p>	<p>۵۹</p>
	<p>۹ آبان زیر شکنجه</p>	<p>ياسوج</p>	<p>ناهيد مصطفي پور</p>	<p>۶۰</p>

	<p>۵ آذر زیر شکنجه</p>	<p>زنجان</p>	<p>ندا بیات</p>	<p>۶۱</p>
	<p>آبان زیر شکنجه او وکیل بود که به پرونده انقلابیون رسیدگی میکرد.</p>	<p>مشهد</p>	<p>نرگس خرمی فرد</p>	<p>۶۲</p>
	<p>۱۳ آبان بر اثر ضربات متعدد باتوم در تهران</p>	<p>۳۵ ساله - مریوان</p>	<p>نسرین قادری</p>	<p>۶۳</p>
	<p>۹ آبان بر اثر اصابت گلوله ساجمه ای به پیشانی در ارومیه</p>	<p>۲۳ ساله - شاهین دژ</p>	<p>نسیم صدقی</p>	<p>۶۴</p>
	<p>۲۸ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۲ ساله - سنه</p>	<p>نگین رادفر</p>	<p>۶۵</p>

	<p>۱۶ مهر بر اثر ضربات باتوم</p>	<p>۲۶ ساله - تهران</p>	<p>نگین صالحی</p>	<p>۶۶</p>
	<p>۲۰ مهر بر اثر ضربات متعدد باتوم به سرش در همدان</p>	<p>۲۱ ساله - قروه</p>	<p>نگین عبدالمالکی</p>	<p>۶۷</p>
	<p>۲۹ شهریور در تهران مفقود و ۷ روز بعد در حالیکه صورتش متلاشی شده، بینی اش له شده و جمجمه اش بر اثر ضربات باتوم شکسته بود در کهریزک تهران پیدا شد</p>	<p>۱۷ ساله - خرم آباد</p>	<p>نیکا شاکرمی</p>	<p>۶۸</p>
	<p>۱ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۲۵ ساله - نوشهر</p>	<p>هدیه نعیمانی</p>	<p>۶۹</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله و استنشاق گازهای سمی</p>	<p>۷ ساله زاهدان</p>	<p>هستی نارویی</p>	<p>۷۰</p>

	<p>۲۱ آبان دو روز پس از آزادی از زندان در خانه درگذشته است. هرچند مرگ او خودکشی اعلام شد اما به گفته منابع محلی در اثر شکنجه های زیاد چنان خود را از دست داده است.</p>	<p>۱۹ ساله - ایردموسی اردبیل</p>	<p>یلدا آقافضلی</p>	<p>۲۱</p>
---	---	---------------------------------------	---------------------	-----------

ق



اسامی شهدای کودکان (زیر ۱۸ سال)

ردیف	نام	سن و محل تولد	تاریخ و نحوه شهادت	عکس
۱	آرام مجد	۱۷ ساله - قائمشهر	۲۰ آبان با شلیک مستقیم گلوله	
۲	آرتین رحمانی	۱۵ ساله - ایذه	۲۵ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله	
۳	آرنیکا قائم مقامی	۱۷ ساله - تهران	۲۰ مهر بر اثر ضربات متعدد باتوم	
۴	آیناز جواهری	۵ ساله - کرمانشاه	۱۶ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله	
۵	ابوالفضل آدینه زاده	۱۶ ساله	۱۶ مهر مقابل دانشگاه فردوسی مشهد بر اثر شلیک ۲۴ تیر ساجمه‌ای از سوی مأموران سرکوبگر به شهادت رسید.	
۶	ابوالفضل بانو	۱۶ ساله - قائم شهر	۲۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله به	

	<p>۱ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله در دزفول</p>	<p>۱۵ سالم</p>	<p>احسان خواجوی در بالایی</p>	<p>۷</p>
	<p>۱ مهر بر اثر شلیک مستقیم ۱۲ گلوله جنگی در شهر قدس</p>	<p>۱۶ سالم - ایلام</p>	<p>احسان علیبازی</p>	<p>۸</p>
	<p>۲۰ مهر در دبیرستان شاهد مورد ضرب و شتم قرار گرفته و سپس در بیمارستان به شهادت رسید</p>	<p>۱۵ سالم - اردبیل</p>	<p>اسرا پناهی</p>	<p>۹</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>زاهدان</p>	<p>اقبال شهنوازی</p>	<p>۱۰</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>۱۳ سالم - زاهدان</p>	<p>امید سارانی فرزند خالق‌داد</p>	<p>۱۱</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>۱ سالم بدون شناختنام - زاهدان</p>	<p>امید صفرزهی فرزند نعیم</p>	<p>۱۲</p>

	<p>۶ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۶ ساله دانش آموز پایه نهم - زاهدان</p>	<p>امید نارویی فرزند غام نبی</p>	<p>۱۳</p>
	<p>۱۰ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۵ ساله - کرمانشاه</p>	<p>امیر حسین بساطی</p>	<p>۱۴</p>
	<p>۳۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۶ ساله - اسلام آبادغرب</p>	<p>امیرعلی فولادی</p>	<p>۱۵</p>
	<p>۱۱ آذر زیر شکنجه</p>	<p>۱۶ ساله - فیروز آباد</p>	<p>امیر محمد (ایلیاد) رحمانی پور</p>	<p>۱۶</p>
	<p>۶ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۷ ساله - تهران</p>	<p>امیر مهدی فرخی پور</p>	<p>۱۷</p>
	<p>۲۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله جنگی</p>	<p>۱۷ اسله - تهران</p>	<p>امیرمهدی ملک محمدی</p>	<p>۱۸</p>

	<p>۲۱ شهریور بر اثر ضربات متعدد باتوم و شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۶ سالم - بندرانزلی</p>	<p>امیر نوروزی</p>	<p>۱۹</p>
	<p>۲۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله به ناحیه سر</p>	<p>۱۶ سالم - اشنویه</p>	<p>امین معرفت (معروفی)</p>	<p>۲۰</p>
	<p>۲۹ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۶ سالم - جوانرود</p>	<p>بهالالدین ویسی</p>	<p>۲۱</p>
	<p>۱ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۷ سالم - هشتگرد</p>	<p>پارسا رضادوست</p>	<p>۲۲</p>
	<p>۲ آبان بر اثر ضرب و شتم در مدرسه بدلیل پاره کردن عکس خمینی</p>	<p>ایران شهر</p>	<p>پارمیس همناوا</p>	<p>۲۳</p>
	<p>۲۱ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۶ سالم - دهدشت</p>	<p>پدرام آذرنوش</p>	<p>۲۴</p>

	<p>۱ مهر بر اثر ضربات متعدد باتوم</p>	<p>۱۷ ساله - رشت</p>	<p>پویا (علی) احمدپور پسیخا نی</p>	<p>۲۵</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>۱۲ ساله - زاهدان</p>	<p>جابر شیروزی فرزند احمد</p>	<p>۲۶</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>۱۱ ساله</p>	<p>جواد پوشه فرزند احمد</p>	<p>۲۷</p>
	<p>۲۵ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله به شکر</p>	<p>۱۷ ساله - سقز</p>	<p>دانیال پابندی</p>	<p>۲۸</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله به قلبش در جمع خونین زاهدان</p>	<p>۱۱ ساله</p>	<p>دانیال شه بخش فرزند عبدالحمید</p>	<p>۲۹</p>
	<p>۹ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله جنگی</p>	<p>۷ ساله - پیرانشهر</p>	<p>دیانا محمودی</p>	<p>۳۰</p>



	شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله	۱۶ ساله - ساری	رضا خوشنود هولاری	۳۱
	۷ آذر بر اثر شلیک مستقیم گلوله	۱۶ ساله - موجش کامیاران	رضا کاظمی	۳۲
	بر اثر شلیک مستقیم گلوله	۸ ساله - بوکان	روشنا(هلن) احمدی	۳۳
	۲۹ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله	۱۶ ساله - پیرانشهر	زکریا خیال	۳۴
	۲۰ شهریور بر اثر ضربات متعدد باتوم	16 ساله - مهرشهر	سارینا اساعیل زاده	۳۵
	۴ آبان بر اثر ضربات متعدد باتوم	۶ ساله - سنه	سارینا ساعدی	۳۶

	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>۱۶ ساله</p>	<p>سامر هاشمزهی فرزند نبی</p>	<p>۳۷</p>
	<p>۱۸ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله جنگی</p>	<p>۱۷ ساله - خرم آباد</p>	<p>سپهر بیرانوند</p>	<p>۳۸</p>
	<p>۲۵ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۴ ساله - ایذه</p>	<p>سپهر مقصودی</p>	<p>۳۹</p>
	<p>۲۱ شهریور بر اثر ضربات متعدد باتوم</p>	<p>۱۷ ساله - تهران</p>	<p>ستاره تاجیک</p>	<p>۴۰</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>۱۴ ساله</p>	<p>سدیس کشانی</p>	<p>۴۱</p>
	<p>۴ دی بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۲ ساله - بستک</p>	<p>سها اعتباری</p>	<p>۴۲</p>


	<p>۲۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>16 ساله - تهران</p>	<p>سیاوش محمودی</p>	<p>۴۳</p>
	<p>۲۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۵ ساله - آمل</p>	<p>سید سینا موسوی</p>	<p>۴۴</p>
	<p>۲ آبان بر اثر ضربات باتوم به سرش</p>	<p>۱۷ ساله - تهران</p>	<p>صدف موحدی</p>	<p>۴۵</p>
	<p>۶ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله جنگی به گردن</p>	<p>۱۵ ساله - منطقه شیرآباد زاهدان</p>	<p>عادل بریچی</p>	<p>۴۶</p>
	<p>۲۰ آذر زیر شکنجه</p>	<p>۱۷ ساله - شوش</p>	<p>عباس منصوری</p>	<p>۴۷</p>
	<p>مهر او دستگیر و سپس در ۱ آبان جنازه اش در رودخانه پیدا شد</p>	<p>۱۷ ساله - خلمیر</p>	<p>علی باوی</p>	<p>۴۸</p>

	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>۱۲ سالم</p>	<p>علی براهویی فرزند عمر</p>	<p>۴۹</p>
	<p>۲۰ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۷ سالم - قوچان</p>	<p>علی مظفری</p>	<p>۵۰</p>
	<p>۲۹ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۶ سالم - پیرانشهر</p>	<p>کاروان قادرشکری</p>	<p>۵۱</p>
	<p>۸ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۶ سالم - پیرانشهر</p>	<p>کومار درافتاده</p>	<p>۵۲</p>
	<p>۲۵ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۹ سالم - ایذه</p>	<p>کیان پیرفک</p>	<p>۵۳</p>
	<p>بر اثر ضربات متعدد باتوم</p>	<p>۱۶ سالم - شیراز</p>	<p>مانده (ماهک) هاشمی</p>	<p>۵۴</p>

	<p>۱۲ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۴ ساله - خاش</p>	<p>مبین میرکازمی</p>	<p>۵۵</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>فاقد شناسنامه - ۱۶ ساله - زاهدان</p>	<p>محمد اقبال نائب زهی (شهنوازی) فرزند نیا ز محمد</p>	<p>۵۶</p>
	<p>۲۱ شهریور بر اثر شلیک مستقیم گلوله جنگی به چشمش</p>	<p>۱۴ ساله - تهران با اصالت افغانستانی</p>	<p>محمد رضا سروری</p>	<p>۵۷</p>
	<p>۱ آذر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۷ ساله - مشیریه تهران</p>	<p>محمد حسین کمندلو</p>	<p>۵۸</p>
	<p>۹ آبان</p>	<p>۱۷ ساله - تهران</p>	<p>محمد حسین فرجی</p>	<p>۵۹</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>۱۲ ساله - زاهدان</p>	<p>محمد رخشانی فرزند عبدالقادر</p>	<p>۶۰</p>

	<p>۲۱ شهريور بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>16 ساله - تهران</p>	<p>محمد زمانی</p>	<p>۶۱</p>
	<p>۱۵ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۷ ساله - دزفول</p>	<p>محمد قائمی</p>	<p>۶۲</p>
	<p>۲ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۸ ساله - سراوان</p>	<p>مونا نقیب</p>	<p>۶۳</p>
	<p>۲۵ آبان زیر شکنجه</p>	<p>۱۵ ساله - گرگان</p>	<p>کابلی ی مهدی کمشگیر</p>	<p>۶۴</p>
	<p>۱۲ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۷ ساله - آمل</p>	<p>مهدیس حسینی</p>	<p>۶۵</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمعه خونین زاهدان</p>	<p>کودک ۲ ساله - زاهدان</p>	<p>نام (میرشکار نامشخص</p>	<p>۶۶</p>

	<p>۲۴ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۶ ساله - سیاورز تنکابن (شهرسوار)</p>	<p>میلاد سعیدی</p>	<p>۶۷</p>
	<p>۲۹ شهریور در تهران مفقود و ۷ روز بعد در حالیکه صورتش متلاشی شده، بینی‌اش له شده و جمجمه‌اش بر اثر ضربات باتومشکسنه بود در کهریزک تهران پیدا شد</p>	<p>۱۷ ساله - خرم آباد</p>	<p>نیکا شاکرمی</p>	<p>۶۸</p>
	<p>۱۲ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله</p>	<p>۱۶ ساله - سلماس</p>	<p>نیما شفق دوست</p>	<p>۶۹</p>
	<p>۱۲ آبان بر اثر شلیک مستقیم گلوله جنگی به سینه و ران</p>	<p>۱۷ ساله - کرج</p>	<p>نیما نوری</p>	<p>۷۰</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله و استنشاق گازهای سمی</p>	<p>۷ ساله زاهدان</p>	<p>هستی نارویی</p>	<p>۷۱</p>
	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>۱۷ ساله - خاش</p>	<p>یاسر بهادرزهی</p>	<p>۷۲</p>

	<p>۸ مهر بر اثر شلیک مستقیم گلوله در جمع خونین زاهدان</p>	<p>۱۶ ساله - زاهدان</p>	<p>یاسر شاهزهی</p>	<p>۷۳</p>
---	---	-------------------------	--------------------	-----------

در پی انقلاب جاری، در شهرهای مختلف ایران و شرق کوردستان، شعارهای مختلفی سر داده شد. شعار ژن ژبان ئازادی (زن زندگی آزادی) از اصلی ترین شعار انقلاب بود که از شروع قیام در شهرهای مختلف سر داده شد. محوریت شعارها بیشتر حول مسأله زنان و مخالفت با حکومت جمهوری اسلامی و اتحاد میان خلق ها بود.

فهرست شعارها به ترتیب حروف الفبا
آبان ماه خونه، سید علی سرنگونه
آخوند عبا رو گذاشته، اسلحه شو برداشته
آذربایجان ایاق دی، کردستانا دایاق دی (آذربایجان بیدار است، پناه کوردستان است)
آره انقلاب ترس داره؛ آره این دفعه فرق داره!
آزادلیق، عدالت، ملّی حکومت (آزادی، عدالت، حکومت ملی)
آهای آهای نشسته‌ها! مهسای بعدی از شماست
آی دیپلماتِ تروریست! اینجا دیگه جای تو نیست!
از کوردستان تا تبریز، صبر ما شده لبریز
از کوردستان تا تهران، خونین تمام ایران
از کوردستان تا تهران، ستم علیه زنان
اگه با هم یکی نشیم، یکی یکی تموم می‌شیم
اگه باهم یکی نشیم، یکی یکی کشته می‌شیم
امسال سال خونه، سیدعلی سرنگونه
اوین شده دانشگاه، تهران شده بازداشتگاه
ای رهبر آزاده! قبرت شده آماده
ایران شده غرق خون؛ ارتش شده خفه خون
ایرانی بسه دیگه، غیرتتو نشون بده
ایرانی! داد بزن، حقت رو فریاد بزن
ایرانیا غرق خون، استادامون خفه خون
این آخرین پیامه، هدف خود نظامه
این اعتراض نیست، این انقلاب است
این نقشه‌ها تکراریه، داعش خود سپاهیه
این همه سال جنایت، مرگ بر این ولایت
با اینکه دوریم از وطن، پشت شما ایم هم وطن!

با خون ما نوشتید، ما مهسا رو نکشتیم!
بسیجی بی‌غیرت! داعش ما شمایی
بسیجی جیره‌خور! آخرشه، خوب بخور
بسیجی و سپاهی، داعش ما شمایی
بسیجی! داعشی! پیوندتان مبارک
به آبان سلام، به پایان سلام
بهش نگید اعتراض، اسمش شده انقلاب
بیز املیه حاضر و بخ، بابکین سربازیوخ (حاضر به مُردَن هستیم، سربازِ بابک هستیم)
بیکاری، بیگاری، حجاب زن اجباری
بی‌شرف! بی‌شرف!

بی‌غیرتانشستن، هشتادایا [متولدان دهه هشتاد] تو حبسن
بی‌غیرت‌ها نشستن، فنی‌هامون تو حبسن
بوکان شه‌هیدی داوه، له مردن نه‌ترساوه
پویا، ژینا، سارینا؛ انتقام، انتقام
تا آخوند کفن نشود، این وطن وطن نشود
تا حرف حق رو گفتیم، صدای تیر شنفتیم!
تجاوز توی زندان، اینم بود توی قرآن؟!
تجاوز، جنایت، لعنت بر این ولایت
توپ تانک فشفشه، آخوند باید گم بشه
جمهوری اسلامی، نمی‌خوائیم نمی‌خوایم
چهار دهه جنایت، ننگ بر این ولایت
چهل‌م مهسا شده، کمر نظام تا شده
حجاب زور زورکی، نمی‌خوائیم نمی‌خوایم
حسین حسین شعارتون، جنایت افتخارتون!
حکومت اسلامی، نمی‌خواهیم نمی‌خواهیم
حکومت ضد زن، نمی‌خوائیم نمی‌خوایم
حکومته‌تی سیداره، برو دهری له‌م شاره
حیدر حیدر شعارتون، جنایت افتخارتون!
خونی که در رگ ماست خوراک رهبر ماست

خامنه‌ای تسلیم شو
خامنه‌ای حیا کن، مملکتو رها کن
خامنه‌ای ضحاک! می‌کشیمت زیر خاک
خامنه‌ای قاتله، حکومتش باطله
خامنه‌ای یزید شده، یزیدِ روسفید شده
خونین تمام ایران، از کوردستان تا تهران
دانشجو می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد
دانشجوآ دستیند به‌دست؛ خلافاکارا باتون به‌دست!
دایه! دایه! وقت جنگه!
دایه مه‌گری بو پۆله، شه‌رته ده‌یستینم تۆله! (به معنی مادر برای فرزندت گریه
نکن، انتقامش را خواهیم گرفت)
رهای، حق ماست؛ قدرت ما جمع ماست
زن، زندگی، آزادی
ژن، ژیان، ئازادی
ژن، ژیان، نه‌وه‌ستان؛ ئازادی بو کوردستان
سقز تنها نیست، سنندج پشتیبانش است
سکوت تو فشنگ می‌شه؛ سپاهی سرکش تر می‌شه!
سلیبریتی خوش غیرت؛ سکوت به این جنایت!
سیستم فاسد نمی‌خوایم، مهمون قاتل نمی‌خوایم
شاه‌چراغ خون شده، دست نظام رو شده (مرتبط با حمله به حرم شاه‌چراغ)
شهید نمی‌میرد
عدالت، آزادی، نه به حجاب اجباری
فکر نکنی یه روزه، قرار ما هر روزه
فکر نکنید امروزه، قرار ما هر روزه
فرزند کارگرانیم، کنارشان می‌مانیم.
قسم به خون مهسا، ایران می‌گردد آزاد
قسم به خون یاران، ایران می‌گردد آزاد
قسم به خون یاران، ایستاده‌ایم تا پایان
کوردستان، کوردستان، چشم و چراغ ایران

کشته ندادیم که سازش کنیم، رهبر قاتل را ستایش کنیم
 کشته شده صد نفر؛ تیم ملی شون رفته قطر.
 کورد و بلوچ برادرند، تشنه خون رهبرند.
 کورد، بلوچ و آذری؛ آزادی و برابری
 کوردستان، کوردستان، گوردستان فاشیستان
 کوردستان ناوی به رزه، دوژمن ده خاته له رزه
 کوشتن له سهر پووسه‌ری، تا به که‌ی قوّر به‌سه‌ری (به فارسی: کشتن برای روسری،
 تا کی چنین خاک‌برسری)
 گشت ارشاد بهانه است، اصل نظام نشانه است
 گشت ارشاد بهانه است، هدف اصل نظام است
 ما از ایران می‌ریم، ایران رو پس می‌گیریم
 ما همه مهسا هستیم، بجنگ تا بجنگیم
 مجتبی [خامنه‌ای]! همیری، رهبری رو نبینی
 مرگ بر جمهوری اسلامی
 مرگ بر حکومت بچه‌کش
 مرگ بر خامنه‌ای
 مرگ بر دیکتاتور
 مرگ بر سپاهی
 مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر
 مقنعه رو سوزوندیمش، سرکوب‌گرو پوکوندیمش
 مهسا امینی! روح شاد
 می‌جنگیم می‌میریم، ایران رو پس می‌گیریم
 می‌گشتم می‌کشم، هر آن که خواهرم کشت
 مُحصّلاً رو بردن؛ جنازه‌شو آوردن!
 ننگ ما ننگ ما، پلیس‌الدنگ ما
 ننگ ما ننگ ما، رهبر‌الدنگ ما
 نه روسری، نه توسری، آزادی و برابری
 نه شاه‌چپام نه شیخ‌چی، میللت‌چی‌ام میللت‌چی یعنی: نه طرفدار شاه هستیم، نه
 شیخ، طرفدار ملت‌م

نه شیخ می‌خوایم نه ملا، لعنت به آیت‌الله
نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران
نه سلطنت نه رهبری، دموکراسی برابری
هه‌تا کوردی‌ک بۆینی، کوردستانیش ده‌می‌نی
هیز تویی، هرزه تویی، زن آزاده منم
هر یک نفر کشته‌شه، هزار نفر پشتشه



«ملت دموکراتیک» و نمود اجرایی آن یعنی «خودمدیریتی دموکراتیک» درمان و علاج واقعی برای آسیب‌هایی است که حکمرانان قدرت‌محور بر کشور ایران تحمیل نموده‌اند. ملت دموکراتیک شکستن ساختار قدرت‌محور و دولتی و طرح و اجرای یک مدیریت مردمی است که ریشه‌های تاریخی آن وجود داشته و قبایل و گروه‌ها و طریقت‌ها سالیان درازی از طریق آن زیسته و هم‌اکنون نیز مدل‌های نزدیک به آن در پیشرفته‌ترین جاهای جهان مسبب اصلی پیشرفت جامعه هستند.

